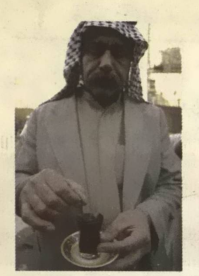


عمی شتطلبون الوادم
دیموقراطیه و تعبانین علیه





دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۸۳ -۲۵ شعبان ۱۴۲۵- سال پنجم- شماره ۵۹ ـ ۱۰۰۰ریال

مدیر کل اداره اطلاعات خوزستان

برای رفع اختلاف بین عشایر و طوایف باید کار فرهنگی شود

به مناسبت بیستمین سالگردتاسیس وزارت اطلاعات خوزستان آقای پناهی درجمع خبرنگاران رسانه های گروهی پیرامون ضرورت وجودامنیت وشاخصه های آن گفت:موضوع امنیت به طورکلی دارای شاخه های متعددی است وعوامل متعددی برامنیت تاثیرگذار و تاثیرپذیراست که شامل عوامل خارجی وعوامل داخلی می شودعوامل خارجی موثر برامنیت مسلمامباحثی مثل جریانات خارج از کشور و اتفاقاتی که بیرون ازاستان خوزستان می افتدبه طورقطع ویقین موثر برامنیت انستان است.

سلاحهای جنگی که درزمان رژیم صدام بابازکردن انبارسلاحهای فرسوده باعث شد که قاچاق سلاح به داخل کشورجریان پیداکند،قاچاق فرآورده های متعدد فرهنگی وبهتراست که بگوئیم ضد فرهنگی ومسائل سیاسی ونظامی که درکشورهمسایه می گذرد مسلماتاثیرگذاردبرامنیت استان است.مسائل داخلی هم تاثیرگذاروهم تاثیرپذیراست.

مسائل متعدداقتصادی،فرهنگی،اجتماعی،سیاسی جوانان وامثال اینهاهمه به نحوی برامنیت عمومی وامنیت منطقه ای تاثیرگذاراست ومی توانندجزوعوامل مخل امنیت یاعوامل تثبیت امنیت باشد.وی درادامه پیرامون مسائل وناامنی های اخیر گفت:مسائل قومی واختلافات عشیره ای چیزی بود که متاسفانه ازقدیم الایام وجودداشته است وازقبل نیزدرگیری های شدیدمیان عشایررخ داده است.

درست است که الآن می گویند دلیل این أختلاف وجودسلاح دردست مردم است منتها بحث درگیری وعلت اختلاف ووسایل جرم مطرح است مابه سلاح به به عنوان وسیله جرم باید نگاه کنیم واینکه چرااین اتفاق می افتد زیرادلیلش وجود سلاح نیست سلاح وسیله آنجام جرم است.کسی که بخواهد خلافی انجام یاقتلی آنجام دهد وسیله اش راهم مهیامی کند.درست است که الان سلاح درحدزیادی دردست مردم است وباید جمع آوری شودوخوداین باعث می شودکه ناامنی به وجودآیدومردم احساس امنیت نکنند،منتهادلیل وجودجرم به اعتقاد ماوجودسلاح نیست سلاح وسیله آنجام جرم است واین بیشتربرمی گرددبه اختلافات عشیره ای ومافکرمی کنیم که اختلاف بین عشایروطوایف ریشه فرهنگی داردوبایستی کارفرهنگی بشودودردرازمدت بایداین مشکل حل شودودکوتاه مدت نبایدانتظارداشته باشیم که کل مشکلات حل شود.

برای حل این مشکل نیازبه عزمی بالاترازدستگاههای متوالی امنیت است که اختلافات میان عشایر وطوایف ریشه کن شود.اختلافاتی که رخ داده بیشترجنبه های تعصبات عشیره ای شخصی داشته است.مشکل امنیتی که الان بین عشایر وقبایل پیش آمده است بدون عوامل تاثیرگذارنمی توان حلش کردعوامل متعددی ازجمله مشکلات فرهنگی یاوجودسلاح که به عنوان ابزارجرم است ونه خودجرم ومسائلی دیگر.مدیرکل اطلاعات خوزستان درادامه گفت:بسیاری ازاستانهادرکشورهستندکه مایلندمشکلاتی راکه دراستانشان بوجودمی آیدعمده وبزرگ نکنندواعلام کنندکه دراستان امنیت وجودداردبدلیل انکه امنیت سرمایه گذاری وطرحهای ملی می آورد.

ادامه در صفحه ۲



دکترعیسی مقدمی زاد:

فازاول توسعه میدان نفتی دارخوین سال آینده به بهره برداری می رسد

فاز اول طرح توسعه میدان نفتی دارخوی،به همراه اجرایی طرح تزریق گاز،در نیمه اول سال ۸۴ مورد بهره برداری نهایی قرارگرفت.

معاون امورحقوقی وقراردادهای وزارت نفت گفت: این طرح شامل دو فازاست وهدف ازاجرای فاز اول، تولید ۵۰ هزاربشکه نفت خام درروز می باشدکه دراین فاز،سه حلقه چاه توصیفی،۵ حلقه چاه توسعه ای ویک حلقه چاه تزریق گاز،حفاری خواهد شد.

دکترعیسی مقدمی زاد افزود: بهره برداری نهایی ازفازاول که همراه باتزریق است.

درنیمه اول سال ۸۴ خواهد بودوتاپایان اسفند۸۲ حدود۷۲/۳ درصدپیشرفت داشته است.



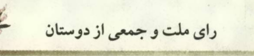
صوت الشعب صحيفة مستقلة لا تنتمي الى اي حزب او تيار او مجموعة او فرد و هي للجميع ، تسعى ان تكون منبراً لكل الاصوات و الآراء و واحة خصبة لكل الاقلام الشريفة و الحرة دون أي انحياز أو تطرف أو مساس لكرامة انسان .

علماً بأن الاراء التى ترد فى الصحيفة لا تعبر بالضرورة عن رأى الصحيفة بل تعبر عن رأى كاتبها











بنده عقیده دارم که نیروهای وزارت اطلاعات سرافراز، پر افتخار و مفتخرند

مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله خامنه ای

مدیر کل اداره اطلاعات خوزستان

برای رفع اختلاف بین عشایر و طوایف باید کار فرهنگی شود

ادامه از صفحه یک

متاسفانه مابرعکس اقدام می کنیم یعنی تمام تلاشمان براین است که اگریک موضوع عادی ودعوایی که بین دوعشیره اتفاق افتاده ومنجربه چندقتل شده است ومی تواند درنوع خودش موضوع عادی باشد واین قدرحساس نیست به یک موضوع ملی وبحران تبدیل کنیم درصورتی که هیچ بحرانی نیست وازهمان ابتداء هم قابل کنترل بود.احساس ناامنی که ایجادشده خیلی بیشترازاتفاقی است که افتاده است.

وی سپس درارابطه باجمع آوری سلاح وبرخوردبادارندگان سلاح غیر مجاز گفت:مبارزه باقاچاقچیان سلاح قسمتی ازوظایف کسانی است که درارابطه باموضوع اسلحه فعال هستند ویکی هم بحث خلع سلاح تاوقتی که سلاح بعنوان یک عنصرتجاری دیده می شودوسودآوری داردحل شدنی نخواهدبودمانندموادمخدرقسمتی دیگرمربوط به خلع سلاح است که شامل کسانی می شودکه الان سلاح اختیار دارند ویادرحل تهیه سلاح هستندولی قاچاقی نیستند وخرید و فروش سلاح نمی کنندبلکه به دلیل روحیه ای که دارند.

مابایدبصورت جدی باموضوع خلع سلاح برخوردکنیم این کارراهم انجام می دهیم وجزءتصمیمات شورای تامین استان است وبسیارجدی بااین موضوع وکسانی که سلاح دارندبرخوردخواهیم کردتاخلع سلاح کامل انجام شود.پناهی افزود:ماهمدرکنارنیروی انتظامی ودستگاه قضایی وشورای تامین درخدمت آنهاهستیم وبه قسمتی ازوظایف که به عهده ماگذاشته شده است عمل خواهیم کرد.کسانی که متقاضی داشتن سلاح هستندراه برایشان بازاست می توانند درخواست بکنند وازطریق قانونی هم سلاحهای غیرجنگی وهم سلاحهای جنگی درصورت تشخیص نیازوصلاحیت فردبه وی واگذارمی شود.مااعتقادمان این است سلاح دردست مردم باشدولی بصورت ساماندهی شده. .وی درادامه گفت:در۶سال گذاشته توسط اطلاعات استان ۴۸۷۴قطعه سلاح کشف و۴۵۹نفرازقاچاقچیان دستگیرشده اند.پناهی درادامه در مورد نقش مطبوعات در تحقق امنیت در بین مردم وخصوصا در حل مشکلات بین اقوام موجوددراستان سخن گفت وافزود:عمده کردن وبزرگ نمایی کردن مسائل قومیتی می تواند یک مشکل بوجودآوردبی توجهی به مسائل وجدانکردن مطالبات قانونی ازغیرقانونی هم می توانده نحوی مشکل سازباشد.

درهمه اینهامطبوعات نقش دارندواین مطبوعات هستندکه می توانند طوری این مسائل راعنوان کنندکه دردیگران توقع بوجودبیایدواین توقع باعث شودکه مردم برروشهای غیرقانونی گرایش پیداکنندیادرمقابل طوری عنوان کنند که مردم بتوانند ازکانالهای رسمی باروشهای درست وچیزهایی که جامعه مامی پذیرد ازاین راهها مطالبات خودشان رادریافت کنند.

مابه طور کلی مخالف بااین نیستیم که کسی زبان خودش رادوست داشته باشدویامردمان خودش رادوست داشته باشد،هیچ کس مخالف بااین نیست ولی مخالف با این هستیم که بعضی نشریات به این موضوعات واختلافات بین عشایروطوایف دامن بزنند.اگرکمبودی برای همه هست طوری عنوان نشودکه انگاری برای قشرخاصی فقط صورت می گیرد.

نشریات جایگاه ویژه ای درتاثیرگذاری روی مردم بخصوص قشرجوان،دانشجووتحصیلکرده دارندوبایددقت نظرداشته باشندماازشماحمایت می کنیم وبه هرشکلی درهمه جاحامی شماهستیم.

مدیرکل اطلاعات خوزستان درارابطه باهدف برگذاری نمایشگاه اداره کل اطلاعات گفت:نمایشگاهی که گذاشته شده عملکرد اداره کل اطلاعات خوزستان نیست بلکه گزارشی است ازکاربیست ساله اداره کل اطلاعات استان خوزستان به عنوان قسمتی ازوزارت اطلاعات کشور،که سالیان سال به دلیل همسایگی باعراق هم محل ترددنیروهای ضدانقلاب بوده است وهم محل وقوع مسائل ضدامنیتی متعددبوده است وزارت اطلاعات درطول این سالهابدون اینکه بتواندگزارش عملکردی بدهدخدمات بسیارزیادی انجام داده است که بعنوان نمونه مطلبی رادراین نمایشگاه آوردیم.وظیفه ای هم که برعهده وزرات اطلاعات است وظیفه ای مهم وافتخار آفرین استماافتخارمی کنیم که به استقلال مملکت خدمت می کنیم.

اهداف جاسوسان جزاین نیست که استقلال مملکت راازبین ببرندوهیچ کدام اهداف خیرخواهانه ندارند،بلکه همه اهداف شرخواهانه دارند.

-کسی که درخدمت کشورهای خارجی به مملکت خودش خیانت می کند ،مسلماهیچ خیرخواهی برای این ملت ومردم ندارد وکارکنان این اداره کل افتخارمی کنندبه اینکه باانجام وظیفه شان خدمت به مردم ارایه می دهند که مایه افتخارومباهات است.

افتتاح دو مدرسه راهنمایی درروستاهای مرکزی هویزه

مراسم افتتاح دوباب مدرسه راهنمایی درروستاهای مرکزی تابعه ی هویزه درشرق وغرب هویزه باحضورشهردار، بخشدار،رئیس اداره آموزش وپرورش هویزه وشورای اسلامی روستا ومردم برگزار شد.

این حرکت مثبت درآغازفصل تعلیم وتربیت وعلم ودانش وفرهنگ رابه کاشانه دل مردم محروم منطقه به ارمغان آورد. این مدارس با داشتن ۴کلاس و۲کلاس اول وکلاس پایه دوم وپایه سوم یک کلاس با تعداد ۸۰نفردانش آموز ثبت نام شده جدید، کارخود راآغازنمودند..

گفتنی است معظل ایاب وذهاب وکمبودوسیله نقلیه درتاخیرمحصلان دردرس وحوادث واتفاقات فصل سرماوبارندگی وجاده هاومسافت دوروشکلات دیگراز جمله عوامل قابل ملاحظه وموثردرافت تحصیلی دانش آموزان بودندکه با افتتاح این مدارس امید است ، تا حدی سدعبورازتحصیل برداشته شود.

مدارس مذکور با نام حبیب بن مظاهردرروستای سمیده شرق منطقه وآیت الله کاشانی درروستای خطور،دانش آموزان روستاهای اطراف رانیزتحت پوشش می گیرند.

بازدید معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی از هفته نامه رای ملت

دکتر درولی معاون مدیر کل اداره ارشاد اسلامی خوزستان به همراه خانم بحیرائی مسئول امور فرهنگی ارشاد اسلامی خوزستان طی نشستی در دفتر هفته نامه رای ملت باسر دبیر وجمعی از اعضای شورای نویسندگان این هفته نامه ملاقات نمودند.

دکتر درولی در سخنانی در خصوص وضعیت خاص هفته نامه رای ملت عنوان نمودند:دست اندرکاران یک نشریه عرب زبان در خوزستان ، که یک استان مرزی مهم می باشد ، چه بخواهند وچه نخواهند بر لبه ی شمشیر تیز حرکت می کنند وتصوردوسویه از این نشریه می شود. یکی از مشکلات هم مرزی باکشور عربی همچون عراق که چندین سال باآن جنگ داشتیم. که در نگاه برخی مردم که با دید احساسی نه دیدی عقلانی به قضایا می نگرند انتشار یک نشریه عربی حساسیت زاست، وکافی است شایعاتی هم در این زمینه در بین اجتماع رواج یابد آنگاه دیگر حرکت این نشریات وروند آنها با مشکل جدی روبرو می شود. حالا که شما با صوت الشعب آمدید وواردوادی فرهنگی شدید باید بدانید که چه مسئولیت سنگینی رابابد بدوش بکشید. از یک طرف باید سخنگوی زبان وادبیات عربی باشید ونمایندگی از این قوم رابنحو احسن انجام دهید.

از طرف دیگر باید بار اعتمادسازی وتفکیک این سوی وآن سوی مرز کشور را به دوش بکشید.

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی خوزستان با اشاره به نقش مهم اقوام ایرانی در تقویت وحدت ملی افزود: موقعیت شما با هر نشریه دیگر در استان متمایز است، ایران مجموعه ای از اقوام مختلف است، ایران یک قوم نیست، ایران فقط کرمان ویزد نیست، ایران ترکمن صحرا هم هست ایران سیستان هم است ، قانون اساسی هم حقوق اقوام را تصویب نموده، اما قانون در حیطه فرهنگ که می آید فوق العاده سخت می شود. چرا که متاسفانه تا کنون یک استراتژی مدون در رابطه با قضایای قومیتها وخصوصا مشکلات فرهنگی آنها نگاشته نشده است.به اعتقاد بنده وجود اقوام در ایران یک مزیت فوق العاده مهمی برای کشور جمهوری اسلامی ایران است،لذا باید این تنوع فرهنگی وقومی را در جهت تحکیم وحدت ملی ووحدت اسلامی مورد استفاده قرار دهیم. در ادامه این دیدار عادل حیدری سر دبیر هفته نامه رای ملت با اشاره به نقش مهم هفته نامه در بین مردم عرب خوزستان ودیگر هم استانیهای عزیزبه مشکلات خاصه این هفته نامه رای ملت اشاره نمودوگفت: متاسفانه، نحوه ی ارتباط بعضی ازادارات بانشریه وتبعیض شدیدی که ملاحظه میشود، وباعث شده که عده ایی سود جو وتنگ نظر در برخی از روابط عمومی ها با کوبیدن بر طبل نفاق وتفرقه به بهانه های واهی از دادن آگهی به هفته نامه ایی که در چار چوب نظام مقدس اسلامی تعریف شده در حرکت است، خوداری می کنند. متاسفانه بعضی از دوستان ،دادن آگهی را مشروط به تعریف وتمجید از اداره متبوع نموده اند.وی افزود:شایسته نیست در استان زرخیز خوزستان با این همه اعتبارات وسرمایه هفته نامه ای مردمی که دارای شهرتی جهانی شده ،بعلت عدم حمایت مالی از طرف مسولین وارگانها از انتشار متوقف گردد. سر دبیر هفته نامه رای ملت خواستار این شد که یک دوره کلاسهای آموزش روزنامه نگاری به زبان عربی از سوی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی خوزستان برگزارشود که این پیشنهاد مورد استقبال معاون اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی وخانم بحیرایی رئیس اداره امور فرهنگی ارشاد اسلامی استان قرار گرفت.

هفته نامه رای ملت به نوبه خود از جناب آقای دکتر درولی وسرکارخانم بحیرائی رئیس اداره فرهنگی ارشاداستان به جهت همکاری دلسوزانه واین دیداردوستانه تقدیر وتشکر بعمل می آورد.

احیاء ذکری ماتین واربعین شهیدا من شهداء مدینه الفلاحیه(شادگان)



اقیم فی مدینه شادگان (الفلاحیه) احتفال کبیر فی یوم الاثنین السادس من مهر بمناسبه الیوم السابع من اسبوع الدفاع المقدس تحت عنوان احیاء ذکری ماتین واربعین شهیدا من شهداء مدینه الفلاحیه وتابین سته عشر شهیدا من الشهداء مفقودی الاثر. حضر هذا الاحتفال الکبیر والاول فی نوعه فی هذه المدینه حشد کبیر من عوائل الشهداء والساده والعلماء والمسئولین و موظفی الداوئر والموسسات الحکومیه والکسبه وجمع غفیر من ابناء هذه البلده الغیوره وکذلک حضر السید ذراتی رئیس موسسه الشهیدفی محافظه خوزستان وقد بدا الاحتفال بتلاوه عطره من آیات الذکر الحکیم ثم تقدم سماحه الشیخ احمد سواری امام جمعه المدینه بتقدیم کلمه الترحیب وشکر جمیع الذین ساهموا وحضروا فی هذه الاحتفال الذی اقیم من اجل احیاء ذکری شهداء المنطقه ثم اشاد ببطولات ابناء المنطقه الغیاری فی الدفاع والذود عن العقیده والاسلام ومکتب اهل البیت واشار فی کلمته بالتضحیات التی قدمها ابناء هذه البلده الشریفه وتطرق الی جزء من تاریخ بنی کعب الجهادی فی القرون الاربعه الماضیه ومشارکتهم فی الجهاد ضد الغزو البریطانی الغاشم حیث رفعت العشائر العربیه من ابناء بنی کعب وبقیاده السید المجاهد والقائد لحرکه الجهاد السید جابر المرسول(آلبوشوکه) رایه النصر والجهاد فی التصدی لجیوش الانجلیز والمحتلین.

ثم قدم السید الحسینی ممثل ولی الفقیه فی حرس الثوره الاسلامیه لمحافظه خوزستان کلمه عبر فیها عن فخره واعتزازه ببطولات جند الاسلام وتضحیات ابناءالمنطقه وشکر المساهمین فی اقامه هذه الاحتفالات المعنویه.ثم قدم سماحه حجه الاسلام والمسلمین الدکتور الشیخ محسن الحیدری امام جمعه مدینه الاهواز کلمه شکر فیها المشارکین وکذلک عوائل الشهداء والقائمین علی اقامه هذه الذکری لشهدا هذه المدینه وقد تطرق فی کلمه الی تاریخ التشیع والثقافه الدینیه فی المنطقه. وقال فی کلمه ان هذه المدینه نشا منها علماء افاضل منهم ابن السکیت الدورقی وعلی بن مهزیار الاهوازی الدورقی وغیرهم وکذلک اشاد بالمواقف البطولیه والتضحیات فی سبیل الاسلام حیث ان ابناء العشائر فی هذه مدینه لبوا لنداء الجهاد لسماحه السید عباس المجاهد (ره)وقدموا التضحیات و قوافل المجاهدین تحت رایه السید جابر المنقوشه بآیه الکرسی قبل مائه عام (عام الجهاد) وسلمت هذه الرایه الجهادیه عام ۱۳۷۵ ه.ش لقائد الثوره الاسلامیه آیه السید علی الخامنه ای (ایده الله وحفظه) والآن تحتفظ فی متحف القرآن فی مشهد الامام الرضا(ع).وقد تضمن هذا الاحتفال برامج واناشید ومدائح بحق اهل البیت والشهداء وذکر مصیبه السیده الزهراء سلام الله علیها.یذکر ان هذا الاحتفال اقیم من قبل موسسه الشهید ولجنه احیاء ذکری شهداء الفلاحیه.

کارآسفالت ۱۰۰خیابان درسطح منطقه شش شهرداری به اتمام رسید

به گذارش روابط عمومی شهرداری منطقه شش اهواز با همکاری ومساعدت شورای اسلامی محترم شهرشهرداری اهواز وتلاش مجموعه این شهرداری کارآسفالت ۱۰۰خیابان درمناطق ملاشیه،کوی سیاحی، کوی علوی،کرشان وکوی مندلی به اتمام رسید.

مهندس داوودزاده بااعلام این خبرگفت:۵۰٪این تعداد در کوی ملاشیه ومابقی درمناطق مذکوربا انجام عملیات خاکبرداری، خاکریزی،تسطیح آسفالت اقدام گردیدوی ادامه دادهمزمان باکار آسفالت خیابانها مقدار ۳۰۰/ ۲۸مترطول جوی روباز و جدولکاری نیزبه اتمام رسیده است که هزینه ای بالغ بر -/۶۲۰/۰۰۰/ ۲۳/۰۶۰ریال دربرداشته است.

ایشان درپایان باییان این مطالب گفت:درحال پیگیری اعتبارات جدیدی جهت تکمیل آسفالت خیابان این مناطق هستیم که انشالله بامساعدت عزیزان درمعاونتهای شهرداری به نتیجه نهائی برسد

همکاری شهرداری منطقه ۸با مدارس

به گزارش روابط عمومی منطقه ۸ به منظوراستقبال ازاول مهروبازگشائی مدارس نیروهای خدمات شهری باهمکاری فضای سبز منطقه اقدام به پاکسازی هرس ونظافت ۲۸مدرسه ابتدائی ،راهنمائی ودبیرستان نمودند.

برگزاری جشن میلادآفتاب

جشن میلاد آفتاب درسالن فرهنگی شهرداری منطقه ۵ برگزارشدبمناسبت میلادباسعادت یگانه منجی بشریت حضرت حجه بن الحسن امام مهدی (عج) جشن باشکوهی باحضور شعراء هنرمندان وجمع کثیراز شهروندان برگزار گردید.دراین مراسم ابتداء شعرابه مداحی وشعرخوانی پرداختندسپس گروه هنری اشراق نمایش((من جدوجد))که به وضعیت دختران وجایگاه آنان درخانواده واجتماع می پردازدرابه روی صفحه برد.لازم به یادآوری است که حضورزنان دراین مراسم بعنوان مجری،شاعر، هنرمند،تماشاگر،قابل ملاحظه بود.

دیدارشهردارمنطقه۳ ازمرکزآموزش استثنائی رودکی

بمناسبت فرارسیدن روزجهانی ناشنوایان،آقای الهائی شهردارمنطقه۳به همراه معاونین خودازمرکزآموزش استسنائی رودکی بازدیدکردندوکودکان حاضر در آنرا مورد تفقد قرار دادند وبا اهداءسبدگل وهدایائی به رسم یادبودبه آنها ونیزازتلاش وزحمات بی شائبه مربیان سختکوش مرکزتحصیل و تقدیربعمل آورند.ایشان ضمن دیداروگفتگوبامدیرومربیان ودست اندرکارانمرکزازقسمتهای مختلف ساختمانومحوطه های اطراف جهت سرویس دهی بازدیدونسبت به رفع مشکلات موجود دستورات لازم راصادروهمچنین قول مساعدرابرای راه اندازی محل بازی کودکان ونصب اسباب ووسایل بازیهای کودکان وتوسعه واحداث فضای سبز جدیدمرکزوایجادمکانی مناسب برای تفریح آنهارااعلام نمودند.مرکزآموزش استثنائی رودکی درمحدوده شهرداری منطقه۳قرارداردوتعداد ۱۲۰نفرازکودکان ونوجوانان دختروپسرداردوازعقب ماندگیهای ذهنی ومورد آموزشهای خاص قرارمی دهد.

دیدار شهردار اهواز با شهروندان شهرداری منطقه ۴

در سال پاسخگویی مسئولان به مردم وضرورت انجام این امر خطیر بصورت حضوری ورودودر ادامه برنامه حضور شهردار اهواز در مناطق مختلف در انجام این امر مهم در مورخ ۶مهر ماه شهردار اهواز آقای مهندس مهدوی با حضور در شهرداری منطقه ۴ نسبت به پاسخگویی به شهروندان این منطقه اقدام نمودند.گفتنی است این ملاقات عمومی که در محیطی کاملا دوستانه وصمیمی برگزار گردید با استقبال خوب شهروندان عزیز مواجه شد وشهردار اهواز باسعه صدر به رفع مشکلات اهالی پرداختند.

تالاب بین المللی شادگان

تالاب بین المللی شادگان ازجنبه های مختلف اکولوژی علمی،زیبا شناختی تفریحی، اقتصادی،اجتماعی و هیدرولوژیکی دارای ارزشهای گوناگون در حیات اجتماعی مردم منطقه می باشد. این تالاب درسالهای اخیر در اثرجنگ تحمیلی ودخل و تصرف بی رویه، ورود فزاینده فاضلابهای کشاورزی، شهری، صنعتی دستخوش نارسایی شده است.

علرغم رشد وآگاهی عمومی درخصوص اهمیت محیطهای طبیعی هنوزدرک واقعی ازارزش واهمیت وحساسیت این نوع اکوسیستم های حیات بخش ومتنوع بسیاراندک وناچیز است. تالاب بین المللی شادگان دارای وسعتی بالغ ۴۰۰ هزار هکتاراست که جز۱۸ تالاب بین المللی ثبت شده است درکنوانسیون رامسر در ایران می‌باشد که ۲۹۶ هزار هکتارآن براساس مصوبه شماره ۴۱ مورخه ۵۱/۹/۲۲ شورایعالی محیط زیست بعنوان پناهگاه حیات وحش تعیین گردیده است.

براساس مطلعات آنجام شده تولیدسالانه گیاهی تالاب بالغ ۱/۶۲۹/۳۵۷ تن ماده خشک گیاهی می باشدکه وجود اجتماعات عظیم زیستی آبزیان، پرندگان، احشام مویدبراین واقعیت است، براساس همین مطلعات درتالاب شادگان و مجموعا۷۴گونه گیاه و۳۶گونه ماهی وجوددارددبررسی های آنجام شده توسط اداره کل حفاظت محیط زیست استان ومرکز تحقیقات شیلات استان خوزستان نشان می دهدکه حداقل ۲۰۰گونه ازحیات وحش شامل پرندگان-دوزیستان-خزندگان پستانداران که بصورت موقت بادائم درتالاب زندگی می کنند.

زندگی اجتماعی مردم شادگان وحاشیه نشینان تالاب به گونه ای درتالاب وابسته است که مرگ تالاب،مرگ آنهارابدنبال خواهدداشت که متاسفانه بعلت سهل انگاری مسئولین وکارشناسان طرح توسعه نیشکروتخلیه پس آبهای مزارع،این تالاب روبه نابودی است.

شادگان-صویلاتی-خبرنگاررای ملت

نامه وارده

محضر مبارک حضرت آیت الله شاهرودی زید توفیقه

ریاست محترم قوه قضائیه

از مدتها پیش شهرستان اهواز بدلیل ناهنجاریهای اجتماعی، دستخوش ناامنی وفضای رعب و وحشت شده به گونه ای که افراد مسلح به حرکات رعب آمیز وبعضا عملیات مسلحانه وانتقامجویانه که منجر به قتل نفوسی شده دست می زنند. مسلما پیدایش چنین فضائی سبب بی اعتمادی مردم به اقتدار ارکان انتظامی وامنیتی شده است. تکرار پدیده شوم قتلهای مسلحانه در شهرستان اهواز ناشی از وفور سلاح در بین تعدادی از مردم است. کمبود امکانات نیروی انتظامی از حیث عده پیچیدگی موضوعات اجتماعی منطقه نیازمند چاره ای اساسی وصدور فرمانی قاطع وسرنوشت ساز واجرای برنامه ای شامل وجامع می باشد تا بارقه امیدی در کالبد مردم دمیده شود وکار به آنجا نرسد که متاسفانه حتی بعضی از شاغلان وموظفان اداری وغیره از ترس کشته شدن، از خانه خود خارج نشوند وخود را محبوس منزل ساخته ولیکن تهدید کنندگان مسلح از هر صنف ویا قشروقبیله ای که باشند قدرت مانور پیدا کنند. درانتظار رسیدگی عاجل وصدور اوامر.

والامرالیکم

دکتر ناصر سودانی

نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی

البرادعی وصوت الشعب

بقلم: سردبیر

حضرت امام علی (ع)می فرمایند:"خدایا به تو پناه میبرم که ظاهر من دربرابر دیده ها نیکو،ودرونم در آنچه که از تو پنهان می دارم ،زشت باشد،وبخواهم با اعمال ورفتاری که تو ازآن آگاهی،توجه مردم را به خود جلب نمایم،وچهره ظاهر را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم رازشت کرده به سوی تو آیم،تابه بندگانت نزدیک،واز خشنودی تودور گردم."

هر چند که تا کنون سعی کرده ایم دربرابر بسیاری از تهمتها وادعاهای مدعیان نسبت به هفته نامه مستقل ومردمی رای ملت،فقط (سلاما) را بگوییم،اما ظاهرا این (سلام) ما که تحیت دین مبین اسلام است نزد بعضی ها نا مفهوم وناخوشایند است.البته سکوت رای ملت در مقابل این افراد ازباب عجز وناتوانی نبوده ونیست،زیرا ما تا حدودی سعی کردیم جنجالی ویا جنجال برانگیز نباشیم وصفحات زرین هفته نامه را به پاسخهای عریض وطویل مدعیان وسنگ اندازان به این نخل مثمر ومقاوم،اختصاص ندهیم.آری در اینجا ضرورتی پیش آمد تا سخنی با بعضی از به اصطلاح دوستان که فقط دود آتششان بچشمان دوستان مخلصشان رفته است، به اختصاروبرای اطلاع خوانندگان محترم این صحیفه بیاوریم:

هفته گذشته وپیرو چاپ سه سطر موضوع نقد بعضی از آقایان اعضای شورای شهراهوازومرتبطین با آنها، مبنی برعدم حضور در بین مردم ومراسم جشن دانشجویان و برنامه های فرهنگی دیگر،بنا به رسم همیشگی حضرات ،هفته نامه رای ملت آماج تهمتها وشایعات بعضی از حضرات گردید.ما هم همچون گذشته اعتنایی ننمودیم ،اما قضیه به جایی رسید که یکی از رهبران حزب....ومعاونت شهرداری اهواز خود باطرح این ادعا که چرا هفته نامه رای ملت وشخص عادل حیدری عملکرد ما را نقد میکنند؟ قضیه ابعاد دیگری به خود گرفت؟واینکه چرا در پی تضعیف ما وحرکت فرهنگی ما میشوند؟تا اینجای امر شاید حاج آقا صاحب حق باشند،اما این عتاب به اصطلاح دوستانه تبدیل به تهمت میشودکه آیا مبلغ ۱۳۰میلیون ریال که به آنها (هفته نامه رای ملت) دادیم آنها را نمک گیر نکرده است؟به عبارتی (ماغزرن الفلوس ویاکم)اینجاست که نباید ساکت ماند. چرا که آبروی هفته نامه شریف وآزاده ای که پنج سال بدور از معا ملات و بند وبست های آنچنانی وبرغم مشکلات عدیده به ادای رسالت انسانی خود ادامه می دهد،درمعرض خطر است. اگر این ادعا از زبان بعضی از(سوقیان) مطرح می شد مشکلی نبود اما مدعیان فرهیختگی وسیادت برمردم وآزادمنشی چرا؟!

نمی دانیم از کجا شروع کنیم...سخن زیاد است وحزن انگیز...ما بسیاری از قضایا را میدانیم اما دراینجا ذکر آنها را درست نمی بینیم.

فقط با توجه به اهمیت موضوع چند سوالی را به عنوان مقدمه ای برای هزاران سوال مردم فهیم وشریف اهواز از منتخبین آنها مطرح می کنیم:

۱- آیا حضرات فراموش کرده اند که خود ادعای (اصلاح طلبی) وپرچمداری دمکراسی در بین مردم انتخاب کننده خود،کردند؟مگرشعارشان (الرای والرای الآخر)نبود؟ پس چرا جواب منتقدین منصف را پاسخ غیر منصفانه می دهند؟ واز انتقاد ومنتقدین بدشان می آید؟

۲- آیا طرح قضایایی همچون عدم برگزاری جلسات شورای شهر به صورت علنی در تالار شهرویا عدم پاسخگویی شفاف وصریح به مردم ویا فاصله گرفتن از مردم وعدم تطبیق ولوجزئی از شعارهای قبل از انتخابات نقد منصفانه نیست؟وآیا کسی حق انتقاد از موکلان خود واستفسار در امور مختلف راندارد؟واگر کسی منتقد شود باید دشمن تلقی گردد؟

۳-آیا تاکنون شورای محترم شهر جلساتی با متخصصان عمران شهری وامور فرهنگی واجتماعی جهت پیشبرد سیاست اجرائی وفرهنگی شهرداری برگزار کرده اند،که اینچنین طلبکار منتقدین وسوال کنندگان در سال پاسخگویی بشوند؟

۴- در رابطه با شایعه اخیر در مورددادن پول به صوت الشعب این سوال مطرح می شود که اولا:این مبلغ در قبال چه چیزی داده شده است؟ثانیا: با شناختی که از دوستان داریم هرگزآنها برای کارهای فرهنگی سرمایه گذاری نمی کنند، مگر اینکه مصلحتی برای آنان وجودداشته باشد.ثالثا:اگر ادعای حاج آقا...بالفرض درست باشد اولااین کار غیر قانونی است واختلاس بشمار میرود.رابعا:شاید آقایان، صوت الشعب را با نشریه نورچشمی دیگری اشتباه گرفته اند.خدا داند....

۵- سخن ماقبل آخر، ضمن آرزوی هدایت از طرف خداوند متعال برای همه مابراه راست،وهمچنین انکار وتکذیب ادعای آقایان دراین رابطه از شخص حاج آقا...که ادعا نموده اند دراین خصوص دارای اسناد ومدارکی است .درخواست داریم هرگونه سند ومدرک خود را در این امر جهت کشف حقیقت وشبهه ایجاد شده، ازهرطریقی منتشر نماید وادعای خود ودوستان شایعه پراکن رابه اثبات برساند.

۶- درپایان این نکته را متذکر می شویم که ادعای آقایان وتهمت آنها کذب محض است واگر روزی البرادعی دبیر کل آژانس بین المللی انرژی هسته ای ثابت کند که جمهوری اسلامی ایران دارای سلاحهای اتمی است آن وقت ادعای آنها درمورد اخذ مبلغ ۱۳۰میلیون ریالی ازآنها صحت خواهد داشت.

توسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبونت

الانتفاضة

خالد كاظم المياحى

عندما تجاوزودخل حدودا ليست له،هوورجاله الالفين بسلاحهم الفتاک،متكبرين فرحين بالصمت الذى قدسببوه لحكام الدول،اوشكت ان انقلب الى بركان غاضب!

دخل ودنس بيتى عندما كان ابنائى متهجين وواقفين للصلاه فى يوم الجمعه،انى لااعترف بشخص يغتصب بيتى... ارضى...!و لا يحمل فى صدره احتراما للسلام... امرنى ربى ونفخت بكل قواى فى عروق ابنائى المصلين المرابطين فى ارضى وحملت اياديهم حجاره السجيل...وامطرت المتجاوزين بغضب لا وصف له...وسالت الدماء فى باحه بيتى وسقطوا ابنائى بين شهيد و جريح... وبدات مرحلهجديده،صلبهوغير قابله للتراجع ومصممه حتى النهايه، لاخرقطره دمان تدافع عنى وعن ابنائى وعن معتقداتهم ودينهم ووطنهم وحريتم. وهكذاخرج المتجاوزشارون ورجاله مهزومين...خاسئين...

انها الانتفاضه...انهاالثوره لابنائى الفلسطينيين وابنائى الاحرارعلى امتدادارض الاسلام...ارض الاحرار...انها البركان المتصاعد...من غزهوبلاطه...للقدس ورام الله...استمرارلثوره شعبيه،ثورهالجياع والمطاردين واالمعتقلين والشهداء...نعم،لدى القدس واهل القدس،هولاءالذين يدافعون عنها وعن باقى المدن والقرى ،بكل مايملكون، ضحوابالغالى والنفيس،ملايين الجمل والحكايات عن سنوات الاحتلال والارهاب والمجازرالتى تعرضواويتعرضون لها...من قبل المحتلين ودائماامريكاتغطى جرائمهم وتعطيهم الضوءالاخضرلهذه الجرائم وتدين اى عمليه تستهدف الاسرائيليين،بينماتغمض عينيها عن مجازر شارون بحق المدنيين الفلسطنيين.

دخلت انتفاضه الاقصى المباركه۲۰۰۴/۹/۲۸عامها الخامس فى ظروف اقليميه ودوليه جديده ومثيره وقابله للتساول ومنها احتلال العراق،لكن واذانظرنا للاحداث التى سبقت احتلال فلسطين وكيفيه تسلسلها،نجدها بانها مشابهه تماما من حيث القوى الداعمه للاحتلال والمحتل بريطانيا وفرانسه كانت قدخرجت من حرب دوليه طويله وعريضهوقدتخلصوا من قوه اسمها المانيا ونظرا لمصالحهما فى المنطقه،اتوابمعاهده (سايكس بيكو)وتقسيم المنطقه وصارت فلسطين لليهود!!!وفى ايامنا هذه ايضا على نفس الوتيره ونفس السيناريو،العراق ودول العالم فى سنه ۱۹۹۷۹۰وان اختلقت الصوره بين العراق والمانيا من حيث القوه ومن حيث مبدأالحرب!!

والآن فرنسه اعطت دورها لامريكا التى قامت بالاحتلال ومعها ثله اومجموعه تعرف باسم الحكومه الموقته...!احتلال العراق هو امتداد لاحتلال فلسطين،هذا اذاتركنا المصالح والانانيه والانحياز لهذه الجهه اوتلک،لانه وكماتعرف كل شعوب الارض ،لدى الصهانيه شعاركان ولايزال مرفوعا ويطالب بارض الميعادلشعب الله المختار(اليهود)!!وهومن النيل الى الفرات !؟واحداث العراق ومثلما شاهدنا من تدمير للبنيه التحتيه وتجويع الشعب بالحصارقبل الاحتلال واثناء الاحتلال والسيطره التامه على حقوق النفط وتوابعهاوسرقه وتدمير المتحاف العراقيه و(الآثارالتاريخيهسرقه التاريخ وشواهده)،وقصف الاماكن المقدسهو تدنيسهاو تفكيک الآله الحربيه والجيش وزرع الفتن التى كانث ولاتزال مستمره وايضامستمره بفشلها...واخيراغتيال ۲۲۱من علماء،العراق،وكل الحجج والاكاذيب والترهات التى وضعوها امام العالم لغزوالعراق،بدات تنكشف...

ياترى لصالح من كل هذه الجرائم والتعديات والتجاوزات؟ومن المستفيدالاول فى العالم وفى المنطقه؟!؟صحيح ان الحكومه فى العراق سقطت ولكن الشعب لم يسقط ويستمرفى الحياه،فى الدفاع عن الدين والوطن والحريه والكرامه...وماصرخهالطفل الحى الذى خرج من تحت الانقاض فى الفلوجه الاتحد صارخ لامريكا،وصوت يرفض الموت وينادى بالحياه والحريه للشعب العراقى. ولكن و للاسف الشديد ومن سوء حظ المحتلين،انهم يتناسون بانه مهما طال ظلمهم،ياتى يوم ويخرجون ويهربون خائبين مهزومين كماحدث فى الجزائروسوريهولبنان وفى العراق ايام ثوره العشرين ومقابر الانجليز فى العراق هى خير شاهدعلى ذلک...!يغتصبون الارض ويقتلون ويعتقلون،ويريدون السلام والامان وهذا مغايرلآداب الشرفاء،هولاءالذين يدافعون عن المقدسات الاسلاميه عن شرف الامه وسيادتها واعراضها...قبل ايام انتقد كولن باول الانتفاضهالمباركه الفلسطينيه وقال:ان الانتفاضه لم تحقق شيئاللفلسطينيين وهى السبب فى زيادهالعنف بين الفلسطينيين والاسرائليين،لذلک يجب ايقافها لانهاعقبه فى طريق السلام،اننانريد دولهفلسطينيه ودولهاسرائيليه جنباالى جنب...!!؟هل لاحظتم ان بوش كلما حاول التغطيهعلى جريمهيقترفها هو اوتقوم بها اسرائيل ،يلوح للعرب وللعالم بالدوله الفلسطينيه اوبخارطه الطريق،عندمااحتل العراق وكلما اجتاحت اسرائيل مناطق السلطه الفلسطينيه لتقتل وتدمر المنازل يتحدثون عن الدوله الفلسطينيه او عن خارطه الطريق التى قالهاشارون وبصراحه اخيرا انه غير ملتزم بها ومع ذلک نرى امريكا تغطى ما يقوله بكل وقاحه وتقول اسرائيل ملتزمه بتطبيق خارطه الطريق...!!ان اليهودليسوا شعب سلام ابدا والكل يعرف من اغتال رسول السلام(النبى عيسى عليه السلام)ومن بعده اولئک الذين زرعواورفعواغصن الزيتون...يجرفون المزارع ويدمرون الاشجارويقتلون البشروماهم الا اعداءللسلام.ان تصريحات (باول)ماهى الا محاوله لبث الياس فى نفوس اللفلسطينيين والمقاومين من ابناء الانتفاضه من اجل اقناعهم بالتنازل والصمت!لكنه لا يعلم بانها حققت الكثيروطفل صغيرمن فلسطين يعرف ان النصر يحتاج لتضحيات.

۱-تحويل الرغبه فى مواجهه المحتل الى حقيقه وحلم الانتصارالى الواقع.ان الانتفاضه تمثل اوجع الضربات التى تلقاهاالاحتلال خلال ثلاثين سنهالناضيه،من حيث انهانقلت ولثانى مره،المواجهه الشعبيهالى داخل فلسطين و استنزاف الوهم الصهيونى.انهاالاسلوب الذى اعجز اسرائيل عن الرد الحاسم وارهق اعصابها،واصاب مكانتهالدى الراى العالم فى الصميم.

۲-ان الانتفاضه هى ماكانت تحتاجه الساحه الفلسطينيه لتلتئم جراحاتها،انهااستردت الوحده الوطنيه ورسمت الطريق الصحيح للعمل الوطنى الفلسطينى.

۳- الانتفاضهاسقطت نظريه التعايش التى قام عليها كل البناء الاقتصادى الاسرائيلى لفلسطين خلال العقود الماضيه،والتى عمل على تاسيسها قوى عسكريهوسياسيه ومراكزبحثيهوعلميه فى الداخل والخارج،ونظام تربوى وسياسى وتكامل!

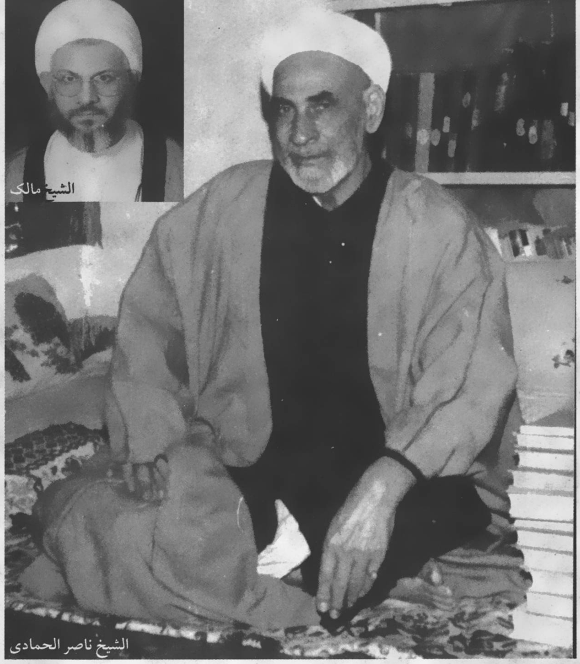
۴-هناک اجماع لدى المراقبين الاقتصاديين ان الانتفاضه حملت الاقتصاد الاسرائيلى خسائر جسيمه،وتقدر المصادر الفلسطينيه مجمل هذه الخسائر بمليارات الدولارات.وتعترف المصادر الاسرائيليه عن تعرض الاقتصاد الاسرائيلى الى تراجع شديدفى النمو،والى ركوداقتصادى وذلک فى القطاع الصناعى والقطاع الزراعى والقطاع الصادرات وان عددالسياح انخفض الى ادنى معدلاته.

۵-الهجرهالمعاكسه ليهود اسرائيل،اكثرمليون يهودى هاجروامن اسرائيل.ويضاف الى هذه الخسائر،خسائر الجيش والشرطه تكلفه مواجهه للانتفاضه بملايين الدولارات.هذه الجوانب حققته انتفاضه الاقصى المباركه والى جانب كل هذا تبقى العمليات البطوليه للثائرين الاطفال والشباب الذين يواجهون الآلهالعسكريهللمحتلين،فقط وفقط باياد تحمل سلاح الحجاره وقوافل الشهداء التى لم تنقطع،الشعب الذى قرران يسلک طريق الحريه قدجهزنفسه لتحمل كل المصائب والدمار والتضحيه حتى الحصول على الحريه والسلام .ومادام هناک الالوف مثل فارس عودهو محمدالدره وايمان حجوهولاءالشهداء الاطفال،فلابد ان يظهرالآلاف مثل الشيخ احمد ياسين وفتحى الشقاقى وابو على مصطفى وآيات الاخرس اولئک الشهداء الابطال.

لااجد هناابلغ واجمل من كلام رسول الله محمد(ص):(قتلانا فى الجنه وقتلاهم فى النار)

المرجع :مجله الوحده.ملف الانتفاضه ـ العدد۶۴/۶۳

لمحه عن حياه العلامة المحقق آيه الله الشيخ ناصر الحمادى(قدس سره)


الشيخ مالک
الشيخ ناصر الحمادى

ولدطاب ثراه فى عام ۱۳۲۶ هجرى قمرى من ابوين كريمين اصيلين فى الرفقه والشرف عريقين فى الفضل والادب وتربى فى احضان والده المقدس تربيه صالحه وبدااشتغاله فى درس المقدمات فى النجف الاشرف الى ان وصل مرحله السطوح من دراسات الحوزه العلميه على يدالعالم الفاضل الشيخ محمدجواد آل مشكور نجل آيه الله العظمى الشيخ مشكور الحولاوى من الاسره العلميه المعروفه فى النجف الشرف الاتى برز بين افرادهاعلماءوافاضل ومراجع كبار.و عند وفاه والده غادرالنجف الاشرف متوجهاالى بلده ومن ثم اكمل دروسه على ايدى فطاحل العلماء فى الاهواز،منهم آيه الله الشيخ جعفرالانصارى موسس الحوزه العلميه فى الاهواز،وآيه الله السيد محمود المرعشى و حضربحوث الخارج فقهاواصولاعلى يد المجتهد المحقق والاصولى المتعمق والمرجع الكبير آيه الله العظمى السيد على بهبانى (قدس سره الشريف)و استفاد من بحثه استفاده تامه بحيث بعد وفاته قام باداره البحث فى دارالعلم مع بعض اهل الفضل من زملائه .والده العلامه الحجه الشيخ محسن من العلماء العاملين المروجين للدين والمجاهدين الذى وقف مع العلماء فى الجهاد ضد الاحتلال البريطانى الغاشم وسار مع ثله من ابناء عشيرته الى ساحها لحرب لتثبيت اقدام المناضلين المسلمين وحثهم على مقاومها لجيش البريطانى الغازى. درس فى النجف الاشرف و حضر بحوث الاستاذ الكبير آيه الله العظمى الآخوند الخراسانى (قدس سره) وللشيخ محسن والده(ره) مولفات فى الفقه و مصنفات فى الاصول و لكن الظروف لم تساعد بطبعها و الايام قضت بانعدامها لانه انشغل فى الحرب العالميه و اودع كتبه و كتاباته التى اتعب نفسه فيها عند بعض اصدقائه فاتلفها ذلک الصديق عفى الله عنه. واما والدته هى بنت العالم الجليل الشيخ محمد السودانى و كانت هذه المراه المومنه الصالحه عابده مواظبه على القيام بجميع العبادات (ره). عاش العلامه الشيخ ناصر رحمه الله عيشه بسيطه عفيفا كريما شريفا متواضعا لم يضعف لمصائب دهره و كان فى الفتن الهوجاء جبلا اشم لا تزعزعه العواصف زكيه نفسه خالصا لله قصده لاتميل به الاهواءعن سمت الهدى ولايستذله اويزيغ به طمع و لاهوى.وهو صاحب بيت مفتوح سمح يطرقه الزائرون والاضياف فى كل وقت فيجدونماينعشهم من البشاشه والسخاء ورحابه الصدر.وكان له فى كل يوم مجلس من الصباح الى الزوال يجتمع فيه من شتى الطبقات وكان يشغله با لوعظ والارشادوتوضيح المسائل الشرعيه ولوجلست اليه مره واحده لعرفت مايمتاز به مجلسه من اخلاق باهره ورصانه طيبه وادب جم.وله ذوق شعرى لطيف ولكن انشغاله بالفقه والاصول غلباعلى جانب الادب.

واليک نماذج من شعره.

اذاعيدالغدير حباک بشرا ... فعظم للحقيقه منه قدرا
وجدد للسروربه احتفالا ... ليهنيک الغديراجل ذكرا
ووالى حيدرالكراراواعلم ... بان ولائه للدين احرى
واكد بيعه الايمان فيه ... لتحظى بالسعاده منهوفرا
خليفهاحمد خيرالبرايا ... واكرم سيدفى الناس طرا
به النص الصريح فلاتمارى ... اذارتاب المريب وقال هجرا
هوالسرالمهيمن فاتبعه ... تنال بحبه والله فخرا
له فصل الخطاب اذاتناهى ... اليه الامرفى الاحداث قدرا
ومرآت الوجود اذا تجلت ... ترآءى الحق بالمرآت بدرا
وباب العلم لم يعرف سواه ... كما قال الرسول وكان ادرى
وآخاه الامين وكان منه ... كهارون وما فى ذاک نكرى
على شانه معنى رفيعا ... له فى واضح التنزيل نشرا
به قام الرسول بيوم خم ... وبالغ فى الخطاب وكان امرا
فاظهره علانصا صريحا ... واعلن عن ابى السبطين جهرا
بان ولائه حقا يقينا ... بحكم الله فى دنياواخرى
واسمع من بذاک الحفل حتى ... تنادى الكل تبريكاوبشرى
وراح الحاج فى الاقطاريحدى ... بقول المصطفى لفاونشرا
واذعن كل من ناوى عليا ... بما قال الرسول وصاح شكرا
فضائل حيدرآيات رسل ... بهاالسرالعظيم غداه تقرا
فضائل حيدركالشمس تبدو ... وآيه نورها بالافق كبرى

وله ايضا:

اقول ولم اقطع وغيرى قائل ... وكل له راى وقولنامجمل
وبتناعلى هذاالصعيد ركبنا ... تسيرقليلاتاره وتهرول
ونحن طلاب للحقيقه ياترى ... نصيراليهاوالركائب تعقل
ام السيرلاينفک عناواننا ... بوعثائه نقضى الحيوه ونرحل

وله ايضا:

ذات قدس قدتجلت ... وسمت عن كل حل
خلق العقل ولكن ... دونه يقصرعقلى
فاناالقائل فيه.... ... واحدقدصح قولى
واحد فى كل معنى ... ليس من بعدوقبلى
ولذات الله شيئى ... ليس عن جنس وفصل
وحده لاتتناها ... كلها ليس بكل

وقدالف العلامه(رحمه الله)كتباعديده منها:

۱-كتاب حقايق التكوين ورياضه المحققين ... مطبوع
۲- كتاب صفايا العقول فى علم الاصول
۳-كتاب مرات الواقع
۴-كتاب اسرارالطف ورمزاالشهاده
۵-كتاب نسک الناسک فى خلاصه المناسک
۶-منظومهالبيت فى منطق والتهذيب
۷-عقدالجمان فى علمى المعانى والبيان ... غير مطبوع
۸-مقتل ابى عبدالله الحسين
۹-مسيرالسبايا
۱۰وفاه الرسول الاكرم

انتقل الى جواربه الكريم ووفد ضيفا على مولاه الجليل مساءيوم الاربعا اول ذيعقده الحرام عام ۱۴۰۲ ه ق فى مدينه الاهوازوشيع جثمانه الطاهر جمع كثيرمن الناس بقلوب منكسره ودموع جاريه ولطم على الصدور تشيعا مهيباودفن فى مثواه الاخير بوصيه منه فى مفبره الجهادالتى تقع فى غربى مدينه الاهوازثم حل مكانه ولده البار حجه الاسلام والمسلمين الشيخ مالک حفظه الله تعالى وهو اليوم بمنزله والده فى المكانه العلميه و الاجتماعيه.

متى تسقط تماثيلنا المقدسة

رحيم حمداوى ابو نواف مدينة هنديجان



۱- يمكننا الاتيان بالمشهد التالى عند النظر الى شعبنا بمختلف شرائحه وطبقاته،وجوه يائسه من الحياه،رجال متشائمين باعتبارهم وهم التعساء فى العالم واشخاص يلهثون وراء المال والاجانب باعتقادهم الطريق الانجح لايصالهم الى اهدافهم. هناک من يرمى تراثه ولغته فى قبور آبائه باعتباره يتخلص بعمله هذامن العامل المسبب له الذله والاهانه وافراد يلقون الشک والريبه فى القلوب عند النظره الاولى بانه هل لهم جهاز يتحكم باعمالهم؟.. والاميون وما اكثرهم الذين لم يحققوا اهدافم او يحقق اهدافه من خلالهم.ثمه اشخاص يقال بانهم قد حصلوا على شهادات جامعيه ولم يطراعلى حياتهم اى تغيير والعالم هو هو...حتى لورميتهم فى الكواكب لابد ان يسير طبقا لوجهه نظر شيوخ القبائل ومساعديهم و من يسلحونهم بالخرافات التاريخيه. وفى جزء من تلک الدائره الكبيره بوسع الاهواز الغالى هناک مثقفين وهم شرذمه قليلون، تتوسع دائرتهم كلما كثرت خلافاتهم وما شاء لک خيالک ان تتصور الكم الهائل من الخلافات بينهم والمشاكل المحيطه بهم منهم من سيطرت خيبه الامل عليه وتعب لسانه وعجز جسمه وهو لم يحقق شيئا مقارنه باعمال الاخر الذى فعل ما اراد بشعبه ومنهم من يحاول ان يكون مثالا يحتذى به كم جاء فى هذه الآيه ،(رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه). ثم لا يفوتنا هنا التذكير بان نقد الشعب ليس الغاء له بقدر ما هو نقد للسلبيات التى تحتل الحيز الاكبر فيه ونقد للجهل والاميه المحيطه به.

۲-من الموسف جدا القول بان هناک فراغ كبير مهما كان السبب فى الدراسات بمجالاتها العديده تضع الشعب العربى الاهوازى تحت اقلام البحث والدراسه اساسها العلم والحديث بشعبه المتعدده قوامه نظريات العلماء فى مجالات عده سيما الاجتماعيه والمحاولات القليله التى ترمى الى ملا الفراغ فى هذا المجال تبدو ضئيله مقارنه بالحاجه الماسه الى التعرف على سيكولوجيه هذا الشعب .انطلاق البحث والدراسه من هذه الزاويه تستدعى ضروريات يمكن من خلالها الوقوف على مظاهر عديده من ازماتنا والكشف عن مواطن الخلل التى صاحبت مسيرتنا التاريخيه ولا تزال. وكذلک تمنح المثقف الامعان فى النظر والكلام الصائب ومن ثم الاتيان بحلول لازاحه العيوب ومادمنا فى هذا المجال. علينا ذكر جانب آخر هام وهو شبه غياب للموسسات والاحزاب وغياب قناه تلفزيونيه التى اصبحت المطالبه بها عديمه الجدوى لتقدم صوره اخرى وجديده عما يدور حوله وتجعله يستخدم عقله اعماله وتفتح امامه نافذه تطله على آفاق واسعه من التطور ومعرفه نفسه وتاخذ بيده نحو الرقى والسعاده وتبشره بالخير وتلزمه بالسعى نحو صنع مستقبل زاهرومتطور وتعلمه كيفيه الاصطدام والاحتكاک بمحيطه الثقافى والاجتماعى وبالتالى التشريع على اساس علمى للمستقبل

۳- ثمه اتجاهات فى اوساط المثقفين الاهوازيين تميل الى اسقاط التماثيل المقدسه المرسخه فى عقل العربى الاهوازى . هذه التماثيل المصنوعه عبر سنين تدعمها دراسات علميه معمقه مزوده باسلحه الخرافات بدءا من شيخ القبيله وقوانينه التى تمنع تكوين مجتمع مدنى قوامه قوانين تجعل جميع الافراد مواطنين مرورا بالسحر والعوذه التى مادام فاعليها يتمسكون بماوراء الطبيعه تبقى قائمه، انتهاءا باشخاص يلجا عندهم فور حدوث مشكله مالان باستطاعتهم عمل المستحيل. تماثيل كبيره وعظيمه حقا لم نتجرا من الاقتراب منها خلقت فى زمن مالاغراض ما وبقيت حتى تشكل بهيكلها الكبير الثقافه العربيه الاهوازيه. ثقافه زائفه ارتدت لباس الخرافات بطابعها الماوراء الطبيعى ودعت بالفهم الصائب والصحيح لتمنع انتشار العلم فى ارجاء الوطن وتخفى جوهرهاالمستكين المتشكل منذ عقود من الزمن من عناصر هجينه تسف كل ما هو متنور حقا بمساعده الآخر حتى تبقى هى الاعلى. اشخاص جعلوا شعبا باسره ناقه تحلب فاحسنوا العمل لان مهمه الرجل الامى المهيمن تتخلص فيما يلى:

ان لا يجعل العلم هو السائد.

۴-مقتل مثل هذه الثقافه السائده الذى حتى الآن لا يعترف عرابوها وسندتها ومروجوا اوهامها هو نفيها الانسان حتى كقيمه دنيا وان له حقوق انسانيه مدنيه وثقافيه وهى تفعل ذلک باطمئنان يبدو مستحيل ومازلنا نسكت كما فعلوا من قبلنا على الاضطهاد ونقبل بمصادره جميع حقوقنا حتى صوت لا يعلو فوق صوت المهيمن ونجرد حتى من جلودنا وتكمم افواهنا والحق يقال ان المثقف ان وجد لم يكن قادرا على فعل شى لكن... من يغذى هذه التماثيل وتلک الاوهام الكامنه وراء تلک الثقافه برموزها المعروفه ولماذا لم تهزم فكريا بعد وما زالت قادره على الانتاج واعاده انتاج اوهامها؟ ولماذا سمح لاشخاص يعلون بعناوين كبيره اكبر من حجمهم ان يركبونا ويتحدثون نيابه عنا ليحتلوا مكانه الشيوخ القدامى ويصبحوا شيوخا جددا وانا فى شک بالنسبه لاخلاصهم حتى مع انفسهم ولماذا لم ترتفع سوى اصوات قليله نيره حقا ومتحرره من اوهامها تقدم مصلحه الوطن على الاوهام وتمجد الاهوازى بدل الحاق الذله للمره الالف به اصوات تصبح وسط الضباب المتشكل من كل شى لم يعرف مادته الرئيسيه ،اسئله تطلب الاجابه بالحاح علها تنير الطريق. واخيرا وليس آخرا يبقى المخلصون من ابناء شعبنا كافراد وبشر كانهم عضو غريب غير مفهوم فى جسد الثقافه السائده فى مجتمعنا وكان الوهم اقوى من الواقع الحى ليكونوا الشيوخ القدامى والجدد والاشخاص الذين يعلون فوقنا بحراسهم الحديديين الذين لم يقال لهم يوما لا... حتى كبروا و يكبرون ولم يعد سوى خيار واحد: ان تنفجر تلک الاوهام لتحرق تلک الرووس الخاويه.

نهوض من جديد

عباس ساكى

انا الذى نظر الاعمى الى ادبى
و اسمعت كلماتى من به صمم

قالها شيخ الشعراء و نبى الشعر ابو الطيب المتنبى طاب ثراه و هو موقن بان كلماته بموقع نافذ من مسامع القلوب و مدركات الشعور لما تحظى هذه الكلمات بالسذاجه و المرونه من جهه و بالعمق و الارساء من جهه اخرى و ما كان المتنبى من العرب على مر الايام الا كقطره تقطرت من بحر لجى مهيب و حصا دقت فى الصغر امام رحبه الجبال الراسيات .

العرب جميعهم يملكون تلک الروح الشاعره المعبره عن الواقع بابسط الطرق و ايسرها فى التعبير و لا عجب ان نسمع قائلا يقول ((نحن امه شاعره)) و نحن على علم من ان القائل هذا ادرک (كما ادرک الغريب و القريب) حقيقه وجود الشعور المرهف و الاحاسيس الرقيقه و القوه البيانيه الضخمه المتوفره لدى الجميع من عاش و تنفس بعبق الارومه العربيه و سار و مضى عربيا يتحلى بمقتضيات العروبه النبيله و آدابها و تعاليمها الحكيمه .

فما كان من المتنبى و غيره من فحول الشعر و اساطين الادب قديما و حديثا على منصه الادب الا كومضه نور و بصيص نار ، اظهرتها يد الاقدار ثم اختفت و خبت لتترک مجالها لنجوم اسطع و كواكب المع .

و مما لا شک فيه ان الفضل كل الفضل عائد الى عبقريه العربيه ذاتها لا الى الشخصيات البالغه بالصيت ابعد منزله فحسب ، وهى فى نفس الوقت ربائب احضان اللغه العربيه المعطاء التى اث-رت تمام المجالات و الاصعده بالتنوع اللفظى و اللغوى ما ليس لغيرها من اللغات الاخرى فى الماضى و الحاظر ، هذه اللغه و بعد كل ما مر و ما مضى من تسجيل اكبر رقم قياسى فى الابداع و مواكبه الركب العلمى ما من شانه يكون مولدا للمفاهيم الغير المسبقه بالعهد و الذكر ، والتراكيب الجديده و الامور الحديثه ما زالت تنمو و تورق و تثمر و تغدق بالعطاء الجميل و كل ذلک لم يعن لها التضائل و التخافت كما جربت ذلک غيرها من الحضارات ، بل على العكس من ذلک كله ، حقيقه ناصعه انصع من الثلوج بانها لغه حيه تهدف الآتى قبل الحاظر و متحديه اقرانها فى الابداع و التكيف اليومى و البيئى بهذه الارجوزه الخالده ؛

قل فاتوا بسوره من مثله و ادعو شهدائكم

فاى لغه هناک تجد السعه و العمق و القدره الكافيه التى تجعلها تسير قدما و لا تتعرقل ابان مسيرتها ، ثم تحضى بهذا العدد الهائل من اساليب التعبير المتنوعه و الموزعه على شتى مناحى الحياه غير هذه اللغه ، و اى لغه تكون هى البديل و المقترح الاخير لتحل مكانتها الشامخه و تنافسها لمن-زلتها المرموقه .

نعم !اللغه العربيه التى خرجت من موطن القوه و ظهرت على ساحه الفعل و خدمت المسيره العلميه باكثر من موطن و موقف ، نراها اليوم بين اظهرحاقده او حاسده لا تطيق شموخها و ثقلها و لا ترتاح لعطائها المغدق و لمواقفها المشرفه المخلصه ، ها هى اليوم تنال الركل و الاحتقار و الازدراء و الاستفزاز من طبقات مختلفه منها الغرباء و هذا ما يروق لكل غريب .

و منها الاصدقاء و هذا هو الجرح الذى لا يزال يندمل و الالم الذى يقرح فى الفواد ، فالبعض منهم من عزفت بعقلهم السمفونيه الغربيه و ملات رءاهم القصيره و اشبعت غرائزهم و ابعادهم المحدده كما هجاهم شيخ المعره بقوله ؛

والنجم تستصغر الابصار رويته ... و الذنب للطرف لا للنجم فى النظر

فطفقوا يجرئون على سيده اللغات بالتقول السافر المعرى عن الضمير الشريف ،

بان العربيه لا تستطيع المواكبه و المسايره مع العلوم التى كت-بت و لا تزال

تكتب باللغه الانكليزه .

و طبقه تاجرت بها و راموا من خلالها اما ان يتسنموا المناصب و الكراسى و اما الصيت و السمعه .

و اخرى لا يهمها اوقع الامر للعربيه او عليها و ينحازون عن الساحه من منطلق اللا مبالاه فصاروا مثلهم كمثل الشيطان الاخرس .

تعالوا اخوتى و اخواتى لنعيد و لنستعيد المجد و الشموخ ثانيه ، الذى طالما اكس-ب-نا عزه و رفعه بين ظهرانى الشعوب التى لن تسمح لغيرها ان يطمح الى ما تطمح ، و نبادر هذا الاهمال السافر للغه و الطعن المتواصل و الحز المستمر فى رقبه و نحر لغتنا المجيده ، بالكتابه و المطالعه و نظم الشعر و تشجيع الشاعر و لنترک الحزازات القبليه الجوفاء و لننحى ساعه الغضاضه و الحقد و الع-قد النفسيه تجاه الآخرين حتى تتاتى ساحه العمل الثقافى اكثر من ذى قبل و لان تسع الجولان و المناوره لابناء لغه الضاد المجيده و بنى ارومتنا الاكفاء .

تعالوا جميعا نشد على اكف شباب اخلصوا النيات و العمل فحققوا حلما حالما ياطالما طرق اذهان رواد الادب العربى فى الاهواز الآ و هو انشاء لجنه او منتدى يقوم بمهام الادب نفسه ، تشجيعا و تعزيزا للغه العربيه الحبيبه على طراز احدث الاعمال الثقافيه فى الوطن العربى و اسموه ب-(منتدى الضاد للادب العربى)ليكون منبرا مخصصا بالشعر و الادب يعتليه الشعراء و الاساتذه و الادباء كل يدلو بدلوه لتركيز مفردات القوميه الهادفه على ضوء تعاليم الشريعه الغراء و لنا الامل الوطيد بلم الشعث و شحذ الهمم و توطين الثقه القوميه الاسلاميه فى الصدور.

الصحة والتداوى بالاعشاب

السيد محمد الموسوى

قبل كل شىء اسجل عظيم شكرى وتقديرى لكل العاملين فى صحيفه صوت الشعب حيث اتاحولى فرصهاللقاءمع اخوتى القرا كى اذكرهم عن نخبه من علماء النباتات الذين بذلوا جهدا مضنيا لمعرفه فائده كل شجره على وجه الارض وتسميتها فى هذه الدوله وما يسمونها فى مكان آخرقاصدين بذلک المنفعه العامه فجزاهم عنا وعن الجميع افضل الجزاء.

وماناكله يوميا هومن النبات واكثرنا لايعرف قيمهبعض النباتات الغذائيه ونجهل الكثيرمنها كمثل الزنجبيل بما نسميه (هرش حار)ان تضع منه،غراما واحداعلى مرق اللحم يكون دواءالوجع المفاصل وان وضعت هذا المقدارعلى صفارالبيض ويوكل قبل النضوج الكامل يقوى الجنس ومئتى غراما الى اربعمائه على الكيلو من الماءوقليل من الملح وحامض اليمون يكون نافعاويشرب منه فى الصباح والمساء ،يقتل سموم المعده ويخرج الرطوبه والبلغم اللاصق فى جدارها وفى الامعاء الغليضه ويعالج اليرقان ويقوى الكبد وله فوائد كثيره لامجال لذكرهاوماذكرناه ذكره ابن سينا والانطاكى والرازى فى كتاب لسان النباتات (زبان خواركيها) وغير ذلک من كتب طب الاعشاب ونكتفى بهذالمختصروالى شرح ثانى فى الطبعهالثانيه من صحيفه صوت الشعب ان شاءالله

الو صوت الشعب ۳۷۸۶۸۰۰

ابوفواد از سوسنگرد

درخیابان شریعتی در مرکز شهر مدتی است که حفاری صورت گرفته ولی متاسفانه با وجود اتمام کار،هیچگونه اقدامی از سوی اداره آبفای سوسنگردویا شهرداری در خصوص آسفالت وبهسازی دوباره خیابان صورت نگرفته،شاید دوستان منتظر آمدن باران هستند.

۴۶ مورد تماس تلفنی از مناطق مختلف شهر اهواز

از هفته نامه مردمی ودردشناس رای ملت بخاطر چاپ مطلب همراه با عکس شماره گذشته در مورد مشکل فاضلاب مناطق فرهنگ شهر وسیاحی وکمپلو وسراه خرمشهر وعلوی کمال تشکر وقدردانی را داریم.

باقر مزرعه / ابوحميظه

ما املن ثجيل الحمل ونحط
چی رايی ابصبر محفوف ونحط
مانی بشت حته انطبگ ونحط
حدر باط الزلم يدون بيه

الجواب

چم گلی ثجيلت حمل تنحط
خوتهم صداگه اوبعد تنحط
تجل نص الرجال اشباه تنحط
حدر باط النسه بل موزميه

جمع من شباب حی (فرهنگ شهر)

نشكر الاخ الاستاذ الحاج كريم الحردانی ابوكاظم علی اقامته الحفل السنوی الكبير بمناسبه مولد الامام الحجه المنتظر(عج) ونتمنی له الصحه والسلامه والموفقيه.

ابو حيدر الانصاری

ابيات فی رثاء الشاعر الفقيد جمال الدين المحسنی

عطشنه الشوفتک يرويهه يا راح
لهيب وينطفی اب ياماي يا راح
موته ونحتيی اب يا نفس يا راح
اذا روحک جفتنه بالمنيه

يحگ لو نجمع الآهات من من
عگب هجرک نشم الطيب من من
يعباس الوفی يا زين من من
علينه اب رجعتک يا عود ابيه

ابو خليل الشحيتاوی

اهلی البل شرف زاهی وردهم
اضلن دوم اودنهم وردهم
ضجيج الماو ماكعهم وردهم
من العَدوان يوم الموزميه

حلوه يا هوست شعبنا اوبل فخر دايم علت
صعدت القمه ابمجد ها اوعل هظم ما وقعت
ثارت ابكل المعالم او بل موازم هوست
(لهواز اتضل رفعت راسی)

قاسم ابوخالد النيسی

ابدماعفنه سيرتنه واصلنه
اولحد ود المجد دايم واصلنه
الفخر بينه افتخر ياخی واصلنه
عرب شجعان منهاب المنيه

محمود سالمی- كوی علوی

خواستم از حضرات اعضای شورای شهر اهواز سوال کنم که چراتا به حال هیچکدام از جلسات شورا ی شهر را بصورت علنی برگزار نکردند؟در صورتی که شورای شهر دوره اول اکثر جلسات خود را در تالار شهر برگزارنمودند.ماهم میخواهیم بدانیم که در جلسات شورای منتخب مردم چه میگذرد؟

رای ملت:

دوست عزیز- در طول این مدت وقبل از شما صدها نفر در این رابطه تلفنی سوال کردند ولی ماموضوع را در هفته نامه مطرح نکردیم وبه صورت حضوری به تعدادی از اعضاء گفتیم اما جوابی حاصل نشد.

البته ما بعضی از قضایا را میدانیم اگر جواب سوالتان را ندادند. ما هفته آینده در این ستون پاسخ سوال شما ودیگر شهروندان عزیز اهوازی را بصورت مفصل خواهیم داد.

صوت الشعب تطبع صور اطفالكم



من تاريخ بنی كعب وشيبان

حميد الطرفی



بعد وفاه علی بن يحيی حل مكانه ابنه محمد بن علی وكان هذا الاميررجلا صوولا علی الاعداء من اشجع امراء كعب واكثر هم صوله وشموخا ارهب الاعداء وطارد العرب وحاربهم فی ارضهم واستولی علی ابلهم ومواشيهم وقتل الكثير من فرسانهم حتی كثرت منه شكاوی الناس عند الشريف فكتب له الشريف الكتاب التالی:الی محمدواصحابه و روساءعشائره.... انهاكم عن غزواتكم.ارجعوا عن ماانتم عليه ورزقكم عندبارئكم.لا تجعلوا رزقكم علی اموال الناس فان الله عزوجل يعاقبكم فی الدنيا قبل الاخره لان الدنيامزرعه الآخره ولا تعادون الله ورسوله (ص)وان رزقكم مكفول عند الاحد الصمد و ما خلق اشداق اولها ارزاق ولا تجعلوا رزقكم حراما وان من ترك لقمهمن حرام رزقه الله اياها حلالا فاتبعو المعروف وانتهواعن المنكر انه تعالی امربالمعروف ونهی عن المنكروالدنيا فی حلالها حساب وفی الحرام عقاب فاتقواالله حق تقاته ولا تموتن الاوانتم مسلمون وانی انصحكم نصيحه والد لولده فان انزجرتم والاازجركم بسيفی هذاالذی انامتقلده و السلام.شريف مكه.

فلماوصلت رساله شريف مكه،امرالاميرمحمدبن علی بن يحيی السبيعی الكعبی بالشورمع محمدبن سالم الشيبانی وبقيهاصحابه بالردعلی رسالهالشريف.فمن عادات امراء كعب لاينفردوا بالرای الابعد الشور فكتب محمدالی الشريف مايلی:من محمدبن علی بن يحيی الكعبی الی السيدشريف مكه.ان كتابک وصلنی وعرفت معناه.اماماذكرت فی طاعه السميع البصيرفاناغير عاصيه لكن الله سبحانه وتعالی يقول:(فمن اعتدی عليكم فاعتدواعليه بمثل مااعتدی عليكم).فان كفواالعرب نكف والاان سيوفنامشهوره علی من يعادينا ولو نفنی علی بكره ابينا فهاهی رماحنا مشرعه ونصال نبالنا مسمومه وسيوفنا مشهوره واتفاقنا مذخره ونصبناالجميع لمن نصب لنا عداوه وكمن لنابغضا ونسئل الله يكفينا شراعدائنا والسلام. محمدبن علی السبيعی الكبی.بعد ذلک ختمه بخاتمه و لفه فی خرقه حرير و بعثهبيد رجل من بنی شيبان يقال له صالح بن فايز العمرانی.و كان صالح هذا رجل ذو قوه و مقدره وجريا منطقيا.فركب جواده و تقلد بسيفه وودع محمد واصحابه و خرج من (الساعديه) و قصد مكه المكرمه و دخل علی الشريف واعطاه الرساله فقراالرساله و سئل البريد ما اسمک؟ فقال اسمی صالح بن فايزالشيبانی (مجدم).فقال له:يا صالح ما بالكم تتمادون با لباطل وعمل المنكرو الاعتداء علی اخوانكم العرب الا تتركواعينكم وتمنعون اشراركم عن التعديات علی بطون العرب الم انهكم عما انتم عليه اخاف عليكم ان يتفق العرب ويصولون عليكم صوله الاسد فلايبقون منكم احداوينهبون اموالكم ويسبون نسائكم وياسرون ذراريكم. فعند ذلک انی اسف عليكم ما دمت انافی قيدالحياه وسكت طويلا وبعد ذلک رفع الشريف راسه وقال: ماتقول ياصالح فی هذا؟فاجابه صالح قائلا: ياسيدالعرب وياسيدالشرفاء اما ماذكرت عن تمادينافان تمادينا علی من عادانا وثم تقول الاتتركواغيكم فان غينا قواضب سيوفنا علی من نصب لناحربا وايضاتقول الم انهكم انما انتم فان علينا طاعتک والحرب علی من اتانا بمكروه.ثم تقول اخاف ان يتفق العرب ويصولون علينا صوله الاسد ويقتلون رجالنا وينهبون اموالنا و يسبون نسائنا وياسرون ذرارينا.فما قلت عن هذافان لنا ربا يكفينا ما انت قلته. واماوان كان ذلک بحوله تعالی تراناشد من زبر الحديدواثقل من الجبال الرواسی دون اهالينا وذرارينا وان الله سبحان وتعالی لابدان ينصر المحق ويخذل المبطل و ان فينا محمدبن علی بن يحيی ومحمد بن سالم الشيبانی ويحيی بن عامرواسدبن محمد وحايدبن خليل وزهيربن حبيب وخالدبن وهب جاثمين للعدو كجثوم الاسدعندفريسته وحوله الاشبال الطاغيه والشجعان الذين لايهابون الموت وعيدهم يوم كونهم لوطلع عليهم العدو لولی منهم فرارا ولملا منهم رعبا وان الله معهم. اخبرک ان شمرا اهل حايل وترونا ولابد ان نصدمهم صدمه تتعجب منها العربان ويبقی ذكرها جبن فی الزمان ولا تقول انی ذرب اللسان وانی اقول صدقاوبيان بالتقاء حلقتی البطان بضرب السيوف ورمی السنان والله المستعان.

اخاف ان يتفق العرب ويصولون علينا صوله الاسد ويقتلون رجالنا وينهبون اموالنا و يسبون نسائنا ويا سرون ذرارينا.فما قلت عن هذافان لنا ربا يكفينا ما انت قلته واماوان كان ذلک بحوله تعالی تراناشد من زبر الحديدواثقل من الجبال الرواسی دون اهالينا وذرارينا و ان الله سبحان وتعالی لابد ان ينصر المحق ويخذل المبطل

المآخذ:
۱-الشيخ علوان الكعبی الشويكی، تاريخ كعب،القبان والفلاحيه بالعربيه
۲-تاريخ بنی كعب والحويزه والشيخ خزعل باللغه الفارسيه حميدالطرفی

الفكاهة واغراضها

القسم الثانی

غلامرضا علی پور

وقال يحيی بن زياد:

لا خير فی الهزل فاتركه لطالبه
واهرب بعرضک منه اوشک الهرب
لا يلبث الهزل ان يجنی لصاحبه
ذماويذهب عنه بهجه الادب

وقال ابو تمام ،فی عمرو بن طوق التغلبی:

الجد شيمته وفيه فكاهه
طولا ولا يجد لمن تلعب

وقال ابوالعلاء المعری:

ضحكناوكان الضحک منا سفاهه
وحق لسكان البسيطه ان يبكوا
يحطنا ريب الزمان كاننا
زجاج،ولكن لا يعادله سبک

وقال ابوالطيب المتنبی اشعارا كثيره عن الضحک نذكر منها:

كم ذا بمصر من المضحكات
ولكنه ضحک كالبكا

وقال ايضا:

اغايه الدين ان تحفوا شواربكم
يا امه ضحكت من جهلها الامم

وقال ابوالفتح البستی:

اقد طبعک المكدود بالهم راحه
قليلا وعلله بشی من المزح
ولكن اذا اعطيته المزح فليكن
بمقدار ما تعطی الطعام من الملح

وفی كتاب الفكاههالهادفه فی الاسلام اشعار كثيره للشعراء العرب والمسلمين لكن معظم هذه الاشعار تحذر من الضحک والمزاح ومن عواقبها وآثارهما السيئه. واتجه سواءكتاب آخرون الی الصفه المقابله فبالغوا فی الضحک والهزل ووجدوا هكذا يكون خير الامور الوسط وتكون الحياه فی احسن حالاتها جامعه بين الجد والمزاح وبين التامل الصامت والضحک . لكن الرياح تسر فی كل هذه الاحوال كما تشتهی السفن فاحيانا ماتم الانغماس فی الضحک واللهو بل الی حد المجون واحيانا ما هيمن التجهم والعبوس والقنوط ومن ثم كانت مناداه كثيره من الشعراء والنقاد والادباء بضروره العوده الی حد الاعتدال وقد لخص الغزالی فی «احياء علوم الدين وجهه نظر الاسلام فی هذا الشان حين قال: واما المزاح فمطايبه وفيه انبساط وطيب قلب فلم ينه عنه فاعلم ان المنهی عنه الافراط والمداومه اما المداومه فلانه اشتغال باللعب والهزل فيه واللعب مباح ولكن المداومه عليه مذمومه واما الافراط فيه فانه يورث كثره الضحک تميت القلب وتورث الضغينه فی بعض الاحوال وتسقط المهانه والوقار ويقول كذلک :ان قدرت علی ما قدر عليه رسول الله واصحابه وهو ان تمزح ولا تقول الاحقا ولا توذی قلبا ولا تفرط فيه فلا حرج عليک فيه. علی كل حال هذه وجهه نظر الاسلام فهو لا يحرم الضحک بل يحذر من الافراط فيه ولا يمنع المزاح والمدا عبه بل يحذر من ان يجعل المرء منهما اسلوبا ونغمه سائره فی حياته . اضافه الی ما ذكر وردت اشارات كثيره الی المزاح والضحک لدی الشعراء والعرب. نذكر قليلا منهم فيما يلی:

قال الشيخ عبدالله النيسابوری:

ان المزاح بدوه حلاوه لكنما
آخره عداوه
تذهب هيبه الفتی المهيب
لكثره المزح من القلوب

فی الهجاء متنافسا لهم وطريق حتی بلغ هذا الاتجاه قمته فی النقائض التی جرت بين جرير والفرزدق والاخطل خلال العصر الاموی وهی زاخره بالهجاء المضحک الساخر المقذع والمنتهک للاعراض احيانا وتجد امثله كثيره علی ذلک ايضا لدی الحطيئه وابن الرومی وای نواس وغيرهم.

هذه كانت وجههنظره الاسلام والادباء والشعراء حول الفكاهه وكل ما لوحظ بان الفكاهه تستعمل كدواء لمعالجه بعض الامراض النفسيه والجسميه ولها اهداف ووظائف اخری كتحقيق التواصل والاتصال والتفاعل الاجتماعی بين الافراد والجماعات وتعكس الفكاهه الفروق فی المكانه بين الافراد اوالجماعات وقد تستخدم الفكاهه فی نقل المعلومات التی تشتمل علی اتجاهات وبيانات معينه يراد من الناس معرفتها او الحذر منها وقد تستخدم الفكاهه لتعزيز التماسک الاجتماعی بين الافراد وقد تعمل الفكاهه علی حدوث حاله من التطهير الجماعی للانفعالات السلبيه. كما قيل ان الفكاهه تنشط العقل والخيال والابداع وتتطلب الاستبصار والحس الاجتماعی وتنمی شعورا خاصا بالقيم الخاصه بالجمهور ومن ثم ينبغی ان تقوم الدعابه والضحک علی اساس فهم اجتماعی خاص لمطالب الآخرين ومشاعرهم. هذه اهم وظائف الفكاهه ولكن كيف تری الفكاهه فی مجتمعنا خاصه فی محافظه خوزستان؟!

قد لوحظ فی السنوات الاخيره جوقه او فئه من بعض المهرجين او الفكاهيين قاموا بهذا العمل من اجل اضحاک الناس فی المناسبات المختلفه خاصه فی الاعراس واخذ الاطفال والشباب يرددون بكلماتهم فی المدارس والشوارع ويستخدمون حركاتهم القبيحه ودخلت اغراضهم فی الاسواق والبيوت ولكن بعدت كل البعد عن كل الاهداف التی ذكرت آنفا ونری هولاء يستعملون بعض الكلمات التافههالتی بعيده عن الاخلاق والآداب الاسلاميه والعربيه. عندئذ لا تحمل هذه الكلمات والحركات الا تضليل المجتمع الذی حاول العلماء والادباء فی الفتره الاخيره من اجل احياء الاصاله الاسلاميه والقوميه وتطهير المجتمع من كل رذيله ودنس. التی تركها لنا سلفنا الصالح ولكی لا تقع فی يد خلف طالح والشی الذی اكثر اعجابا هناک بعض روساء القبائل و.... يجلس فی هذه المحافل وبعض آخر يبذل امواله من اجل هذه الكلمات التافهه والحركات السخيفه. اخی هل سالت نفسک يوما لای ثقافه وادب تبذل اموالک؟ اذا اردت ان تنفق وتبذل الاموال هناک معاهدومراكز التعليم وجرائد وصحف تخدم المجتمع وتنير الافكار كصحيفتنا صوت الشعب التی نشات من اجل التراث الاسلامی العربی وهی تريد بناء مجتمع سالم بالثقافه والآداب الاسلاميه والعربيه.اخی نحن مسئولون عن تربيه اجيالنا القادمه. كما قال استاذی سماحه الدكتور عباس العباسی الطائی هذه صرخه انذار موجهه للشباب ومن هو مسئول عنهم وايضا صرخه موجهه من اعماق القلوب الملتهبه للآباء والامهات الذين يهمهم مستقبل ابنائهم ان يمنعوا ابنائهم واطفالهم عن استماع لمثل هذه الاقراص التی لا تخدم بل يجلب له الضياع والسقوط فی الهاويه. ونقول لهولاء المهرجين ان يكفوا السنتهم عن الطعن بمشاعر وعواطف واحاسيس الناس .وكل شخص وفرد اذا اراد ان يدخل فی فن الفكاهه يجب عليه ان يدرس هذا الفن دراسه وافيه عميقه لكی لا يقع المجتمع فی مستنقع الهلاک . اخيرا ارجوا المعذره لمن يقرا هذا المقال ربما كان لاذعا. ستكون لنا وقفه اخری عن الفكاهه فی مقال آخر ان شاء الله.

شعرائنا

مقابلة مع الشاعر كريم الباوی

قرائنا الاعزاء نتعذر عن هذا الانقطاع وها نحن نواصل معكم رحلتنا هذه مع الشعر والشعراء من خلال مقابلتهم فی هذا العمود.وشاعرنا لهذا الاسبوع هوالاخ كريم عبدالزهرا الباوی.وكان سوالنا الاول حول ترجمه حياته فاجاب قائلا:

انا كريم عبدالزهرا الباوی ولدت فی قريه العميره من توابع الاهواز ومازلت اسكن فی تلک القريه ومهنتی التعليم وادرس فی المرحله المتوسطه فی مدارس الاهواز وعمری اربعه وثلاثين سنه.

متی بدات نظم العشر الشعبی وما هی اول مقطوعه شعريه لک؟

بدات الشعر الشعبی منذ الخامسه عشره من عمری حين كنت اشارک فی مجالس العزاء الحسينيه واستمع الی الرادود واشتياقی باهل البيت شجعنی علی كتابه الشعر ولهذا اول ما كتبت من الشعر فی رثاء اهل البيت عليهم السلام واتذكر اول قصيده كتبتها هی فی حق العباس (س) مطلعها:

نهض عباس والمشرعه اتعناها جندل خيلها والموت راوها

ما هوالشعر الذی كنت تكتبه وكيف عرف المجتمع او القريه التی فيها بانک شاعر؟

كما ذكرت لكم اول ما بدات بكتابه الشعر هو الشعر الحسينی وكان من الرواد فی تلک المنطقه كالاخ قاسم الحويزاوی ياتون لی فاكتب لهم القصائد الحسينيه ويرددونها فی المناسبات المختلفه واضافه الی ذلک كتبت الشعر الحماسی والغزل وشاركت فی كثير من الاحتفالات فی المحافظه.

ای من الشعراء يعجبک شعره فی وقتنا هذا وايضا لای مهوس (يزال) تميل اكثر؟

باعتقادی ان كل الشعراء الذين يمتلكون القريحه الشعريه وانا لا افرق بينهم ولكن يعجبنی

شعر شعرائنا الافاضل احمد حياوی، علی عايد، حمد الاميری وتركی الاميری ،قاسم باوی ، حميد ابوامجد الحيدری ، ستار سياحی،راضی بدوی .

ما هی اهم المواضيع فی شعرک ؟

طبعا اهم المواضيع تبيان الماآسی لشعبنا الاهوازی وتضميد الجرح الثقافی وارتقاء البنيهالعلميه واضافه الی ذلک كتابه الغزل عند ما نسی الغزل فی فتره من الزمن فی مجتمعنا الاهوازی.

هل لک من كان يشجعک فی بدايه مشوارک الشعری؟

نعم كان هتاف الشاعر العربی وماساته وهو الذی يقودنی الی الشعر وكتابه الشعر كنت حين اسمع قصيده من شاعر او اری شيئا اتاثر له فاتحرک نحو كتابه الشعر:

هل لک كلمه تود توجيهها الی اصدقائک الشعراء وما الذی تتوقعه من جريده صوت الشعب ؟

نعم واما ما اودان اخاطب اخوانی واخواتی الادباء ان يكتبوا عن واقع المجتمع ويرسموا صوره جيده للادب المعاصر حتی يدرج فی صفحات تاريخ ادبنا وثقافتنا العربيه وبادبناء نفتح صفحه للاجيال الآتيه حتی لا تنسی لغتنا. وارجوا من الاخوه والاخوات ان يساندوا صحيفه صوت الشعب باشعارهم ومقالاتهم ولا يتركوا ساحه الادب واما ما نتوقعه من جريده صوت الشعب ان لا تبتعد عن شعرائنا الاماجد لانها جريدتهم الوحيده وهم اهلها وتمارس عملها الثقافی بكل نشاط وقوه وفی الختام اشكر جميع الذين يتعاطفون مع جريده الشعب بارسالهم المطالب العلميه والادبيه واشكر جميع القائمين بها وبالاخص السيد عادل الحيدری.

ما هی آخر مقطوعه شعريه لكم؟

اما آخر مقطوعه شعريه:

خسبگنی اسمريا خلگ مرنی حلو حنطاوی
مرهف ابد ما ينوصف غربی وحسن شرگاوی
اعيونه تكتل من تصد وابلا كحل كحلاوی
سابی الخلگ عودونشع من دم دليلی راوی
سبحان رب الصورک بيک الالآه اشناوی
يل عودک اخضيره ومسچ يابشره الحلاوی
صوبت دلالی ابرمح ناوی الهلاكی ناوی
گلی ابتعدلا تحترگ متشوف شوگی داوی
گتله احترگ خل احترگ آنه اللهيبک هاوی
بس لا تغير وترتحل يلبلحسن متغاوی
ادلل علی ابكل شكل مسموح الک شتراوی
گلی الطبع عاتی الوصف متخربص ومتلاوی
وكلمن يحبنی ابلاسبب گلب اليحبنی چاوی
گتله ابجمالک ما شفت وگلبی الک متخاوی
گلی اذا تحچی الصدگ عنوان اصلک راوی
گتله آنه سامی بالاصل ومعروف باسم الباوی

رحيق الكلمات .....

محمد سعيداوی البستانی

فی يوم من الايام وعند ماكنت وحيدا فی غرفتی بدات اتامل... ماذا اكتب.. ماذا انحت علی الورق الابيض الذی يعكس الكلمات كما

تعكس المرآه مظهر من مظاهر الحياه. اذ اننی ومنذ زمن بعيد قد هجرت القلم والكتابه ، نعم اننی فی طول تلک الفتره التی لم ارسم بالكلمات علی الورق حكاياتی انمحت ذاكرتی ولم يعد للكلمات فی ذاكرتی مكان لتستقر هناک ،فاخذت احدث نفسی واعتصر ذاكرتی التی هاجرت منها او هجرتها الكلمات ،فلم اجد حينهاطريق يوصلنی الی السبيل النجاه، لتعود ذاكرتی والنسيان قد احاط بی من كل جهه، فعمدت حينها اتصفح الكتب بلهفه وشوق باحثاعن كلمه اوجمله تروی عطش النسيان وتوقظ عقلی الذی قد احاط به النسيان واذا بحديث الرسول (ص)قد تجلی امام عينی ورحت احدق واتامل غائصا فی هذا الحديث الشريف فشعرت حينها برحيق الكلمات العذبه التی تروی ضمائرنا وتوقظ افكارنا.ما اجمل واروع تلک الاحاديث للرسول (ص) اوعن الائمه (ع)التی تنير لنا طرقناوتنجينا من المتاهات وترشدنا الی الصحيح من الخطا فی تعاملنا وفی قضايا و امورالفرد والمجتمع ،ذلک التعامل الذی يكون مبنيا علی اسلوب صحيح يجب مراعاته فی احترام شخصيه الآخرين وان لانحاول ان نبغض بعضنا البعض سواء بالكلمات او بالافعال حيث ان الرسول محمد (ص)يقول فی هذا الشان:(شرالناس من يبغض الناس ويبغضونه)اذن يجب لاننسی ان الانسان مهما كانت مكانته فی المجتمع يجب ان يسعی لعدم ايذاءای فرد لكی لايكون من هولاء الذين قد تحدث عنهم الرسول ووصفهم بشرار الناس من خلال حديثه الشريف بل عليه ان يتجنب اللامساوه ای ان لا يبغض الاخرين من خلال قول اوفعل يتضجرمنه الآخرون بل يجب ان نتالم لای فرد مومن ونفرح فی فرحه وكماقال الرسول (ص) فی هذا المجال:(ان حقاعلی المومنين ان يتوجع بعضهم لبعض كما يالم الجسد الراس)اذا فما اروع ان نتعامل ونتبادل بشيی، من القول الجميل والفعل المرضی وان يكون تعاملنا من منطلق خلقی يحی القلب ويصلح ذات البين اذيقول الامام علی (ع)فی هذا الشان:

وحی ذوی الاضغان تشف قلوبهم
تحيتک العظمی وقديدبغ النعل

صفحات من تأريخ الأدب العربي في خوزستان

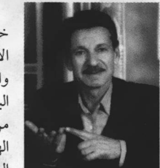
القسم السابع

الدكتور عباس العباسى الطائى

هذه السطور من تأريخ الأدب العربي في خوزستان. هذا الأدب الضخم الذي أهمله المحققون ومولفوا تواريخ الأدب حتى اننا لا نكاد نعثر على شخصية علمية أو أدبية في تواريخ الادب من أبناء هذا الاقليم البررة الذين أسهموا في بناء صرح الحضارة و الثقافة في العالمين العربي والاسلامي تلك الحضارة التي سطعت شمسها في الغرب وأفلت عندنا

العلوم والفنون والآداب:

(في القرن الثاني - حتى هجوم المغول على الاهواز۶۵۸هجرى قمرى)



تحدثنا في ماسلفناه من البحث عن موقع خوزستان الجغرافى والاستراتيجى الذين جعلا من الاهوازجسرا يربط ثلاث قارات هى آسيا واروباوافريقيا،فصارت خوزستان بفضل وقوعها على البحر -فضلاعن نهركارون الذى كان صالحاللملاحه- من اقصرالطرق بين البحرالابيض والمحيط الهندي.باستطاعه المرء ان يخمن ماكان من اثرلهذا الموقع الحساس على الاقتصاد والثقافه والاختلاط بالامم الاخرى ،ممانتج عن ذلك الاختلاط من التطور فى المجالات العلميه والاجتماعيه.وفى مانقله ابن بطوله(ف ۷۷۹هجرى قمرى)فى رحلته صوره صادقه عن كثره المدارس فى خوزستان فى ماتقدم من زمان قال:((...فى كل نقطه،زاويه(مدرسه)متوفرفيها الخبزواللحم والحلوى لطلاب العلم،وفى كل زاويه شيخ(استاذ)وامام جماعه وخادم وكان عددتلك المدارس فى تستر(شوشتر)يبلغ ۴۶۰مدرسهوكان ثلث الخراج يقع على هذه المدارس)وممالاشك فيه ان هذه المدارس كان يدرس فيهاجميع العلوم من فقه وحديث وصرفه ونحوولغهوخطابهوعرفان وهذاوفلك وطب ومالى غيرذلك من علوم ذلك الزمان.

كثره العلماء والادباء

قدلايصدق من اذاتتبع انتشار العلوم والعلماءفى خوزستان فى هذه الحقبه الطويله من الزمن(القرن الثانى - القرن السابع هجرى قمرى)،وماذلک الادليل على مكانه خوزستان العلميه والادبيهفى التاريخ.ونحن بعدكثيرمن التحرى والتحقيق والدرايهوالتفحيص،استقرارالراى والاطمئنان صنفنا العلماء والادباءفى خوزستان الذين انتسبوا الى خوزستان بوجه من الوجوه المذكوره ادناه على ما هو آت:

الف: ولدوا فى خوزستان ونشاوا فيها وعاشواعلى ارضها

ب: ولدوافى خوزستان ودرسوا فيها وتابعوا تحصيلهم وحياتهم خارجها

ج: ولدوا خارج خوزستان ودرسواخارجها،ودخلوها وعاشوا بقيه اعمارهم على ارضها.

د: ولدواونشاواخارجها،ودخلوها بمهام طويله الأمر ومارسواالتاليف على ارضها.

اما الاماكن التى انتشرفيها العلم والعلماءآنذاک،فهى - كماذكرناهابتفصيل فى الحلقات الماضيه - سرق وسوق الاهواز،عبدان،والحويزه ودست ميسان، والدورق،وتستروراهرمزوالسوس،وسوسنجرد،وعسكرمكرم،ومناذرونهرتيرى و ايذج، وارجان(بهبهان).

علماء الاهوازوادباوها(سوق الاهواز):

جاء اسم الاهوازفى التاريخ كثيرا،وكان يرادبه كل خوزستان فى غالب الاحيان قدنسب اليها خلق كثيرمن العلماء والادباءبوجه من الوجوه الموماليها سالفا منهم:السيد الحميرى شاعراهل البيت(ع)(۱۷۳)ه ق (۲)،وابوقاسم الزجاجى صاحب كتاب الجمل فى الصرف والنحو،ابراهيم بن عباس الصولى،وابوبشرعمربن عثمان بن قنبرسيبويه،وسهل بن هارون الاهوازى،وعكاشه العمى،والمغيره بن جنيد،وجورجيس الطبيب،والاخيطل الاهوازى،وابوضياءالاهوازى والحسين بن منصور الحلاج،الحسن الرامهرمزى،وحمادعجرد،ابونواس الاهوازى، وبعبدان، وابوقاسم التنوجى،آل نوبخت الاهوازى،والحكيم هبه الله بن الحسين الطبيب والحسين بن حماد الاهوازى ،الحسن بن حمادالاهوازى،وابو عبدالله الحسين بن احمدابن الحسين السكرى.

علماءوادباء ايذج (ايذه)

ذكرصاحب معجم البلدان الجماعهالتاليه ونسبهم الى مدينه ايذج:

ابوالقاسم الحسين بن حسن الايذجى،والشيخ احمدبن الى حميدالايذجى واحمدبن بهرام الايذجى،وابو العباس احمدبن الحسين الايذجى

علماءواطباءالحويزه:

وذكرياقوت فى معجمه فى ماده الحويزه الاسماءالتاليه ونسبها اليها:محمدبن حسن بن احمدالاهوازى،عبدالله بن حسن ادريس الحويزى،واحمدبن محمدبن سليمان العباسى الحويزى.

دست ميسان:

نسب الى دست ميسان حافظ القرآن الكريم،ابواسحاق ابراهيم بن سعيدبن حسن الدستوائى.

علماءوادباء الدورق:

هذه المدينه العريقه عرفت بكثره العلماءوالادباء وانتشارالعلوم والمدارس فيها.ومن العلماءوالادباء الذين نسبوا اليها.العالم اللغوى الكبيرابويوسف يعقوب ابن السكيت،وابوه السكيت،على بن مهزيارالاهوازى الدورقى نقيب الامام الجواد(ع)،وابوعقيل الدورقى ومحمدبن بشرويه الدورقى التاجى،واحمدبن ابراهيم بن كثيربن زيدبن افلح الدورقى وابوبكرمردويه الحافظ الاصفهانى، و الاحيمر السعدتى .

مصادر القسم السابع:

۱-ابن بطوطه،رحله ابن بطوطه ص ۹۰
۲-الحموى،ياقوت،معجم البلدان ماده اهواز
۳-دائره المعارف (الاسلاميه)ترجمه احمدالشنتاوى ج۱۲ص۱۸
۴-د.ضيف،شوقى،تاريخ الادب العربى ج۲ص ۴۴۴
۵-سيبويه،ابوبشرعمربن عثمان،الكتاب،تحقيق عبدالسلام هارون ج۱ص۷
۶-ضيف شوقى،تاريخ الادب العربى ج۲ص۲۲
۷-فروخ،عمر،تاريخ الادب العربى ج۲ص۱۰۴
۸-المصدر السابع ص۲۸۸
۹-المصدر السابع ص۴۴۸
۱۰-الحموى،ياقوت،معجم البلدان مادهايذج
۱۱-المصدرالسابع مادهالحويزه
۱۲-المصدرالسابع ماده دست ميسان
۱۳-المصدرالسابع مادهدورق

رياح

انني لست لتيار ر يمين او يسار
او كشيوعى كما قال لنين
انني لست خرافيا وعبدا للحجاره
سالک الدرب بفكر ويقين
مذهبى صدق وحب
بين انفاسى يدار
اعبد الله ولا اخلق للشيطان دين
قلمى سيفى الذى يعتبر الاغماد عارا
انما حر بفكرى لست فى حزب سجين
و كتاباتى تنادى وحده للمسلمين
انني لا اكتب الشعر لاجل الصيت او صوت الاذاعه
اولكى تعرض اشعارى بضاعه
او لكى اكسب دينارا من المستكبرين
انا اشعارى ضميرى... لضمير الصالحين
انا اشعارى رياح ...
انا اشعارى صياح فى ليالى الراقدين
هذه سنه مولاى امير المومنين

لطيف على العمورى

النصائح

اشماتزرع ابهالدينه تراتلگه
يالعايش على اللگه
تم طيب اخلاق اوطيب الملگه
يالعايش على اللگه
من تزرع الزين اتشوف حتما زين
اوشين اللى تعمله اتشوف حتما شين
اشما تزرع ابها الدينه تراهو دين
تلگا بالحشر يالما تظن تلگه
تحچى بالچذب واتچذب اعلى النّاس
وتحلف بالحسين اونوب بالعباس
والحظ والبخت كله ترايندا س
وجدان وضمير وشرف ما يبگه
ما بسک من الفتنه ومن الغيبه
وعيبک ما تشوفه وغيرک اتعيبه
او تتمزهد او تنسه الغيره والهيبه
اوبعت دينک يبوسوده على المرگه
ليش اتبيع آخرتک الدينه الغير
وبين اهل الكناوه ليش شاذى اتصير
ولو دگولک ابرگصک تحب اتطير
اولو غنه المغنى حلگک ابحلگه
حچى الحگ ما تقبله او حچى افلان ايلوگ
تشرک بالاله او تعبد المخلوگ
الک يوم التطب بالنار يا محروگ
التعبده اوياک حرگتكم فرد حرگه
اذا عندک ادیانه او تعبد الرحمن
صف ويه الفقير العارى الجوعان
مو صاير تحچيه او درع للشيطان
او دستمالت زفر صاير اله اودرگه
يمته اتجوز من الفتن يمته اتوب
من البول تايب گمت تخره انوب
الساندِه عصه چان اوهسه صاير طوب
چلمتک ما تطيب او طابت الفلگه
اتساند لغنى وتترک المعبود
والفانى تعبده وتشک بالموجود
سند ما صار الک فرعونها ونمرود
اترجه الخير للما يدفع البگه

عبدالزهراءالغرباوى

صوت الشعب تنتظر اشعاركم

واعديتو وما وفيتو

واعديتو وماوفيتو....
ارد اوصفكم سفينه ابفرد هويه اتزلزليتو
ومن خذيتو الراگ وبشلهه نجيتو
واعديتو وما وفيتو
چم عرج دگ ونبض دمه سلک بحره اليورده
وچم جرح ما طيبه البارح ولا واحد يضمده
وچم چلم رطبه الحچاهه ايضيعونه وتاه حده
وچم حمامت عشگ مكسورت جنح بجناح خلتهه اتعده
مدرى وين الهضم حده
وچم شطب ريحان يابس واعرفت قدره الذى مكسوره يده
مدرى عتبى اعله الزمان الضيع الجزره اويه مده
لوعتابى او يلذى ناسى حياته ابضيعته لرسوم جده
مدرى وين الهضم حده
ارد ابط ايرابه الگشرواحچى كلشى ابصوت ما يعرف الرده
آنه واحد ونتو..جيش الماكسر عزم اليضده
آنه هاذا آنه الشهد مگفاى بسهام الغدر حفنات عده
ونتو بين الناس وحدت غدر ظليتو وجفيتو؟
اوما تذكرتو الحمل من طاح بيكم من تراجعتو وهويتو؟
واعديتو وما وفيتو......... واعديتو وما وفيتو

عاشور ابوحنان التميمى

فى وحده الجرح

كل السطور... شهدت بانک عاشق
فتسلق العشق
تسلق
ان دوحته وطن
حزنى قصيده لم تعانى من ضياع
دمعى التهاب العشق حين يمر بک
وانا التى يا ما تمنت ان تكون لهيب نارک مره
كى تنطفى....
او لا تكون
فاقرا قصيدتک الحزينه لى
فدمعى نورس...
والبحر صدرک من زمان
ونوارسى...
اخذت تحن لبحر صدرک من زمان
ونوارسى تاهت
وبحرک ما راى...
واذكر حديثک لى... فانى اذكر
بالامس قلت:
ما بى ، بک....
ما بک انت، بى انا...
وتعانقت روحى وجرحک وامحت
- والجرح ماء يجرى فى نهر الزمن
انى يثنى الجرح؟
ان الله شى واحد
والروح شى واحد
والعشق شى واحد
فافتح ذراعک لى...
فدمعى نورس
وافتحما عينيک لل....!
واذا تفيق
واذا بنفسک ضائعه
ويضيع حتى ما تسميه الوطن
فتسلق العشق
تسلق
ان دوحته وطن
افتح لعينى عينک البحريه الحزنى
فدمعى نورس
وجميع ما انت....
انا
الروح شى واحد
وليعتنق جرحى وجرحک فى الافق
فالافق وحدانيه الجرح الذى
لن يلتئم

مريم الحيدرى

بريد الفن والادب

نزف اجمل وارق وازكى آيات الحب والتهانى بمناسبه حلول شهر شعبان المبارک وذكرى مولد الحجه القائم (عج) الى كافه الاخوه والاخوات ونتمنى لكم دوام الصحه والعافيه ولاقلامكم الشريفه وافكاركم النيره دوام العطاء والابداع....

ها نحن معكم ومع تواصلكم المستمر معنا نشكركم خالص الشكر عبر بريد الفن والادب لكل سطر خطته اياديكم الكريمه وكل مساهمه ارسلتموها لنا عبر البريد او الفكس او مباشره او كل اقتراح قدمتموه فناخذه بعين الاعتبار ومره اخرى ننوه لجميع الاخوه والاخوات بان كثره الرسائل والمساهمات تحول دون نشر مقالاتكم المتميزه واشعاركم الجميله ونرجوا منكم ان تقبلوا اعتذارنا لعدم نشرها الا بعد فتره طويله - واخيرا سنشير الى الرسائل التى وصلتنا فى الفتره الاخيره باختصار ودمتم سالمين.۱-الاخ الفاضل اباحسان الكنانى وصلت رسالتكم الشيقه شكرا لكم على عواطفكم ومشاعركم النبيله تجاهنا وتجاه جريدكم صوت الشعب.... وشكرا لتواصلكم معنا باستمرار وارسال مقالاتكم المتميزه التى تحمل عنوان (الاقتصاد العراقى بعد السقوط)و(القضيه الفلسطنيه)و(الرساله)نعدكم بنشرها فى اقرب وقت الله معكم.

۲- الاخ الشاعر امين ابو عباس المطورى وصلت رسالتكم المعبره واشعاركم الرائعه انتظروا طبعها لاحقا ان شاءالله.

۳- الاخ الكاتب محمد نبهانى زاده وصلت مساهمتكم عبر الفكس (خالف تعرف) لكن ۰ للاسف بعض المفردات منها ليست واضحه تماما فالرجاء اذا كان بالامكان ان تتصلوا لرفع الاخطاء وشكراجزيلا لكم.

۴- الاخ الشاعر جعفر الخالدى وصلت مساهمتكم المقطوعه الشعريه الرائعه عبر الفكس نعدكم بنشرها لاحقا وشكرا لكم ومشاعركم النبيله.

۵- الاخ المحترم جليل عامرى بشان مقالتكم (ضياع فى غفله) اذا كان بامكانكم ان ترسلوها لنا من جديد لانها ليست واضحه تماما وغير مفهومه وشكرا لكم

۶- الاخ الكاتب عباس حيادر وصلت مقالكتم باللغه الفارسيه لكنها للاسف مكتوبه بخط غير واضح فالرجاء اعاده كتابتها وارسالها لنا من جديد وشكرا لتواصلكم معنا...

۷-الاستاذ الاديب حميد الطرفى مقالتكم (سيرى در تاريخ خوزستان) بالفارسيه موجودهلدينا فى الارشيف لكن لكثره المقالات وكثافتها لم تنشر بعد.... انتظروا نشرها قريبا وشكرا لكم.

۸- وصلتنا رسائل من قبل مجموعه من الشعراء والادباء والمتابعين لجريده صوت الشعب فى المحمره تقدموا فيها بالتحيه والتقدير للشاعر والاديب الاستاذ حسن عاشور القنواتى وعلى ما يقدمه للمجتمع من قصايد وابيات وابداعات جديده كشعر (الخاطر) وقدموا له حديقه مملوه من ورود الياسمين المطرزه باكاليل الحب والترحيب وايضا صوت الشعب بدوره يتقدم بالشكر والامتنان لهذا الشاعر الاديب والاخوه المتابعين للجريده وتقديرهم للشعراء والادباء ... ندعوا من الشاعر الاستاذ حسن عاشور القنواتى بالمواصله مع الصحيفه لكى نستفيد من آراءه الشيقه والممتازه والبناءه بشان الجريده..

۹-كما وصلتنا رساله موقعه من قبل جمع من محبى الصحيفه شباب حى مشعلى(آخرآسفالت) عبروا فيها عن تقديرهم للشاعر الاديب الاستاذ عبد النواصرى شاعر الابوذيه والذى تحتفظ ذاكرته آلاف الابيات من الابوذيه وطلبوا منا طبع اشعاره او اجراء مقابله معه ونحن نعدكم بذلک ان شاءالله فى اقرب وقت ممكن.

الاخوه المكتوبه اسماءهم ادناه نقول لكم وصلت رسائلكم شاكرين لكم جهودكم ومشاعركم تجاه الجريده وعد لكم منا سنقوم بنشر مساهماتكم بعد دراسه البعض منها لاحقا... ان شاء الله

رضا حردانى، قاسم معرفى رميله، عادل عاشور حزباوى، ابوطاهر البيراوى، مجيد يوسف ضاحى الغويث، محسن اسماعيل ، كريم عبدالحسين، كريم ضياغم، احمد الزرگانى، سعيد عوده الغزى، محمد مخيلف الناشد (مدينه شوشتر)، حسين غزى ، عطيه اشغياوى الخزرجى.خالد الاهوازى حبيب سياحى لفته عامرى كريم بروايه حمزه كوتى حسينى (هويزه)على جواد الناصرى رسول بلاوى خديجه حيدرى

الاخوه: عيسى نيسى، هادى سالمى، جبار الاهوازى، سيد عدنان عاشور موسوى، عبدالعزيز درويل صخراوى، جواد يونسى جميعا من الاهواز شكرا لاهتمامكم وسعيكم تجاه جريدتكم صوت الشعب وشكرا لكم تقبل اياديكم جميعا من بعيد والى اللقاء .والسلام عليكم ورحمه الله.

اشراقه التاصيل

الباحث عبدالعاطى عبيات ـماجيستر فى اللغه العربيه

تعقيبا لمقال مخارج الحروف فى اللهجه العاميه الخوزستانيه.

الچاء: من الحروف الدخليه التى دخلت فى اللهجهالعربيه الخوزستانيه من لغات تركيه وفارسيه وانجليزيه. على سبيل المثال: كلمه چزمه: فى اللغه العربيه نوع من الحذاء يغطى الرجل كلها فهى من اللغه التركيه وچاكوچ فى اللغه العربيه مطرقه والتركيه چكچ والطوب وفى اللغه العربيه تعنى المدفع وفى التركيه والفارسيه تعنى التوپ بنفس المعنى الموجود فى اللغه العربيه . ومن الفارسيه : چرپايه تعنى فى العربيه : سرير النوم اصلها « چهار پايه» مركبه من كلمتين: چهار وپايه قاعده ويجمعونها على چرپايات.. ..ومن الانجليزيه : چاكيت: ستره، لباس يغطى الظهر وجانبى الصدر والذراعين.

الحاء: فى اللهجه العربيه الخوزستانيه تلفظ كالفصحىَ مثل: حول، حولى. حبوب

الدال: فى اللهجه العربيه الخوزستانيه تلفظ كالفصحى مثل: درس، دلک، بردى

الذال: تلفظ كالفصحى تماما، مثل : اذيه ، فخذ الا ما شذ وندر منها فتلفظ ضادا مثا: ذاق: ضاگ فيقال : ضگت المر وذلک لتقارب المخرجين . ذراع : ضراع وفى الشواذ ايضا لفظت ثاءا: العذق : عثگ. ولا رطبه بالعثگ.

الزاى: تلفظ كالفصحى مثل: ركبه ، رجل . باچر « بكرى.»

الزاى: تلفظ كما تلفظ فى الفصحى مثل: يزه والاصل جزه وتعنى الصوف. وزرزور

السين: تلفظ كالفصحى مثل: جاسوس. خنافس . وتلفظ صادا احيانا فى مثل بصاط: بساط صره : سره

الشين: تلفظ كالفصحى مثل : شاكر. بطشه ، عطشان

الصاد: تلفظ كالفصحى مثل: صائم. صندوق. الا ماشذ فتلفظ «زايا» الصق: الزگ. و تلفظ احيانا « سينا» الصوره السوره.

واليكم باقه من الالفاظ العاميه المحكيه الفصيحه فى اللهجه العربيه الخوزستانيه التى امتدت جذورها فى اللغه العربيه الفصحى وامتصت من رحيقها طليه العصور السالفه.

هع هع : فى اللهجه العربيه الخوزستانيه تعنى « الدعاء» الى الماء وذلک عند ما يريد الراعى ان يدعو اغنامه لشرب الماء فهى عربيه صحيحه الاصل كما جاءت فى اللغه بنفس المعنى وت فى اللسان والايضاح فى فقه اللغهت

الجزه: يقولون: گص الغنام اليزه: اذا قص صوفها واليزه هى الصوفه المجزوزه فهى عربيه صحيحه الاصل تلت تعنى نفس المعنى فى اللغه وفى الايضاح فقه اللغه الجزء الثانى ص . ۷۹۰ الجزه: هى صوفه النعجه جز فلم يخالط غيره.

العهن: يقولون « العهن» فهو صوف فهى عربيه صحيحه الاصل قلت هى تعنى نفس المعنى فى اللغه وفى الايضاح «الصحاح» العهن :الصوف وقيل:الصوف المصبوغ. وجاء فى التنزيل الحكيم: « كالعهن المنقوش» سوره القارعه /۵

الرعام: يقول القائل منهم: رعمت النعجه: اذا اشتد سيهان مخاطها فهى عربيه فى صميمهاوفى الايضاح فى فقه اللغه : الرعام : مخاط الشاه. وترعمت الشاه : اشتد هزالها فسال رعامها،وهى رعوم.

الراء: فى اللهجه العربيه الخوزستانيه تعنى : الدعاء الى الماء. اذا اراد صاحب المواشى يدعو مواشيه الى شرب الماء يقول ارار.قلت: فهى تعنى نفس المعنى الموجود فى اللغه ففى اللغه ارار : اذا دعا الغنم.

السنسن: يقولون فى دارجتهم« سنسول بدل سنسن فهو رووس المحال وحروف فقار الظهر ومغارز رووس الاضلاع. فاللفظه فى الدارجه تعنى نفس المعنى فى اللغه. واشد الشنفرى فى لاميه المسمى بلاميه العرب:

وآلف وجه الارض، عند افتراشها باهدا تنبيه سناسن قحل

العجيس: يقول القائل منهم« فرس عجيس اوعجيز» اى لا تلزم عند ما يضربها الفحل. وانا اوكد لک ايها القارى المحترم: هذه اللفظه وبعض الالفاظ التى ترد عبر المقالات قليله الاستعمال جدا ولا يعرفها الكثير الا ما قل وندر فاللفظه عربيه صحيحه الاصل وفى الايضاح » وفى المخصص لابن سيده« العجيس قل لا يلقح ولا يضرب.

الكعب : يقولون القائل منهم « الكعب» فهو كل مفصل من العظام والعظم والناتى عند ملتقى عظم الوظيف وعظم الساق.قلت هو بنفس المعنى موجود فى اللغه واشد الشنفرى فى « لاميه العرب»

واعدل منحوضا كان فصوصه كعاب دحاها لاعب فهى مثل

وفالكعاب او الچعاب لها لعبه كانت تلعب فى محافظه خوزستان فاللعبه عباره عن ان تخط فى الارض خطه فتضع عدد من الكعاب وسطها وينقسم اللاعبون الى ثلاثه او اربعه او اكثر فيبتعدون شى ما عند الخطه فيشرعون من بعد برمى الكعب « المسمى بالصول» فاذا استطاع الرامى ضرب الكعاب المنتصبه واخراجها من دائره الخطه فهى تكون له وله الحق فى الرمى مره ثانيه وهكذا يستمر اللعب الى النهايه ويبدو لى كانت هذه اللعبه من قديم الايام وقبل مجى الاسلام كما استشفه من بيت الشاعر. وكانوا يسمون الذى يمتلک كعابا كثيره « ابوچعاب»

شرح اللحم: فى اللغه شرح اللحم وشرحه قطعه كما فى اللسان قلت وفى الهجه الخوزستانيه يستعمل الفعل « شرح» على اصل معناه فى اللغه ولكنهم لا يقصرون استعماله من اللحم وانما يتجاوزون الى غيره فيقول القائل منهم « شرحت السكه» اذا قطعها طوالا وقولهم جائز بتعميم الدلاله .

طينه فلان: يقول القائل منهم: سبحان الله فلان هو من طيبه فلان: اى هما يتشابهان فى خلقتهما اى طبيعتهما،كما يقولون : طينه فلان ليست من طينتى اى طبيعته مخالفه لطبيعتى. قلت وفى اللغه من معانى الطينه الجليه والخلقيه كما فى «الاساس للزمخشرى » وفى ذلک يقول ابو جعفر الشطرنجى مولى المهدى فى سوداء:

اشبهک المسک واشبهته قائمه فى لونه قاعده
لاشک اذ لونكما واحد انكما من طينه واحده.

دل: يقول القائل « دلانى فلان على بيت فلان» اى ارشدنى وهدانى . والدليل فى اللهجه واللغه يعنى :العارف بالطرق والذى يستطيع ان يرشد الآخرين. وفى اخبار اسلام عمربن الخطاب اخرج ابن سعد كاتب الواقدى ، عن انس بن مالک انه قال: خرج عمر متقلدا السيف فليقه رجل من بنى زهره قال: اين تعمد ياعمر؟ فقال: اريد ان اقتل محمدا، وقال: وكيف تامن فى بنى هاشم وبنى زهره، وقد قتلت محمدا قال: فقال عمر: ما اراک الا قد صبوت وتركت دينک الذى انت عليه. قال: افلا ادلک على العجب ياعمر؟ راجع تاريخ الخمس للديار بكرى ۲۴۹/۲ وصفه الصفوه لابن جوزى ۲۷۵/۱

ضيفه: يقول القائل منهم: ضيفت فلانا اذا انزله عنده منزله الضيف فهى عربيه صحيحه الاصل ففى اللسان) ضيفه انزله منزله الاضياف واطعمه والتضييف الاطعام. قال رجاء : وفى قراءه ابن مسعود: « فابوا ان يضيفوهما » اى يطعموهما.

القحاب: يقولون فى دارجتهم : فلانه گحبه والاصل « قحبه» وهى المراه الفاجره فهى عربيهصحيحه فى صميمها فتعنى نفس المعنى فى اللغه ت اللسانت ومنها قول البهاء زهير فى احدى العجائز المتصابيات:

فدعى معاشرهالشبا ب فقد يئست من الشباب
ما هذه شيم الحرا ئر لا ولا شيم القحاب.

المخرم: اذا شد انف البعير بالخزامه. والخزامه: خلقه من شعر تجعل فى جانب منخر البعير او فى وتره انفه يشد بها الزمام كما اوردته قواميس اللغه ومنها « التاج» والايضاح. فاوكد للقارى العزيز بان هذه اللفظه تتداول وتختصر على السنه البدو القانطين فى مدينه البستين وضواحى الحميديه فاللفظه عريقه جدا واستطاعت طليه هذهالمدن ان تحفظ حيويتها واصالتها ، وفى ديوان بشر بن ابى حازم.

اذا ما انتبهت لم اجد غير فتيه وغير مطى بالرجال مخرم

اللهث: يقولون منهم: هذا الكلب يلهث: اى اذا اخرج لسانه من شده العطش والتعب. وفلان يلهث :اذاعطش شديدا. فاللفظهعربيه فى صميمها قلت تعنى نفس المعنى فى اللغه كما جاءت فى اللسان والقاموس والتاج» وفى معجم تفسير مفردات الفاظ القرآن «للسميح عاطف الزين» لهث الكلب: اخرج لسانه من التنفس الشديد عطشا او اعياء قال: ا...عزوجل فى محكم كتابه « فمثله كمثل الكب ان تحمل عليه يلهث او تتركه يلهث » سوره الاعراف/ ۱۷۶ وقال ابن دريد: اللهث تقال للاعياء وللعطش جميعا.

للبحث صله فانتظرونا فى المقالات الآتيه.

مفهوم الحضاره فى الاسلام

محمدالحاج خنجر الساعدى

عند ما تسمع من شخص او تقرا فى كتاب كلمه الحضاره يتبادرفى ذهنک عدد من التساولات وهى هل ان الحضاره هى الدين او المعتقد او الخرافه او قوانين وضعت من قبل اناس؟و... ولماذا تختلف حضارات الامم والشعوب فى حد ذاتها؟ دعنا اولا نعرف هذا المصطلح بشكل عام:

الحضاره هى عباره عن سنن سنها ودونها البشر لنفسه على مختلف طبقاته وهذه السنن تختص بقوم يجتمعون فى حضاره واحده، فى حال انهم يختلفون فى الاجناس . وغالبا ما نرى كل فئه من ابناء البشر تلتزم بحضارتها القوميه والاعتقاديه. فمن هذا المنطلق قسم الفلاسفه الحضاره على قسمين:

اولا: الحضاره الماديه: وهى عباره عن ما يوضع فى المتحف وبتعبير علماء الغرب (سفلشن) يعنى ما يملكه الانسان ماديا كعماره ضخمه او سياره حديثه وحتى اثاث البيت والملابس تعتبر من الحضاره الماديه.

ثانيا: الحضاره الفكريه:وهى عباره عن الدين، اعتقادات وحتى السوفصطائيات والخرافات من الحضاره الفكريه ولكن لا تقاس الحضاره الفكريه بالماديه ابدا لان الماديه قابله للتغيير بسرعه وتتماشى مع تغيير الماده فكلما تقدمت الماده تقدمت الحضاره الماديه وبعكس ذلک. والحضاره الفكريه لا احد يستطيع ان يغيرها فهى لا تقاس بالماديه.

وعلى كل انسان حضارته الفكريه تماما هل انها حضاره صحيحه قائمه على اساس علمى ام انها خرافه وسفصطه. اقول خرافه وسفصطه لان بعض اواسط مجتمعنا الحالى لا يزال يعيش هذه الحضاره والشاهد على ذلک مثلا: تمر احيانا على دار جديده الاحداث ولها قيمتها فتجد على باب الدار قرن (گرن) جاموسه معلق فيعجبک المنظر وتبقى حيرانا اتضحک ام تبكى عند ما تسئل عن السبب يقول لک اهل الدار نخاف من عيون الناس!! وهذا القرن يدفع عنا البلاء والحسد!! فهذه حضاره فكريه خرافيه مطلقه فعلى معتقدها ان يدرس مايعتقده تماما ثم بالتالى سيفهم انه على خطا وضلال .

وعلاوه على هذا هناک شرار وشياطين يبرجون هذه الفكره الضاله بين الناس السذج للحفاظ وللحصول على مصالحهم ومطامعهم الدنيويه وهذا يعتبر من المخاطر الكبرى لهدم الحضاره الفكريه الصحيحه . ولمعرفه حضارتنا الصحيحه يجب علينا ان نراجع القرآن الكريم والسنه النبويه وسيره اهل البيت عليهم السلام. فاذا تمكنا ان نفهم القرآن ولو بشكل بسيط والسنه النبويه ولو بعض الاحاديث وسيره اهل البيت عليهم السلام ولو بعضهم فهنالک نرجع الى جاده الحق ولا نبقى نتخبط فى سلوكنا ونصل الى الهدف والغايه وهى حضاره فكريه اسلاميه ثم عند هذه الحضاره تقف كل الحضارات خاضعه وذليله ومكتوفه الايدى. من هنا نفهم ان مفهوم الحضاره فى الاسلام هو الالتزام بهذا المثلث الحضارى واضلاعه الثلاثه والتمسک بها وهم القرآن الكريم والنبى الاكرم (ص) واهل البيت عليهم السلام فهولاء الثلاثه يشكلون هذا المثلث الحضارى الذى رسمه الله تعالى فى السماء قبل الارض فالخروج عن هذا المثلث هوالورود فى الحضاره الخرافيه ومن ثم دمار الفكر وذهاب العقل. فعلينا ان نعرف تماما حضارتنا الاسلاميه الكبرى واثرها البالغ فى حياه الامم والشعوب فهى مصدر الاشعاع والتوجيه فى الامه ومظهر رقيها وكلما سمت الحضاره الاسلاميه كان ذلک برهانا على تحضر الامه وازدهارها وكلما تخلفت الامه عن حضارتها الاسلاميهكان دليلا على جهلها وتخلفها فهى الحضاره الوحيده التى تلائم الفطره السليمه وتولف بين القيم الماديه والروحيه وتكفل لمعتنقيها سعاده الدين والدنيا وناهيک فى جلالتها انها استطاعت ان تحقق فى اقل من ربع قرن من فتوحات الامان ومعاجز الاصلاح ما عجزت عن تحقيقه سائر الشرائع و المبادى . وانشات من الامه العربيه المتخلفه فى جاهليتها خير امه اخرجت للناس حضاره ومجدا وعلماً واخلاقا. بحيث صدق القرآن الكريم بقوله تعالى:

(وكنتم خير امهاخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن المنكر وتومنون بالله).

ما سادالمسلمون الاولون وانفردوا بحضارتهم وزعامتهم العلميه الا بثباتهم على مبادئهم الحضاريه الخالده وتفانيهم فى حمايتها ونصرتها. وما فجع المسلمون اليوم وانتابتهم النكسات التاليه الابالاغفال عن حضارتهم الاسلاميه وانحرافهم عنها راجيا العلى القدير ان يفهم الجميع الحضاره الاسلاميه و الحمدلله رب العالمين.

ما هى الانترنيت؟

مهدى تيماس

سوال صعب الاجابه ولكن سنحاول تبسيطه ، الانترنت او يسمي (بالنت) هى عباره عن شبكه حاسوبيه عملاقه تتكون من شبكات اصغر ، بحيث يمكن لا ى شخص متصل با لانترنت ا ن يتجول فى هذه الشبكه وان يحصل على جميع المعلومات فى هذه الشبكه (اذا سمح له بذلک) او ان يتحدث مع شخص آخر فى اى مكان من العالم .

تصفح الانترنت

فى هذه اللحظات وانت تقرا هذه الكلمات ، انت تتصفح الانترنت ، فهذا البرنامج الذى تستخدمه الآن ولكى يعمل هذا البرنامج (بالطبع) يجب ا ن تكون................ عرض هذه الصحفه يسمى متصفح الانترنت مرتبط بالانترنت.

ماهى انواع المتصفحات؟

هناک عده انواع من المتصفحات متواجده فى الاسواق اشهرها مستكشف مايكروسوفت (وتتوفرهذه البرامج يعده اصدارات، فكلما زاد رقم الاصداركلما اعتبر.............. ويليه (...........)اصدارا حديثاء ومطوراعن الذى يسبقه ، وفى كل سنه تقريبا تطرح الشركتين اصدارات مطوره من متصفحاتهم)

كبف تستخدم المتصفح؟

بمجردتصفحک لهذه الصفحه ووصولک هنا فانت تعتبر ملم (على الاقل) بمبادى استخدام اى متصفح ،كيف يمكننى قراءه الصفحات العربيه فى المتصفح؟

بما انک تستطيع قراءه هذه الكلمات الان ، فهذايعنى ان المتصفح الذى تستخدمه حاليا يدعم العربيهءولكن زياده فى العلم سنشرح لک نقاطا مهمهء:

هناک نوعان من المواقع العربيه التى تستخدم اللغه العربيه:

المواقع التى تستخدم اللغه العربيه كنص ، وتمتاز:

- الاكثر انتشارا
- يمكنک ا ن تنسخ الكلام الموجودفى الصفحات.
- تستجوب استخدام متصفح يقرا (يفهم) النص العربى
- سريعه التصفح

المواقع التى تستخدم اللغه العربيه على هيئه وتمتاز:

- اقل انتشارا
- لا تستوجب استخدام متصفح يدعم اللغه العربيه (لان اى متصفح يمكنه عرض الصور)
- بطى التصفح
- لا يمكنک نسخ الكلام المكتوب (ولكن يمكنک حفظ الصوره)

بمناسبة ذكرى مرور اربعين يوما على رحيل الشاب الفقيد عبدالخالق الصخراوى

يقولون ان الموت صعب على الفتى ومفارقة الاحباب والله اصعب

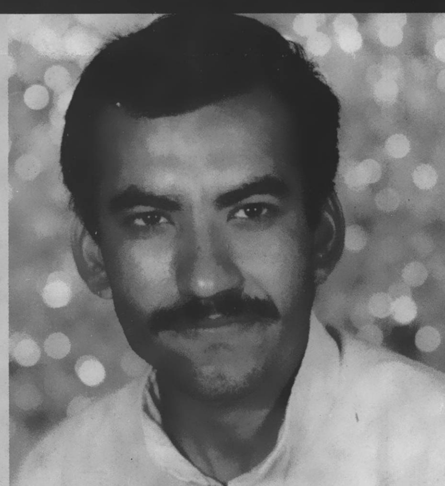


ان فقدالاحبه اصعب مايمربه كل انسان فى ايام حياته حيث تعكرعليه صفو عيشته وتلقى بظلالها السوداءعلى كافه مراحل العمروتحفرفى عمق وجدانه خواطر مولمه ومحزنه تبقى مخيمه عليه مدى الحياه وامتدت يدالقدرلتنال هذه المره شابامن صفوه ابناء نا فى الاهوازلتسله من بين اهله واخوانه وتترک قلوبهم مفجوعه وحزينهاثرهذاالمصاب الجلل الذى حل بهم وعبث فى آمالهم وبدد طموحاتهم.انه الموت والمصيرالمحتوم الذى يفرق الجمع ويشتت الشمل ويترک الديار بلاقع، امرلابدمنه ولامحيص عنه. نعم لقدطالت يده الشاب المهذب المغفورله عبدالخالق بن الحاج كاظم الصخراوى بعدعشرهايام فقط من حفل زفافه وهوبعدفى عزشبابه وعنفوان عمره.

فاليكم نبذه من سيرته الذاتيه، كان يوم۲۱من شهر فروردين من عام ۱۳۶۳ يوما سعيدا وبهيجامن فصل الربيع ولدفيه طفل للحاج كاظم اطلق عليه اسم عبدالخالق ليكون بهذا قد احسن تسميته وكان الوليدالسعيدهذامحبوبا لدى سائراعضاءالاسره واحبه الجميع وساهم كل على قدر وسعه فى تنشئته وتربيته والعنايه به ولعبواد ورافاعلاوبارزافى تكوين شخصيته منذنعومهاظفاره و تركوا بصمات واضحه تجلت فيما بعد و انعكست على سلوكياته و تصرفاته المتزنه تدل على نشاته الايمانيه وتهذيبه الروحى الذى بقى ملازما للمرحوم طيله حياته القصيره. كانت ولازالت اسرته قويه التمسک بالتعاليم الدينيه و مذهب اهل البيت الرسول الكريم (ص) ومحافظه على القيم العربيه والدينيه وتربى عبدالخالق فى احضان هذه الاسره العريقه التى حرصت على تربيه ابنائها تربيه اسلاميه متوافقه مع معاييرالمذهب الشيعى الذى يعتنقه كافهابناء الشعب الاهوازى المسلم واسترعى بذكائه الفائق وذهنه الوقادانتباه الآخرين وجلب انظارهم نحوه حتى اعجبوا بنبوغه العجيب الى ان بلغ سن السادسه فدخل المدرسهالعلامه الامينى الابتدائيه ليبدا مشواره العلمى و الدراسى وعلى الرغم من صغرسنه اخذيطرح تساءلات فوق مستواه الابتدائى تنم عن دقته وفراسته القويه لذلک يثيراستغراب ودهشه المعلمين والمعنيين بشانه و اخذوا يعتنون بامره ويهتمون بتعليمه وتثقيفه اكثرمن ذى قبل كى تزدهر طاقاته منذ سنه المبكروباكوره المراحل الدراسيه فاتم هذه المرحله بتفوق وتميزفاق زملائه واقرانه فى الدراسه واصبح يتدرج فى كسب العلوم واقتناء شتى المعلومات العصريه ولما دخل المدرسه الصناعيه الفجرتفجرت قدراته فى مجال التقينه الصناعيهوبعدان انهى هذه المرحله واصل دراسته العليا فى فرع مكانيک السوائل بجامعه كرج الاهليه وخاص غمارالعلوم و التكنولوجيا الحديثه حتى صار متفوقا فى القسم وكتب بحثاعلميا وصناعيا موسعاحول فرعه الدراسى اصبح فى حينه احدالموادالدراسيه فى بعض المعاهد الصناعيه فى الاهوازوكان المرحوم الخالق يحب من ضمن هواياته الرياضه البدنيه وكره القدم وحازعلى العديد من الشهادات والالواح التقديريه فى مختلف المسابقات والمباريات الرياضيه وقام بتاسيس نادى فولاد لرياضه كره القدم فى مدينه كرج فى ضاحيهالعاصمه. وعشق من صميم قلبه اهله وبنى جلدته فى الاهوازوكان يضحى من اجل رفع المستوى العلمى والرياضى للشباب الاهوازى ويحثهم على طلب العلم ودخول المعاهد العلميه والجامعات لنيل المراتب الاكاديميه العليا ويعتقد ان هذا هوالطريق الوحيدوالامثل لرقى الشعوب وتطورها لتسجل اسمها فى قائمه الشعوب والدول المتحضره والمتطوره فى هذا العصرالذى اتسم بالحداثه و العولمه والانترنت والاتصالات و وسائل الاعلام المختلفه.وكان عبدالخالق الى جانب هذاكله مهتما بايمانه العميق بالدين الحنيف ولم يترک شكل كبير بقراه القرآن وتلاوهآياته المباركهفى شهررمضان الكريم ليهذب نفسه ويقوم طباعه ويحسن اخلاقه فى رحاب الشريعه السمحاء والسيره النبويه المطهره وتعاليم اهل البيت عليهم الصلاه والسلام وكان يساعد ويمد يدالعون الى الطلبه ذوى الحاجه والدخل المحدود مما اثر فى ثوقيق عرى الصداقه والزماله بينه وبينهم طيله فتره الدراسه. نعم الكلام حول عبدالخالق الصخراوى كثيرولكننا ارتاينا الايجاز وابتغينا الاختصارونقول اخيرا انه ممايحز فى النفوس ويحرق القلوب. ان هذا الشاب المومن قدلقى حتفه بعدان عقدحفل زفافه بعشره ايام فقط وذلک بعدان ابتلعته امواج شط (الدز)فى دزفول وختمت حياته الحافله بالنفع والفائده و الذكريات الجميله والخالده و تركت اسرته وذويه فى حزن عميق وصراخ وعويل وحزن عليه كافها صدقائه وزملائه وجيرانه وترک خله وثغره وحرقه فى القلب ورفرف طائرروحه الطاهره نحوالملكوت الاعلى والتحق بربه الكريم ووفد على نعيمه ورحمته الواسعه فرحمه الله تعالى وتغمده بواسع غفرانه واسكنه فسبح جناته والهم ذويه الصبروالسلوان وجبرمصابهم الجلل انه سميع مجيب.

شذرات من حياه الشاب الاديب الراحل جمال الدين المحسنى

مذ جئت حتى قضيت نحبک ، بال   علم و نشر العلوم كنت تجاهد
اخلصت لله لا لمن دونه   و داعيا للغفار و الله شاهد



هو جمال الدين فاضل بن عبدالكريم المحسنى الربعى (عباس) ، شاعر واديب ولد وترعرع فى مدينه الفلاحيه فى اسره تمتد جذورها الى بلاد المشرقين ومحتضن الحرمين الشريفين و الى المدينه المنوره بالتحديد ، نقطه الاشعاع القدسى والدعوه النبويه الخالده ، نشا منذ نعومه اظفاره محبا للعلم والادب وعاشقا للثقافه العربيه كان فى صغره تعتريه الفرحه الغامره اذا ما سمع باحد يحفظ بيتا من الشعر العربى او قصه من التاريخ العربى التليد ، وتراه يسال من هذا و ذاک عما يحفظون من شعر ويتلذذ بالاستماع اليهم و التحدث معهم ، وكثيرا ما كان يجلس الى جده لابيه ، عبدالكريم ، ليحكى له قصه او يطربه بابيات من الشعر او قصائد منه ، حتى وصل به الامر الى ان يضيق ذرعا بالدراسات التقليديه السائده فى المنطقه التى يعش فيها اذا انها لم تكن تل-بى حاجته او تروى اوامه وظماه الى العلم والادب العربى الاصيل ، ما ادى به الامر اخيرا الى عدم اكمال دراسته الثانويه ، فنذر حياته و فكره للادب و الشعر و الثقافه الادبيه الضاربه فى جذور المجد العريق ، فبدا يقرا دواوين الشعراء العظام امثال المتنبى وغيره بنهم «و يشترى الدواوين الشعريه لكبار الشعراء و الكتب الادبيه للكتاب و الادباء المعروفين امثال طه حسين وعباس محمود العقاد و غيرهم ، و ظل يشترى و يشترى حتى كون لديه مكتبه تليق بالمتادبين ومحبى الشعر والقراءات باشكالها و انواعها المختلفه يصقل الذهن و يشحذ الفكر و يقومه ، فتكونت عنده حصيله علميه غزيره ، فحفظ الشعر طفلا و انكب على دراسته شابا و قاله و برع فى قوله بعد ان تمكن منه و درس اساليبه و فنونه ، علما بانه كان يقول الشعر منذ صباه و لكنه قد برع فيه بعد ان فهمه وعرفه حق معرفته الى درجه انه قد اكتشف عله من العلل العروضيه وهى « فاعلياتان » فى بحر الرمل وسماها « المسبل » اضافه الى العلل الثلاث : المذيل و المسبغ و المرفل ، و وضع للبحر الطويل وزنا مجزوءا و نظم عليه ، اذ لم يعرف الطويل الا كاملا تاما غير انه - رحمه الله تعالى - ابتعد عن الاضواء وكره البروز فى المحافل والمنتديات و ذلک مما كان يواخذ عليه و لكنه لم يكن يبخل على من جاء يساله او ياخذ منه ، من علمه ، برحابه صدر و بشاشه وجه و هو فى محل عمله (الخياطه) او بيته او بيوت من يدعونه لزيارتهم و تعليمهم العلم المفيد من علم التجويد للقرآن العظيم او العروض او غيره من العلوم الخاصه بادب لغه القرآن الخالده ، وقد اختاره الله تعالى الى جواره فى الخامس عشر من رجب الحرام سنه خمس و عشرين و اربعماءه والف للهجره النبويه الشريفه الموافق للحادى عشر من الشهر السادس (السنبله) لسنه ثلاث وثمانين وثلاثماءه والف شمسيه عن عمر يناهز التسعه والثلاثين عاما اثر حادث سير ، اذ ضربته سياره مسرعه من الخلف بينما كان راكبا دراجته الهوائيه عائدا من محل عمله ، فسقط على راسه مما ادى الى كسور فى جمجمته حيث قضت عليه بعد مرور يوم رقد فيه - رحمه الله تعالى - فى المستشفى حيث فارق الحياه فى عمر الزهور ، و قد حضر جنازته جمع غفير من الناس من شتى انحاء المدينه و المدن الاخرى سائلين الله له الرحمه والمغفره وان يسكنه بفضله الفردوس مع النبيين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئک رفيقا و «لا حول ولا قوه الا بالله » عليه توكلنا و اليه انبنا واليه المصير، فالقلب يحزن والعين تدمع و لا نقول الا ما يرضى الرب و انا لفراقک يا (جمال الدين)لمحزونون .

الابيات للمرحوم جمال الدين المحسنى

حان القطاف

باب التخاذل يا اخواننا رتجا   حان الجهاد هنيئا للذى ولجا
هذا الجهاد سنام الدين ذروته   من خاضه قربه نال الرجا ونجا
فلتمتطوا صهوات الخيل فى ظلم   و من سنابكها فلتوقدوا سرجا
هيا انهضوا يا بنى الاسلام قاطبه   ذا القدس تندبكم فلترخصوا المهجا
هيا انهضوا يا بنى الاسلام وامتشقوا   سيوف عزكم ولتنفروا لججا
هيا انهضوا ربنا الرحمن يكلوكم   وصيروا للعلى ارواحكم درجا
سووا الصفوف وسلوا سيف مجدكم   حان القطاف فراس الشرك قد نضجا
سووا الصفوف صلاح الدين قائدكم   هيا انهضوا فصباح الثوره انبلجا
واستاصلوا لبنى صهيون غرقدهم   بئس الملاذ لهم ولتحصدوا الهمجا
فاليوم امتنا بركانان انبجست   فارت مراجلها و الشارب اختلجا
قم يا على اشراب اليوم مرحبهم   و لتفلقن مفرقا بالشرك قد مرجا
قم يا صلاح اعد حطين ثانيه   و خض بنا نهر الاردن والخلجا
فالقدس صارخه تدعوك لب لها   نداء من يلج الاهوال مبتهجا
فلتضربوا يا صلاح الدين هامتهم   و ابدا بهامه من عن امرنا خرجا
واستاصلن شافه الانجاس من حرم   ولتتضربوا منهم الاعناق و العفجا
ذا القدس مسرى رسول الله صلوا على   محمد من به نحو السما عرجا

يوم المعلم

يوم المعلم عيد المعلم والعلم   لولاه ما ارتقت الاجيال للقمم
و ماخطا خطوه نحو العلى علم   و ما سما فى سماء العلم من علم
و ما نمت ثروه نفط ولا ذهب   و ما رست لاقتصاد قط من قدم
اثبتنى امه مجدا بلاقلم   ان كان ثمه مجد فهو للقلم
تمج جلفته نورا ومشرجه   له تئن بلا زيت من العدم
فكل من حاز كرسيا ضعيفته   كل له خدم امسى من الخدم
معلم القوم شمس لا غناء لهم   عنها فان اطفئت لا خير فى الظلم
فى عيده يمنح الاوراق فارغه   من العطاء ليطهوها بلا ادم
تمضى الشهور و قرض الناس يقرضه   انى يسير يستتر عن عين ذا و فم
ويشتكى فاقه دهرا ومعسره   معاشه بلغه و السوق كالحمم
ضيق اضر به قد تاه مقوده   فى لجه بين تيار من الغمم
اعد بعضهم فى البيت مدرسه   قد تل طلابه كالذئب فى الغنم
فلم يجد غير طلاب يلوذ بهم   مستضعفان ! الا ياهيئه الامم
هذى معاناته من ذا يسانده   كى لا يصير بلا ال ولا ذمم

عن لسان حال والد الفقيد

شربى

اغراب البين صوته النعب شربى   او شعاين صوب درب الولد شربى
سم صار ابفگد عباس شربى   او بگه غيم الاسى امچلچل عليه

ونى

يشيال النعش بالنعش ونى   لما يخلص ابگطع النفس ونى
ما بطل الدمع والنوح ونى   اسلى الروح بالونه الشجيه

شفراك

شصفج يمنتى ابيسراى شفراك   او شگل چبدى الفراه الحزن شفراك
من عينى التصب الدمع شفراك   عليه او حيل ما ظل بعد بيه

وعن لسان حال اخ الفقيد

خله

يحگله المات اخو والرحل خله   لون بى صارت اعله النظر خله
كتلنى افراگ اخوى الشهم خله   ابدليلى اجروح اخو الفاجد خويه

لاوين

اون و يريدنى المايون لاوين   الچفى چفوف غدر الدهر لاوين
يحادى ابنعش اخوى اتريد لاوين   مريده ايعوفنى او يبعد عليه

جمال الدين المحسنى (عباس)

المثقف الأهوازى فى الميزان

من الوفاق الى الشقاق

القسم الخامس

قاسم كعابى

المثقف يمكن ان يكون سياسيا اذاوعى سياسه ناسه ويمكن ان يكون ضدثقافى اذافرض على ناسه مايعيق ثقافتهم حتى لوتوهم انه الاحسن له ولهم ((على ان لا يهم،ان كان السياسى المثقف حاكماثوريااو معارضافالشروط المذكوره يمكن ان تصنف،كمثقف من الدرجه الاولى كلا من زاباتاوجيفارا بالدرجه نفسهاالتى تصنف بهاونستون تشرشل واى داعيه روحى قادقومه و الناس نحو الارقى، اما السياسى الذى لايصعد الى درجه مثقف، حتى لوكان وزيرا متميزافى وزاره مسئوله عن التربيه او الاعلام اوعن الثقافه نفسها فهوالسياسى التكنوقراطى المتخصص جدا فى نوع نشاط وزارته فقط دون وعى بحركيه وعى ناسه وتوجهاتهم الكليه معاوعلاقه ذلک بمايقوم به))۲۳ وهناک السياسى (ضدثقافى) نجدعلى الجانبين احدهم ذلک الحاكم الشمولى الذى فرض فرديته السلطويه لتاكيد ذاته ونفع بطانته اوطبقته الاقليه على حساب سائر الناس وضد مسيرثقافتهم،ان هذامايعانيه العالم الثالث عامه وعلى الجانب الآخر نجدسياسياثورياشديدالحماس بالغ الاخلاص لكنه يصنف ايضا ضدثقافى،نتذكرذلک بدءا من وهم افلاطون وامثاله عن(الفيلسوف الحاكم)وصولا الى لنين وماوتسى تونج وبشكل اكثر تحديدااستالين ان كل هولاء الساسه بتاريخهم الثورى ليسوا مثقفين لانهم لم يمثلوا ثقافه ناسهم،جغرافيا وتاريخيا لانهم لم يبداوامن (لاوعى جماعتهم ولم يستلهموا آليات تطويرها منهم))۲۴ ومن هذاالمنطلق نصل الى هذا السئوال ((هل المثقف هومستوعب يضيف ام انه معقلن يحكم من اعلى؟))۲۵ والاجابه على هذه التسائلات((ان على من يتصدى لدور المثقف ان يبدامن حيث وعى ولاوعى ناسه معا لا من حيث مايتصور ولا من حيث مايامل ولا من حيث ما يحسب انه ينبغى ان نكونه حسب النموذج الذى فى ذهنه))۲۶ وهذه النظره حول دور المثقف من البعد التحليلى الذى يعتمد على معرفه الوعى واللاوعى للمجتمع معاحتى يستطيع من خلال البعد المعرفى،معالجه مشاكله الاجتماعيه والثقافيه .ويقوم بقياده شعبه الى برالامان ولكن هنالک راى آخرحول مايفكربه المثقفون،لان دورالمثقف ياتى من خلال افكاره التى تربطه بالسياسه والمجتمع ويقول هذا الراى((ان المثقفين يفكرون حسب منطقين،القسم الاكبرمنهم حسب الفكر التقليدى السلفى والباقى حسب الفكر الانتقائى وان الاتجاهين الاثنين يوصلان الى حذف ونفى العمق التاريخى)). ۲۷و،يركزعلى اهميه الفكر التاريخى الذى يكون واقع العرب اليومى وواقع خصوم واعداء العرب ويشيرعلى ان((كل مايودى اليه الفكر الاتاريخى هوالعجزعن ادراک الواقع كماهو،اذيمحومنه بعدا من ابعاده المكونه له وان نتيجه الفكر الاتاريخى سيودى الى التبعيه وعلى كل المستويات ومن طبيعه الانتقائيه والفكر التقليدى يفتحان الابواب لكل الموثرات الخارجيه))۲۸ و يضيف((ان التبعيه الظاهره والخفيه،لاتعنى فقط عدم الاستقلال والاستغلال اى انهالاتخدش فقط الكرامه القوميه والمصالح الماديه،بل تعنى كذلک تعميق واستمرار التاخرالتاريخى ويوكد على ان((هذين الاتجاهين يخدعان المثقف ويغريانه بنوع من الحريه الذاتيه يظن انه يملک حريه الاختيار،وانه قادر على ان ينتخب من انتاج الغير احسنه))۲۹ والمفروض((ان سير التاريخ لا يتوقف على المثقف، لكن المثقف مطالب بالخضوع الى قوانين التاريخ ان ارادان يكون له وجود وتاثير)۳۰ اذن فالمثقف فى مسيرته الفكريه يسيرحسب ظروفه الاجتماعيه التى يستنتجهامن الضغوط الخارجيه والعلاقات الطبقيه حيث تلهمه ايديولوجيه خاصه به وتصبح هذه الحركه فئويه وليده الواقع الاجتماعى والموثرات الخارجيه والداخليه ومن هذا المنطلق كل فئه تستخدم الفكره التى تكرس مصالحها ولايعنيها اكانت فى اساسها اصيله ام دخيله عصريه ام عتيقه وبعدها هذا التكتل يودى الى صراع مصالح يفسره التباين المنهجى ولوكان المتصارعين يحملون ايديولوجيه واحده ،من هنا يبرز بوضوح دور المثقف المزدوج((يتاثرون بالصراعات التى تمزق مجتمعهم ويعكسونها، لكنهم فى نفس الوقت يبدعون اويقتبسون ويروجون الافكاروالرموز والشعارات التى تقدم للفئات الاجتماعيه لكى تستخدمها فى الدفاع عن مصالحهااا.منه تنقسم كل نخبه مثقفه على نفسها طبقا لتقسيمات المجتمع .وهذه حقيقه لكنهالاتنفى حقيقه اخرى تتبلور فى هذا السوال:ماهو المنهج المتغلب عليها الميثولوجى او الموضوعى))۳۱؟

فماتقتضيه الظروف الراهنهوماتفرضه على المثقف هواتخاذ منهج الموضوعيه و الاعتمادعلى المنطق العلمى المدروس والفهم المجتمعى للواقع فى الداخل والخارج ومحاوله تقرب المجتمع من المستوى اللائق به فى ظل التطورات الاخيره فى العالم لان الاحداث تحمل فى طياتها الكثير من التناقضات والمفاجئات اذا كان يريد ان يشترک فى تطوير بلده هذامايصر عليه المفكرون العرب وغير العرب ولكن ((موقف المثقف فى البلادالمتخلفه ذوطابع مزدوج يطبق من جهه المنهج الموضوعى على مجتمعه،فيربط الايديولوجيات بالاوضاع الاجتماعيه والاقتصاديه ويبرركل ظاهره.يفسرلماذاتستولى حركهرجعيه فكريا على اذهان المستضعفين ولماذاتخفق الحركات الليبراليه الديمقراطيه وتجد الماركسيه صعوبه فى الانتشاربين الفئات المضطهده))۳۲ولكن اذاتغلب المنهج الموضوعى على المثقفين سوف يصلون الى مجتمع متماسک ومتضامن يحطمون امواج الاخطار والتحديات على صخره الصمود .وتتبخر الموامرات امام اراده الشعوب ،مااجمل التعبير الذى يقول ((اذاتغلب المنهج الموضوعى تحصل بالضبط ثوره كوبرنيكيه. فكوبرنيک لم يغير من الكون شيئا.وضع الشمس محل الارض،فانقلب كل شىء فى ذهن الانسان ولم يتغيراى شىءفى الكون،كذلک اذارجح المنطق الموضوعى على المنطق التقليدى سيبقى موقع المجتمع بين المجتمعات الاخرى هوهو،ومصالح الفئات وبرامجها الاساسيه هى هى،والنخبه موحده فى ولاءاتها وتطلعاتها،وفى نفس الوقت يتغيرفهم الاوضاع وشرح البرامج وتبرير المصالح ،ثوره كوبرنيكيه،ثوره ثقافيه لاتعنى قلب اوضاع الحاضر وانماامكانيه التطور الدووب فى المستقبل.))۳۳هذا مايوكده الالتزام بالموضوعيه لكى لايصبح المجتمع فريسه للمستغلين والانتهازيين الذين يتربصون بالشعب ويساعد ايضا على نبذ الصراعات الطبقيه والقبليه لان الكثير من المجتمعات تستحوذ عليهاذوى المصالح الخاصه وتنتهز هذه الفئات الفرص وتستغل الافرادبكل الوسائل ومن ضمنها التبريرات العرقيه والايديولوجيه ولكل فئه ممثلون فى النخبه المثقفون يعكسون تطلعاتها،يحررون برامجها ويختارون شعاراتها.

المصادر

۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-المصدرالسابق ص ۱۷-۱۸

۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳- عبدالله العروى/العرب والفكر التاريخى ص۲۰۵و۲۰۶و۲۵و۱۷و۱۸و۲۰

قیل وقال

عدنان غزی بعنوان مدیر عامل سازمان خدمات موتوری شهرداری اهواز منصوب شد.

لازم به ذکراست ،حاج عدنان غزی فوق لیسانس ادبیات عرب وقبلا مسئول حراست سازمان تعزیرات حکومتی استان خوزستان بوده است.

برگزاری نمایشگاه اداره کل اطلاعات خوزستان در هفته گذشته، گامی بس اساسی برای نشان دادن هوشیاری نظام مقدس جمهوری اسلامی در تمامی زمینه ها والقاء امنیت وآرامش به همه ی هم استانیهای عزیزبود.

یکی از مجمع پیمانکاران وفرهنگی ها که ید بیضایی در جمع کردن آشغالهای مناطق شهرداری وپیگیری امور مربوط به ..... دارد اینروزها برای گرفتن مجوز پیمانکاری (کارت پارک) به سازمان مربوطه تردد زیادی دارد، جا دارد مسئولان مربوطه با این نور چشمی ها که دست « آقازاده ها را از پشت بسته اند همکاری زیادی داشته باشند تا همچنان «سرکار» بمانند.

حاج محمد سعید انصاری نماینده دوست داشتنی شهر آبادان این روزها در تلاش است تا اروند کنار را به شهرستان ارتقاء دهد.این موضوع مراحل کارشناسی را سپری می کند.

بعضی ازمردم دشت آزادگان از عدم تحقق وعده ها وشعارهای داده شده توسط نماینده مجلس شورای اسلامی شهرستان ناراحت هستند ومیگویند:ای کاش حضور فیزیکی وی در شهرستان به اندازه ده درصد پوسترهای تبلیغاتی وی که روی دیوارها چسبانده شده، باشد.

آقای کریم بنی نعیم شهردار سابق هویزه بعنوان بخشدار جدید این شهر بجای آقای ادیبی تعیین گردید وآقای ادیبی بخشدار سابق به سمت معاونت فرمانداری دشت آزادگان منصوب شد.

اینروزها اتاق شماره ۲ شهرداری که متعلق به (مرد در سایه ی) شورا وشهرداری است شاهد برگذاری جلسات می باشد تا شاید بتوانند « مرد درسایه» راوادار به خانه نشینی نمایند، زیرا اعتقاد دارند تاریخ مصرف وی گذشته است.

بزودی یکی از یزرگترین توریمنتهای بین المللی فوتبال در خوزستان به همت هیئت فوتبال خوزستان وشخص دهکردی رئیس این هیئت برگزار خواهد شد این مسابقات با حضور تیمهای ملی جوانان برزیل ،هلند، ژاپن ، ازبکستان، تیم ملی جوانان تیمهای صنعت آبادان استقلال اهواز وفولاد خوزستان برگزار می شود.

بنا به خبرهای رسیده سرپرست جدید شهرداری هویزه بدون هماهنگی با اکثریت اعضای شورای شهر وبصورت چراغ خاموش تعیین شده است.

تنزل شعبه مرکزی بانک ملی شادگان از درجه ۲به درجه ۳باعث ازدحام بیش از حد وتراکم کار در این شعبه شده است.لذا مسولین شهرستان وامور شعب بانک ملی جهت حل مشکل مردم این شهرستان راه حلی پیدا کنند.

فرق ومذاهب خوزستان از وروداسلام تا تشکیل دولت صفویه

دکتر عبدالحسین میلانی عضو هیئت علمی
گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

اما نامگذاری آنها به قرامطه بنا بر شش قول است:

۱- آنان به این نام نامیده شده اند به جهت اینکه اولین کسی که نسبت به آنها ابراز محبت کرد محمد الوراق کوفی مقرمط بود.

۲-آنان رئیسی داشتند از اهالی سواد واز نبطی ها ملقب به قرمطویه بوده پس به او نسبت داده شدند.۳

-اینکه مقرمط غلامی بود از غلامان اسمعیل بن جعفر پس به او نسبت داده شده اند، زیرا گفته های آنان را بوجود آورد.

۴-اینکه رئیسی از داعیان آنها به پیش مردی فرود آمد که کرمیه خوانده می شد پس چون فوت کرد به قرمط بن الاشعث نامیده شده سپس اورا به مذهب خویش در آورد.

۵- یکی از داعیان آنها مردی است که کرمیه خوانده می شد پس چون رحلت کرد به اسم آن مرد نامیده شد. پس اسم آن کوتاه شد وقرمط خوانده شد. اهل سیره گفته اند که آن مرد داعی از اهالی خوزستان بوده است که زهد و پرهیز گاری نشان میدهد و پوشاک درختان نخل را می بافت و از کسب خود نان می خورد واز خاشاک نخلهای مردم محافظت ونگهداری می کرد وبه مردم نماز می خواند وروزه می گرفت در موقع افطار رطلی از بقالی می گرفت وافطار می کرد وهسته های آن را جمع می کرد وبه بقالی بر می گرداندوسپس با او محاسبه می کرد، آنچه رااز او می گرفته بود ومی پرداخت ، وچون نجاری که نخلهای خود را به اوداده بودند شنیدند براو پر خاش کردند واورا کتک زدند وبه او گفتندبه خوردن خرما راضی نشدی سپس هسته های آن را هم فروختی؟

بقال آنها را از ماجرا آگاه ساخت پس پشیمان شدند از زدن او و از وی حلالیت وپوزش طلبیدند .(۵۴) وچون کسی به پیش او می آمد امور دین رابه او یادمی داد واورابه زهد سفارش می کرد، ومی گفت نماز واجب بر مردم پنجاه نماز است ومردم را به امامت امامی از اهل بیت رسول الله دعوت می کرد، در قریه مردی بود که چشمان قرمزی داشت ومردم روستا اورا کرمیه می نامیدندبه جهت سرخی چشمان وبه نبطی به معنی گرم چشم است او این مرد علیل رابه منزل خود برد ومردم روستا رابه دیدن او سفارش کرد، دوازده نقیب تعیین کرد ومردم رابه دین خود دعوت کرد وبه آنها گفت شما مثل حواریون عیسی بن مریم هستید.(۵۵) بیشتر کشاورزان دعوت اورا پذیرفتند ، شخصی به نام هیصم ملکی داشت وچون در آبادی آن نقطه مشاهده کرد وبه او گفتند مردی دینی آورده وکشاورزان رابه دور خود جمع کرده وی آن مرد رازندانی کرد. کنیزکی دلش به حال او سوخت کلید رااز زیر سر هیصم ربود وزندانی را آزاد کرد، چون هیصم درب اطاق را باز کرد اورانیافت، این مسئله شایع شد که مرد به آسمان رفته ولی عده ای از یارانش اورا در محل دیگری دیدند وی گفت کسی نمی تواند مرا آزار دهد پس به شام رفت ودر آنجا به نام مردی که در خانه اش بود کرمیته نامیده شد، وگفتند قرمط، چون راز او فاش شد با صاحب الزنج مقابله ای داشت در مقابله به توافق نرسیدند وجدا شدند.

منابع:

۵۴-ابن جوزی، عبدالرحمن، المنتظم ، جلد۵ص ۱۱۱
۵۵-ابن جوزی ، عبدالرحمن، المنتظم،جلد ۵ص۱۱۱

باچه وسیله ای می توان دانش آموزان را با انگیزه ساخت؟

قسمت اول - سعید لفته پور -کارشناس روانشناسی



روان شناسان در نتیجه پژوهشهاوبرسی های گوناگون وپی گیری در یافتند که بیشتر رفتارها ی آدمی بعلت خاصی پدید می آیند . چنانچه وقتی در گذشته در یک باغ وحش در ایتالیا بر اثربی مبالاتی نگاهبانان شیری از قفس بیرون می جهد وخود رادر برابر انبوه جمعیت پراکنده، آزاد می یابد وآماده حمله به مردم می شود . در این گیرودار، زن جوانی که دامن بلند چین داربه تن داردوکودک زیبای یک ساله ای درآغوش داشت، مانند دیگران پا به فرار میگزارد.

اما دامن بلند او به پایش می پیچید واورا به زمین می اندازد وکودک از دستش رها می شود . شیر که جمعیت را دنبال می کندبه بالای سر کودک می رسد وتا می خواهد دهان باز کند وکودک را به دندان بگیرد، مادر سر می رسد وچنان جیغ جگر خراشی برسر شیرمی کشد که حیوان درنده کودک را رها می کند وبه سوی دیگری روی می آورد . در اینجا رفتار مادرمعلول چه عاملی است؟ روانشناسان این رفتار را انگیزه مادری می خوانند همچنین ،شیری که به کمین می نشیند ودر سر چشمه ی آب به جانوران حمله می کند ، چه علتی در پی این رفتار نهفته است؟ پژوهشگران روانشناسی آن را انگیزه گرسنگی نامیده اند . نیز دانش آموزی که هرگز از مدرسه غیبت نمی کند وتکالیفش راهمیشه به خوابی انجام می دهد وگاهی نیز به کلاسهای فوق العاده می رود وبیشتر تفریحات خود را فدای درس ویادگیری میکند چه مشوق وچه عاملی بیانگر این رفتار است؟

این انگیزه را نیز انگیزه موفقیت نامیده اند .

تلاش اغلب معلمان ، به جای افزایش انگیزه یادگیری در دانش آموزان ، اغلب صرف آرام ساختن ومنضبط نگه داشتن کلاس می شود.

تقریبا هر کاری که درکلاس انجام می دهیم ، شیوه انتقال اطلاعات به دانش آموزان ، نوع تمرین مورد استفاده ، شیوه معامله با دانش آموزان وفرصتهایی که به دانش آموزان برای انجام تمرینهای گروهی وانفرادی می دهیم اثر انگیزشی برروی دانش اموزان دارد .دانش آموزان براساس اینکه ما چه کسی هستیم و چه کاری انجام می دهیم وبا توجه به میزان آرامشی که درکلاس ما احساس می کنند به ما واکنش نشان می دهند .

با وجود این اثرات انگیزش ، ما(معلمان) ابزار کمی برای درک وبرانگیختن انگیزش ونحوه افزایش آن دردانش آموزان داریم .

مع هذا تحقیقات نشان می دهند ،هنگامی که یادگیری برای افراد معنادار شده ورابطه آن را باسایر مطالب دیگردرک می کنند ، روابطشان با معلم،حمایت گرانه واحترام آمیزاست وترس از شکست ندارند ، بطور طبیعی باانگیزه می شوند. به دیگرسخن انگیزش ، ظرفیت ذاتی وطبیعی برای فراگیری مثبت است ونیاز به پرورش یافتن داردتا بنیان نهادن . در اصل گفته می شود که ،(خود)جزئی انرژی دهنده است که اصطلاحابه آن غریزه یاانگیزه رشد می گویند. تمامی دانش آموزان ، اعم از این که در معرض خطرباشند یا خیر، دارای توان بلقوه برای عملکرد مثبت هستند .

درتحقیقات که روی دانش آموزان ومعلمان انجام شد،این نتیجه بدست آمد که اطلاعات وباورهای آموخته شده درباره ی خود (مثل خود پنداری فرد در باره این که (من در ریاضیات قوی نیستم) نقش اساسی در انگیزش ورفتار دارد ، هرچند افراد از اینکه می توانند نحوه ی تاثیر افکار وباورهایشان رابراحساسات ورفتار خود، انتخاب وکنترل کنند، آگاه نباشند.

روانشناسانی چون ریک سوارز، راجرمیلزودارلین استیوارت ، درباره این مطالب بحث کرده اند که اگر اشخاص در بکارگیری نظام فکری بطور گزینشی عمل نکنند ، بطور ناخود آگاه ، نظام فکری خود را محدود می سازندوبجای اینکه افکارشان را کنترل کنند ، در کنترل افکار وباورهای خودقرار می گیرند. هنگامی که افراد توانایی درک وکنترل افکارشان را بدست می آورند ، می توانند خود را ازنفوذ باورهای منفی درباره ی توانا یی هایشان یا ترس از شکست رها سازند ودر نتیجه ، می توانند به سطوح عالی تر پردازش، مانند ، بینش ،خلاقیت وخردمندی وشعور جمعی دست یابند. آنها می توانند ورای نظام شناختی خودعمل کنند و فراتر از نظام باوری شرطی شده یا مبانی قضاوت شخصی راببینند. به عبارتی اغلب اوقات ، افراد از نقش خود در سازمان دهی واقعیتهای شخصی آگاهی ندارند.

ادامه دارد

قتل هاوناامنی های زنجیره ای اهواز-ملاثانی
چاشنی مهم درفراروی نهادهای امنیتی- قضاویی وانتظامی استان خوزستان

نعیم حمیدی -اهواز

قتل ها وناامنی های چهار ماه اخیرکه درمنطقه باوی (در دو نقطه ملاثانی وزرگان بیت محارب) واهوازبدلیل برخی اختلافات مالی وکینه های قبلی خصوصی میان چندنفررخ داد،ضمن به مخاطره انداختن امنیت جان و مال ساکنان ابن منطقه،وضعیت بسیارپیچیده ودرهم تنیده ای رادرفراوری دستگاههای قضایی وانتظامی درزمینه ی امنیتی قرار دارد، ومتاسفانه گذشت زمان، عدم دستگیری قاتلان وعاملان ناامنی هاوکندی حاکم برروندرسیدگی های قضایی به پرونده ها و همچنین کشاندن موضوع به متن طوایفی که طرفین درگیری به آنها تعلق دارند،علاوه براینکه فضای امنیتی وروانی منطقه رابشدت فرسایشی وشکننده نمود. همانند آتش زیرخاکستردرهرآنی باید پیامدهولناک وواقعه ی دردناکی رااز رهگذرآن به انتظار نشست، لذا در راستای فراهم سازی بسترلازم جهت درک صحیح مبتنی برواقعیت فرهنگ عمومی جامعه عشایری برای مسئولان قضایی وامنیتی نکات مهمی پیرامون پیامدهای منفی قتل ها ناامنی های مذکورونیزارائه ی راهکارهای موثرجهت برون رفتن ازکالش بوجودآمده، را تقدیم متولیان حوزه ی امنیت می داریم، تاان شاءالله شاهدبه سرانجام رسیدن این کلاف درهم پیچیده درآینده ای نزدیک باشیم:

الف)پیامدها

۱)تخریب فضای کاملابی مخاطره وسالم حاکم براین منطقه خصوصاشهرملاثانی ازآغاز انقلاب اسلامی تاکنون(منطقه ملاثانی بنابه سابقه گذشته و شهادت علمای اعلام ومسئولین ارشد کشور واستان ازجمله مناطق فرهنگ پروروداری کمترین تخلفات قضایی و انتظامی نشات یافته ازبرخی تعصبات قبیله ای در سطح استان خوزستان می باشد، که بارها ازسوی علمای استان به قم خوزستان وپایگاه و دژ نفوذناپذیر انقلاب اسلامی واخیرازآن تعبیر شده است)

۲)ایجادذهنیت منفی در افکار عمومی نسبت به عشایرانقلابی و غیوراستان ومشوه جلوه دادن سابقه دیرینه دینی،تاریخی و انقلابی آنان درسایه فزون خواهی وقانون شکنی جماعتی مجرم و شرور

۳)دغدغه آمیزشدن فضای امنیت عمومی منطقه بگونه ای که هم اکنون برخی رانندگان، کارگران ، معلمان شهرملاثانی بدلیل هراس از پیامدهای خطرناک ناامنی ها اخیرازپرداختن به کارهای روزمره خودداری یااینکه بادغدغه های روانی وتنش های ذهنی درمحل کار حضور می یابند

۴)تاکنون چند موردحمله به بنگاههای معاملات خودرو و منازل وابستگان فامیلی برخی از اهالی ملاثانی دراهوازوهمچنین چندفقره آدم ربایی،تیراندازی موردی وعمومی باهدف تهدید، ایجادرعب ووحشت وبرهم زدن نظم عمومی بوقوع پیوسته که بنوبه ی خودچالش مهمی برای امنیت عمومی ودستگاههای حافظ نظم وامنیت قلمدادمی شود.

۵)سوءاستفاده برخی سارقان مسلح،افراد شرور وخلافکار جهت بهره گیری ازفضای بوجود آمده وایجادمزاحمت برای مال و جان مردم وآنجام اعمال ضد امنیتی.

۶)شکل گیری جویی یاس آلوددرساکنان این منطقه نسبت به عملکردتوام باتسامح وتساهل وساده انگارانه ی دستگاههای انتظامی وقضایی دربرخوردبااین مقوله درهم پیچیده ی امنیتی و عدم اطلاع ازپیامدهای دردناک مرتبط باآن.

۷)احتمال شکل گیری یک بحران فراگیرامنیتی واجتماعی درقالب یک کشمکش عشایری در سایه غفلت دستگاههای مسئول ازنتایج وپیامدهای منفی پیش آمده.

ب)

۱)درک مخاطرات بزرگ این مساله ویکسان نگری دستگاههای قضایی، انتظامی و امنیتی به موضوع پرونده وفهم پیامدهای خطرناک آن برای امنیت عمومی وحوزه قدرت سیاسی حاکمیت

۲)لزوم نگرش امنیتی به پرونده ها وخرج ازنگاه صرف قضایی ولزوم حضور مباشر اطلاعات ناجا واداره اطلاعات دررندپرونده جهت کشف و شناسایی عناصر ناامنی ها وقتل های زنجیره ای مذکور

۳)دستگیری عاملین قتل ها وناامنی های اخیردراسرع وقت توسط نیروهای امنیتی وانتظامی بعنوان نخستین راهکارجلوگیری ازمشروعیت یافتن اعمال ضدامنیتی وبهانه جویی های طرفین ویاهرمجرم وسارق مسلح دیگری برای ارتکاب جرایم ناامن سازدرسایه فضای شکننده امنیتی موجود. ومجازات علنی مجرمین درانظارعمومی

۴)دقت دستگاههای قضایی و انتظامی دربرخوردقاطع با تیمهای آدمی ربایی وارتکاب جرم و جنایات شکل یافته پس ازقتل هاوناامنی های اخیرکه سبب تهدیدحاشیه ی امن جهت قاتلان واقعی گشته،،بدیهی است،سرگرم شدن مسئولین پرونده هابه افرادغیردخیل در انجام جنایات مذکوروغلطیدن آنان دردام خواسته های یک طرف ماجراضمن تشدیدفضای ناامن فرسایشی مقدمات ووقوع جنایات جدیدتوسط قاتلان واقعی بابهره گیری ازفضای شکننده ی امنیتی رافراهم می سازد.

۵)لزوم رسیدگی به موضوع توسط مقامات قضایی منطقه و استان بابهره گیری ازاختیارات قانونی مدعی العموم دربرخورد بامقوله های اخیربعنوان مصداق برهم زدن نظم وامنیت عمومی، ایجادرعب ووحشت واقدام مسلحانه علیه مردم ونظارت اسلامی، زیراتاکنون حدود ۷مورد قتل، ۱۵فقره جراحت تجاوزبه عنف، ۵موردآدمی ربایی، ۹موردتیراندازی جزئی و عمومی بابهره گیری ازسلاح جنگی خودکاربه اماکن تجاری ، عمومی ومنازل مسکونی درسایه ناامنی های اخیربوقوع پیوسته که بدلیل هراس افرادازطرح شکایات ویاناشناس بودن عاملان برای مردم شکایات خصوص به دادگاه ارائه نشده ویاموضوع به سرآنجام نرسیده واین مستلزم استفاده مسولین حوزه آمورقضایی از اخیارات مدعی العموم است تاشاهد وضعیت اسفباری همچون جنایات پاکدشت دراثراهمال نباشیم .لازم به یادآوری اکثریت مقتولین بدون گناه ودخالت درحوادث پیش آمده وحتی برخی بدون وابستگی به یکی ازطوایف طرفین درگیرمی باشد)

۶)لزوم انجام کارپلیسی واطلاعاتی منسجم درزمینه کشف جرم وشناسایی مجرمین،زیراکه مجرمین بابهره گیری ازشگردپنهان کاری وگریزوهمچنین استفاده از حوزه اقلیمی وجغرافیایی وسیع (اهواز-ملاثانی)وداشتن عناصراطلاع رسانی درونی آثارکمتری ازخوددرصحنه های جرم باقی می گذارند،لذاشناسایی آنان درقالب روش های معمول کمی دشواربنظرمی رسد. ودر مجموع می توان این حوادث را پدیده ی نوینی به چالش کشاندن وآزمودنتوان نیروهای امنیتی وانتظامی وقضایی ومدیریت سیاسی استان درمواجه باجنگ وگریزهای شهری قلمدادکرد.

ازجمله نمونه های بارزوگواه واقعی برای این اداعاهای فوق می توان به حادثه تلخ وغمبارتروریستی روزچهارشنبه سیاه ملاثانی (مورخ ۸/۱/ ۸۳)اشاره نمود،که دراقدامی مذبوحانه وبی سابقه درتاریخ منطقه عده بی جانی وقانونی ستیز بدور ازاصول انسانی ودرکمال ناباوری با به رگباربستن مردم ملاثانی مجموعه‌ای ازاماکن دولتی، عمومی وتجاری ضمن ایجاد رعب ووحشت،برهم زدن نظم وامنیت عمومی وبرجا گذاشتن یک کشته وچهارمجروح وآسیب رساندن به۱۵مغازه تجاری، ۲بانک (ملت ورفاه)، ۱۰منزل مسکونی و۷خودروی عبوری ومتوقف حوزه سیاسی حاکمیت ونهادهای امنیتی،انتظامی وسیاسی استان را نیز موردتهدیدوتجاوزخویش قرار دادند ودرفاصله دوروزپس ازآن به رگباربستن سه نفردرفلکه فرودگاه وقتل مشکوک ۲تن ازآنهافاجعه دیگری بود،که احساسات ووجدان عمومی جامعه راجریحه دار ساخت. درهرحال امیدواریم با درایت وتلاش مسئولین ودستگاه های متولی امنیت ونظم شاهدپایان این فتنه مذکوروضدامنیتی ومتضاد بامنش وفرهنگ عشایر غیور و ولایت مدارایین خطه ازاستان خوزستان باشیم. یقینارایزنی ونواندیشی وسعی کارساز ارباب جرايد، مسئولين دلسوز،علمای اعلام و روحانیون ذی نفوذ در جامعه، در روشنفکران، نویسندگان، فعالان فرهنگی و اجتماعی و خصوصا نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی درزمینه ارائه راهکاری های منطقی ومبتنی برحفظ اقتداروعزتنظام ومردم برای برونرفت جامعه ازاین بحران امنیتی واجتماعی می توانندنقطه پایانی برای التهاب هاودغدغه ها ونیز التیامی بردردهای مردم نجیب، محروم وشهید پروراین خطه پیرامون گسترش ناامنی ها وکشتار بی گناهانباشد.

دختری از هُور

قسمت هشتم

نویسنده توفیق ربیعی

آنچه که گذشت:حلیمه بادختر ۸ساله اش (جمیله) و منصورسه ساله درروستای ابوگطیله (نزدیک مرزعراق)زندگی می کنند بعدازمرگ همسرش حمد، خود مسئولیت نگهداری از فرزندانش رابه عهده گرفت حصیروزنبیل میساخت و آنهارابرای فروش به شهرمی برد... ایوب بعد ازشنیدن خبرمرگ مشکوک حمد درسال ۵۹ به روستا بازگشت...حلیمه قبل ازازدواج،خودومادرش تحت ظلم عوفه قرار گرفته بودند...

یک روزکه حلیمه گاومیشها به رابه هور برده بود دربرگشت متوجه شد که مادرش ازعوفه کتک خورده است...

باعوفه درگیری لفظی پیدا میکند...ابوسعدحلیمه رابه شدت کتک می زند...سرحلیمه بربالین مادر بود...مادرگیسوی حلیمه رابازکرد گویی درگذشته سیرمی کرد.زمانی که حلیمه دختربچه ای ۱۰ ساله بیش نبود...

دختری چالاک،زیباوبانشاط...همه ی فامیل دربین خودصحبت ازنامزدی حلیمه برای پسرشان می کردند بخصوص ایام عید سعید فطرکه همه ی فامیل ازدورونزدیک برای تبریک به خانه آنهامی آمدندوقیافه ی زیبای حلیمه باآن چشمان نافذش رامی دیدند.

این صحبت هاافزایش پیدامی کرددرهمه ی این گفت وشنودها حلیمه نگاههایش رابه چشمان زغالی مادرمی انداخت گویی می خواست درنگاههایش به مادربفهماندکه جلوی این حرفهارابگیردواو حالا حالاهانمی خواهد ازکانون گرم خانواده اش دورشود امامادربه گونه ای دیگرفکرمی کرد غالب دختران درسنین پایین ازدواج می کنندحلیمه هم نمی توانست ازاین قاعده مستثنی باشد ستردختریعنی شوهر، اماانتخاب این شوهر از نظرمادرچه کسی بود؟

واقعاچه کسی می توانست لیاقت دختر نجیب و باشخصیتش راداشته باشد؟اوبه این سوالات پاسخ داده بودحمد،پسربرادرش بهترین گزینه بودحمدقیافه ی مردانه ای داشت چهارشانه باقدی کشیده بود(بزرگترازسن ۱۴ ساله اش نشان میداد،دراینجاگرمای آفتاب پسرودختراخیلی زودبه سن بلوغ می رساندوچهرها نمی تواندنمایانگرسنشان باشند)همیشه ساکت بودولی وقتی لب به سخن می گشودتعجب همه رابرمی انگیخت منطق همیشه چاشنی گفته هایش بودالبته این برای حمدچیزغیرعادی نبوداوتمام این اخلاقیات رااازپدرش زایر خشان آموخته بود زایرخشان علاوه برریش سفیدی طایفه حکم شرع بین الطوایف رانیزبرعهده داشت(طوایف اینجا درصورت بروزاختلاف وبرای حل آن کمتربه مراکز قانونی حکومت مراجعه می کنند وبیشتر شرع راکه مورد تائیددوطرف باشدبرای حل نزاع اختیارمیکنند)علاقمندی حمدبه حلیمه مادر حمدبرای مادر حلیمه بازگوکرده بودهمین گفتگوی زنانه وموافقت پدر حلیمه باازدواج آنها زایرخشان وعده ای دیگرازمعتمدین را رهسپارآنهاکردتا رسماازحلیمه خواستگاری کنند.

همه شاد وخندان درمضیف مزبان(پدرحلیمه)به گفت وشنودهای یکدیگرگوش می دادنداستکانهای کمرباریک عربی باچای سیاه وقهوه چاشنی صحبتهای آنهابودزایرخشان لب به سخن گشود: خویه مزبان...!

الزواج سنت الله ورسوله...انه اجیتلک خاطرابحضورک وا بحضورالایاویداخطب بنتک لبنی حمد...

(برادرمزبان...!ازدواج سنت خداورسول اوست...

من به خانه ات آمدم تادرحضورت وحضور افرادخیر ازدخترت برای پسرم حمد خواستگاری کنم...) پدرحلیمه که گویی ازاین وصلت خرسند بودتبسمی کردوگفت:- ابوحمدانت غالی وعزیزعلیناواشماتطلب ان شاالله یصیر... بس... بس هیه ابنیتی...

حبابتی رضایتی من رضایتها... الاتسمحو لی اریداشوفنهه...)

(ابوحمدتوعزیزوگرانقدری وهرچه بگویی به حول وقوه پروردگارفراهم می شود...فقط...فقط به این یکی دخترم خیلی وابسته ام...رضایتم ازرضای اوست...

مرا ببخشیدمی خواهم بامشورت کنم...)مزبان آنهاراتنها گذاشت تاخودازربان حلیمه بشنود(گرچه مادرحلیمه موافقت دخترش رابه گوش همسرش رسانده بود)هیاهوی اتاق زنان باورودمزبان به سکوتی نه چندان پایدارتبدیل شد این سکوت باپاسخ حلیمه به پدرش خیلی زود شکسته شد وصدای کل فضای اتاق وخانه راغرق درخودکردقراربراین شدکه مراسم عقدهرچه زودتر برگزارشود وفردا رهسپار هویزه شوم دراین میان عوفه که ازخوشحالی حلیمه ناخرسند بودخبرراخیلی زودبه فامیلهای مزبان رساند(حلیمه پسر عمویی نداشت فقط پسرهای، پسرعموهای پدرش زیاد بودندکه ایوب یکی ازآنهابود).

شب هنگام همه درخانه ی شلش پسرعموی مزبان جمع شده بودند هرکدام یک چیزی می گفتند یکی می گفت:-بنت العم لبن العم...ماانخلی حمد یاخذ حلیمه!! (دختر عمو برای پسرعمو... نمی گذاریم حمدباحلیمه ازدواج کند!!)ودیگری می گفت: -والله نگطع رگبت حمد...

(به خداگردن حمدراخردمی کنیم...)صحبت همه باحرفهای شلش قطع شد:-خاف نسیتوحمدابنمن...بعدین هم تدرون مزبان اشرایح ایسوی بینا...

اظنن ایگطع ارگبناواحدوراالآخر...(نکنه فراموش کردید حمد پسرکیست... یامزبان باماچه کار خواهد کرد... گردن مارایکی بعداز دیگری خرد خواهدکرد...)

ایوب که تاکنون ساکت بودبالکنت زبان کفت:-اانا...اریدح حلیمه ... مامااخلی وواحدیا...

یاخذهه...چ چاااانه اشمالنی ماینطونیاها(م من...ح حلیمه رو می خواهم...

نمی گذارم ک کسی بااااوازدواج ک کند...مگرم من چه ایرادی دارم که اورو...ب به من نمیددن...)همه بابی اعتنایی ازاین صحبت ایوب گذشتن دراین میان شلش که ازهمه بزرگتر ونسبت به آنهامنطقی تربودچفیه اش رابرسر جابجاکردوگفت:-احسن حل هیه انهوه...باچرننهی علی بیت زایرخشان!)(بازبهترین راه...فردامخالفت خودراازازدواج به گوش زایرخشان می رسانیم!)خبراین تجمع خیلی زودبه گوش مزبان هم خیلی زودتفنگ دولول خودرابرداشت وبه سوی خانه شلش به راه افتاد...



صَوتُ الشَعْب
هفته نامه رای ملت
زمینه: مسائل اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: حسن هاشمیان
سردبیر: عادل حیدری
مدیر اجرایی: محسن ساکی
مدیر فنی: احسان سنجری
توزیع: سراسر کشور
آدرس: اهواز، ابتدای کمپلو، نبش خیابان شهید رجبی (دژبان) ساختمان سجاد، طبقه دوم واحد ۴، تلفکس: ۳۷۸۶۸۰۰-۰۶۱۱
صندوق پستی: ۱۵۵۰-۶۱۴۳۵
شماره حساب: ۷۷۸۷۰ بانک ملی شعبه شریعتی اهواز بنام عادل حیدری
لیتوگرافی: آذرخش - چاپ: ملت
امور مشترکین و روابط عمومی: ۰۹۱۶۶۱۷۶۳۸۳

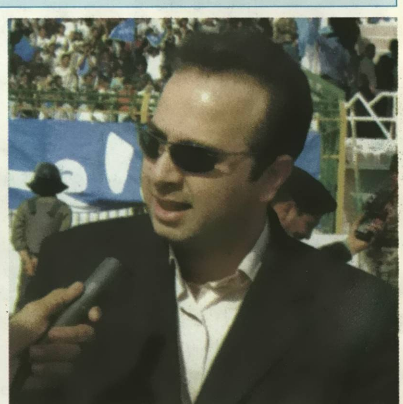
دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۸۳ - ۲۵ شعبان ۱۴۲۵ - سال پنجم - شماره ۵۹ - ۱۰۰۰ ریال

مهندس قاسمی مدیر عامل سازمان تاکسیرانی اهواز

بزرگترین سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش حمل ونقل درون شهری توسط باشگاه استقلال اهواز صورت می گیرد

اشاره:

سازمان تاکسیرانی اهواز سازمانی که می تواند موثر باشدزمینه های رضایت شهروندان اهوازی رافراهم نمایدکه متاسفانه درسالیان گذشته هیچ گونه حرکت وخدمتی که درخورشان مردم شریف کلان شهراهوازباشددیده نشده ونارضایتی همشهریان عزیز راباعث شده بود.ولی دراین برهه اززمان شاهد حرکاتی بودیم که بارقه های امید را در دل اهوازیهای قدرشناس روشن نمود،طرح جایگزینی تاکسی های فرسوده با تاکسی های سمند،طرح نظارت دقیق برتاکسی هاو...واینک طرح دیگری باهمکاری باشگاه فرهنگی ورزشی استقلال اهوازدرحال بوقوع پیوستن است که بدون شک تمام این دگرگونیهامرهون ومدیون مدیرعامل فعلی سازمان تاکسیرانی اهواز است. جالب است اندکی بابیوگرافی مهندس قاسمی مدیرعامل زحمتکش ودوست داشتنی سازمان تاکسیرانی اهواز آشناشوید.



سابقه‌مدیریتی‌حدود۱۰سال

ازسال ۷۴درسازمان فنی وحرفه ای خوزستان مشغول به کارشد

ازاوایل سال ۷۵ تا اواخر ۷۷ معاون اداره کل فنی وحرفه ای خوزستان

اواخرسال ۷۹رئیس مرکز آموزش تکنولوژی اطلاعات شیراز

ازاوئل ۸۱مدیرکل دخانیات استان فارس

سال ۸۱مدیرکل دخانیات نمونه کشور

سال ۸۲مدیرکل فروش دخانیات کشور

وبلاخره به درخواست شهرداری اهواز ومشکلات تهران نشینی،به اهواز آمدند تامدیرعامل این سازمان باشد.

تحصیلات: لیسانیس فیزیک هسته ایی

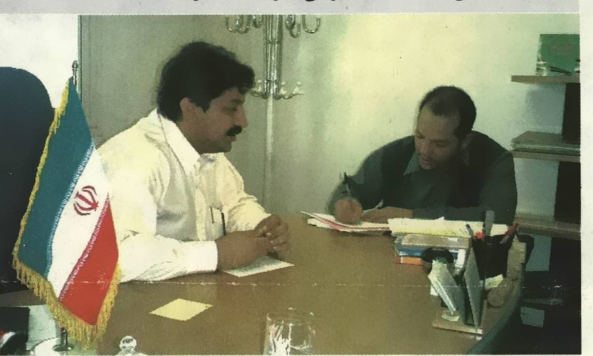
متولد: ۱۳۴۸، متولد شهر آغاجاری.

حال ماحصل گفتگوی صمیمانه و۲ساعته مابامهندس قاسمی درزیرآمده که خواندن آن خالی ازلطف نیست:

مهندس قاسمی درخصوص طرح باشگاه فرهنگی ورزشی استقلال اهوازدریک اقدام جالب جهت رفع برخی ازمشکلات حمل ونقل درون شهری و ایجادامکانات رفاهی بهتربرای سایرهمشهریان اهوازی تصمیم دارد تاسقف ۱۰۰۰ خودرو پژو بعنوان تاکسی دارد.

ناوگان تاکسیرانی شهر اهواز نماید، این خودروها با وامی که ازطریق خودشرکت استقلال تامین گردیده به متقاضیان بابهره بسیارپایین واگذارمیگردد.

مبلغ این وام بین ۷الی ۸میلیون تومان باشد، درمرحله نخست خرید ۱۰۰خودروبه ایران خودروارائه شده که امیدواریم بزودی با ورود این تاکسی‌ها شاهد یکی ازبزرگترین سرمایه گذاریهای بخش خصوصی دربخش حمل ونقل درون شهری خواهیم بود،که این اتفاق درکل کشوربه تنهابی سابقه بلکه نادر می باشد، سازمان تاکسیرانی و شخص بنده ازسوی جامعه تاکسیرانان اهواز مراتب تقدیری وتشکرخودرااز مجموعه خیراندیشان ودست اندرکاران باشگاه استقلال اهواز بویژه جناب آقای شفیع زاده مدیر عامل محترم باشگاه را اعلام می دارم.



هفته نامه رای ملت نیزبه سهم خودازمهندس قاسمی مدیرعامل زحمتکش سازمان تاکسیرانی اهواز ومهندس شفیع زاده مدیرعامل خیرخواه و دوست داشتنی استقلال اهوازکه این اقدام پسندیده رادرحال رقم زدن می باشند کمال تشکر و قدردانی رادارد.

مهندس قاسمی طرح کارت پارک رااینگونه تشریح نمودند:

درخیابانهای مرکزی شهر وخیابان شهیدچمران به اجراء درمی آیدکه این طرح باهدایت سازمان تاکسیرانی به نمایندگی ازشهرداری اهواز و توسط بخش خصوصی وبابه کارگیری بخشی ازنیروهای اتوبوسرانی به اجراءدرخواهد آمد.دراین طرح افرادی که برای مراجعه به هسته مرکزی شهرازخودروهای شخصی خود استفاده می نمایند جهت پارک خود درمعابرعمومی شهر می بایست هزینه توقف ماشین رامتقبل شوند.

مبلغ کارت پارک به ازاء هرساعت پارک در هسته مرکزی شهروخیابان شهید چمران مبلغ ۱۵۰تومان خواهد بودکه خودروهایی که بدون دریافت کارت پارک اقدام به پارک وسایل نقلیه خود در معابرعمومی می نمایند توسط نیروهای پلیس جریمه خواهند شد.

سخنی با نمایندگان مردم اهوازدرمجلس هفتم شورای اسلامی

دکترنجمه حمیدنائب رئیس شورای اسلامی شهر اهواز



بررسی مشکلات موجود در کلانشهراهوازبه عنوان مرکزاستان براساس منابع اطلاعاتی حاصل وشواهدموجودنیازمندچاره اندیشی جدی وبرنامه ریزی خردوکلان توسط اعضاءشورا ونمایندگان مجلس. همگان مستحضریدکه علیرغم اینکه ۷ ۵ درآمدکل کشورازاستان خوزستان تامین می شوداما مشکلات دیرینه وهمه جانبه ای موجوداست که واقعاتلاش وپیگیری جدی مسئولین ونمایندگان محترم مجلس درجلب نگاه مرکزوتامین اعتبارخاص رامی طلبد. در کلانشهراهوازمعضلات همه جانبه ای وجود دارد..مردم شهر اهوازهم نسبت به شهرهای دیگرفقیرتربوده درحالی که درشهرهای دیگر افرادمتمول وپردرآمدی وجوددارند که بسیاری ازمراکز خدماتی راتاسیس می کنند وامورخیریه وعام المنفعه راوقف مردم می کنند.اخیراهم بالایحیه تجمیع عوارض، درآمدشهرداری بسیارمحدودشده است.به همین دلیل شهراهوازواقعابه کمکها واعتبارات دولتی بیشتری نیازمند است. یک سوم حمل ونقل کشوری بدلیل ترخیص کالاازبنادری مانندپتروشیمی وبندرامام ازخوزستان انجام می پذیرد. درهیچ شهری مانند شهر اهواز اینهمه کامیون وبوژی وارد شهر نمی شود متاسفانه هنوزمشکل جاده کمربندی حل نشده است. وضعیت رودخانه کارون که بحرانی است وبه یک باتلاق درشهرتبدیل شده است.با اینکه درجاده ساحلی اقدامی صورت گرفته است متاسفانه بوی تعفون ناشی ازرودخانه تاثیر بسیاربدومنفی درجلب توریست وگردشگری دارد.بحث لایروبی رودخانه کارون یکی ازمباحث کلیدی ومهم شهر است.آب خام شهر اهوازمشکل جدی دارد.هزینه های آب مصرفی بالاومردم بدلیل غیر بهداشتی بودن آب،آب را بصورت بشکه بشکه خریداری می کنند. گران ومضاعف بودن هزینه آب بهاءباعث خشک شدن فضای سبز منازل شده است.معضل جدی دیگر دفع آبهای سطحی است که همواره درزمستان شاهدبودیم که اغلب نقاط شهر با اندک بارندگی زیرآب غوطه ور شده ومردم درچند نقطه ازشهردچارضرر و زیان شده بود.جهت جبران اندکی ازاین عقب افتادگی هاعمرانی،اعتباری تحت‌عنوان توازن منطقه‌ای دراختیاررئیس سازمان مدیریت وبرنامه ریزی کشوروجودداردکه لازم است با توضیح مشکلات موجود درشهر اهواز اعضاء شورا به اتفاق نمایندگان محترم مجلس مصرانه ازآقای شرکاء ومسئولین دیگر بخواهند تادرپیوست بودجه اعتبارات مربوط به شهر اهوازیکجا تصویب شود.لذامشکلات زیر برای مدیریت برنامه ریزی بشرح ذیل به منظور جلب همکاری آنهامطرح می گردد:

مدارس شهراهوازازشرایط فیزیکی وزیست محیطی بهنجاری وبرخوردارنمیباشد،این امرباعث کاهش انگیزه دانش آموزان به تحصیل ونفرت آنهامی شود.دانش آموزان سال اول ابتدایی که باورود خودبه مدرسه هراس جدائی ازمادرراتجربه می کند. وارد کلاس می شودکه درونپنجره‌های کثیف وتاریک ونیمکتهای شکسته است.این امر هراس ازمدرسه را افزایش میدهد.

آمار بالای زنان بی سرپرست و سرپرست خانوارکه همسران آنها در زندان بسر می برندبامشکل تامین معاش مواجه هستند.

برخی که تحت پوشش بهزیستی وکمیته امدادی باشند علیرغم اینکه حداقل دارای ۴ نفرعائله میباشندماهیانه ۲۰-۱۲ هزارتومان مستمری دریافت می کنند.چه بسابرای تامین شکم گرسنه فرزندخودبه نابسامانیهای اجتماعی روی می آورند. حدود۷۰۰۰راننده درسطح شهر اهواز وجوددارد. ۴۰۰۰۰ دستفروش وزنانی که در گرمای ۵۰درجه ازاین طریق امرارمعاش نموده واین شغل آخرین امید آنهاست وبسیاری معضلات اجتماعی وفرهنگی دیگرکه فرصت ذکرآنهانیست.

بدون شک نمایندگان محترم مجلس به این معضلات وقوف کامل دارند.شهروندان مابه پیام مقام معظم رهبری امیدبسته‌اندکه امسال راسال پاسخ گویی به مردم وخدمات رسانی دانسته اند.اجمالا نظرنمایندگان محترم مجلس رابه نیازمندیهای ذیل معطوف نموده به عنوان منتخبین مردم در شوراتقاضای کمک درحل مشکل ازطریق پیگیری باوزراوهیات دولت می باشیم:

۱-ضرورت کاهش نرخ تورم درکلانشهر اهوازاست وهمواره نرخ تورم استان بالاتر ازنرخ تورم کشوری است.که برخی ازآن مربوط به مالیاتهای سنگینی است که ازواحدهای تولیدی،مغازه هاوصنایع دریافت میشود که این امرباعث رکودسرمایه گذاری وافزایش نرخ تورم کلانشهرمی شود.

۲-اگر به آمارمالیاتهای دریافتی اداره کل اقتصاد و درآمد درسنوات اخیربنگریم مشاهده می شودکه میزان مالیات دریافتی ازرقم برآورده شده ومصوب بالاتر بوده است. حال اگراین مازاد دار آمد مانندشهراصفهان یاشهرهای دیگرصرف خدمات رفاهی شهروندان وکمیته های فرهنگی شودشاید قابل توجیه باشد. در حالی که درکلانشهرهای دیگر درآمدهای مالیاتی محقق نشده وبعداز خزانه کسری درآمدجبران می شود . پیگیری این امر ازطریق مدیریت برنامه ریزی امکان پذیر است.

۳- بهاءخدمات برای هر خانواده بطورمیانگین ۹۰تومان است درحالی که بهاءخدمات دریافتی هر خانواده در حدود ۲۰ تومان است. پیشنهاد مشخص ماآن است که بهاءخدمات شهری درقالب بودجه های دولتی تامین اعتبارگردد.

۴- باتوجه به عوارض روحی-روانی ناشی ازجنگ که براساس پژوهشهای مختلف انجام شده درایران وخارج مشخص شده است که نشانگان بالینی بصورت اضطراب،افسردگی،پرخاشگری تا سالیان متمادی بعدازبیست سال متداوم می یابد.لذاجبران خسارتهای روانی ناشی ازجنگ حمایت اجتماعی ویژه موردنیازاست که بصورت سرانه فضای سبز،امکانات رفاهی وتفریحی جهت شهروندان است.ازسوی دیگرباتوجه به شرایط اقلیمی موجودکه انجام این امربدلیل بالا بودن سفره آبهای زیرزمینی مستلزم هزینه بالاجهت زهکشی وآب مصرفی است.بابودجه مصوب واعتبارات شهرداری این امرامکان پذیرنیست. لذا اعتبارخاصی برای توسعه فضای سبز شهر اهواز موردنیازاست.

۵-تلاش درجهت افزایش میزان جذب نیروی انسانی پرستاران در بیمارستانها همانطور که مستحضرهستیدعلیرغم تعداد فراوان پرستاران فارغ التحصیل دانشگاه،جذب نیروی انسانی پرستارمعادل ۱۵-۱۰سال گذشته است.این امرکیفیت خدمات درمانی تاثیرنامطلوبی گذاشته وموجب استرس وعدم رضایتمندی پرستاران شاغل می شود.

۶-جاده های برون شهری بویژه مسیراهواز-بندرامام به قتلگاه تبدیل شده است وآمارتصادف سالیانه همواره روبهافزایش است.همچنین بدلیل فقدان جاده کمربندی کامیونهای سنگین ازفلکه چهارشیرواردشهر شده وموجب ترافیک سنگین وآلودگی زیست محیطی واستهلاک وقتوسرمایه می شود.روندایجادجاده کمربندی بسیارکندپیش می رود.

۷-بدلیل فقدان مدیریت واحد شهری وهماهنگی میان سازمانهای خدماتی، شهروندان بلاتکلیف ودچاره مشکل بوده واین امرهزینه‌های خدماتی رامضاعف می سازد.ازسوی دیگر براساس ماده ۱۳۶ برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی، مدیریت واحدشهری درحال تشکیل است،لیکن چنین انتظاری می رودکه فقط سازمانهای هزینه برراشهرداری تحمیل ننماید بلکه درواگذاری تصدی های سازمانهای درآمدزاراهم به شهرداری موکول کنند.این امرازطریق هماهنگی باوزارت کشور.شورای عالی اداری وهیات دولت امکانپذیراست.

۸-ضرورت توسعه‌مدارس میان روستائی وجاده ای وایجاد مراکز آموزشی شبانه روزی جهت دختران روستائی.دردشت آزادگان بدلیل عدم وجودمدارس شبانه‌روزی باعث‌ترک تحصیل دختران روستائی وازدواج زودرس آنهاشده‌است.متاسفانه‌حتی درکلانشهر اهوازوضعیت فیزیکی مراکزآموزشی بلحاظ امکانات مورد نیازوپیکره ساختمان بسیار غیر استانداردودرودیوارهای کثیف و نیمکتهای شکسته وساختمانهای قدیمی درحال ریزش به عنوان مهد دانش،ایجاد تنفروانزجارودردانش آموزان ابتدائی که‌بااولین تجربه‌جدائی ازمادرجهت کسب دانش مواجه هستندونیازبه‌محیط دلپذیری دارندکه به آنها ایجاد می کند.لذا شناسائی مدارس مشکل دارو پیگیری روندبازسازی مدارس امری بسیارضروری است.

۹-تخصیص ردیف اعتباری ویژه ازمحل مازادهای درآمدبه منظور بیمه کردن زنان خانه دار است. حدود۴۵ هزارزن بی سرپرست درشهراهوازوجودداردکه همسران آنهادرزندانبسرمی برند و با حداقل چهار فرزندازطریق کمیته امداد یا بهزیستی با درآمد ماهانه ۲۰-۱۲ هزارتومان امرارمعاش می کنند. مسلماچنین امری مشکلات فراوانی رابرای زنان وفرزندان آنهاایجاد می کند وزمینه رابرای نابسامانیهای اجتماعی فراهم می سازد.

۱۰-درشورای برنامه ریزی وتوسعه فصلی تحت عنوان اعتبارات فرهنگی مصوب‌شده‌است‌یااعتباری‌تحت‌عنوان خسارت‌ناشی‌ازجنگ‌که‌ازطریق‌سازمان باتوجه به معضلات فرهنگی،چه برنامه هائی درسال ۸۳درزمینه توسعه فرهنگی مشخص شده است.متاسفانه که نقش جوانان‌ونوجوانان‌درتولیددانش‌درحوزه های فرهنگی مانند انجمن شهر، موسیقی،تئاتروغیره ضعیف است و درمقایسه باکشور، این نقش در اهوازبسیارکمرنگ است. بخصوص درحوزه سازمانهای‌غیردولتی هاکه‌بسیار ضعیف عمل شده‌است‌درسال گذشته کنگره ای درتهران برای مشارکت تشکیل شده،لیکن اهواز بسیار ضعیف بودوفضاوامکانات کافی جهت تهیه نشریه، بروشوروبولتن وجود نداردکه این امر احتیاج به بازنگری جدا دارد.درخاتمه ضمن اعلام همکاری همه جانبه با نمایندگان محترم استان در مجلس هفتم، استدعامی شود که اعتباراتی رامشخص نمایند تابواسطه‌آن بتوان عقب افتادگیهای دیرینه موجود دراستان ازطریق فیلمبرداری و ارائه گزارشهای علمی به هسته های تصمیم گیری درمرکزارائه نمود تا متقاعد شده واعتباری راتحت عنوان خسارت جنگ،حمایت اجتماعی ویژه جهت جبران ضرر و زیان حاصل وعقب افتادگیهای دیرینه و تاثیر منطقه درامنیت کشور اختصاص دهند.

غروب بندر خرمشهر

دائرة المعارفی بنام وزارت اطلاعات

هر نظام وحکومتی از اجزاء وبخشهای مختلفی شکل می گیرد ،که هر کدام از این بخشها واجزاء با توجه به مسئولیت خود انجام وظیفه می نمایند. اهمیت وارزش عمل هر بخش بستگی به وظیفه محول شده جهت به سر انجام رسیدن می باشد. در هر دولتی یک سری از وزارتخانه ها وسازمانهایی هستند که از حیث مسئولیت و عملکرد، دارای وظیفه وکارکرد ویژه و مهمی می باشند. وزارتخانه هایی مانند امور خارجه ، دفاع، وزارت کشور... حساسترین وظریفترین سازمان ویا وزارت اطلاعات است که از حیث عملکرد وانجام وظیفه، مسئولیت سنگین وخطیری بر عهده دارد .وزارت اطلاعات همانطور که از نام آن مشخص است دارای ابعاد بسیار وسیعی است . آگاهی، اطلاع یافتن واطلاع رساندن ،نظارت وکنترل به صورت نا محسوس ،و اشراف بر کلیه امور جامعه از جهت امنیتی ، سیاسی ،اقتصادی ، فرهنگی واجتماعی است. در واقع عمل ویا معنی اطلاعات که دارای مفهومی بسیار وسیع وگسترده ای است باید آنرا عملی فراتر وبا ارزش تر از یک عمل استخباراتی دانست ،چرا که تمام ساختار وتشکیلات یک جامعه، نیاز مبرم وضروری به این نهاد حساس دارد وهمیشه در تبادل اطلاعات ومشورت واستفسار در مورد افراد جامعه ویا اجزاء تشکیل دهنده یک جامعه هستند و در مجموع، وزارت اطلاعات رابايد دائره المعارف یک جامعه دانست ،چرا که این ارگان با ارزش و مهم با توجه به گستردگی حوزه فعالیت نباید آنرا فقط در حیطه ی کار هایی مانند جمع آوری اطلاعات ، ضد جاسوسی ، وپلیس مخفی دانست .بیستمین سالگرد تاسیس وزارت اطلاعات، بهانه ای شد تا بتوان در نمایشگاهی که به همین مناسب برگزار شده ، بخشی از فعالیت وعملکرد گسترده وحساس و ارزشمند وزارت اطلاعات را مشاهده کرد .این حرکت رابايد به فال نیک گرفت هر چند بازدید از این نمایشگاه به دلایل امنیتی که در یک تقسیم بندی وبرنامه ریزی وبا زمان مشخص ومحدود برای بعضی از اقشار شاخص جامعه از قبیل: خبرنگاران مطبوعات واهل قلم ، استاتید دانشگاه ، فرهنگیان ،و دانشجویان در نظر گرفته شده است. این نمایشگاه که دارای بخشهای مختلفی است، نماد کوچکی از عرصه فعالیت سربازان گمنام امام زمان (عج) می باشد وتقارن آن در ایام شعبانیه و همزمانی با میلاد با سعادت یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) ارزش وزیبایی خاصی به خود گرفته است .عملکرد وفعالیتهای این سربازان گمنام چشم هر بیننده ای را متحیر وبه تفکر وا می دارد ،آن زمان که بعضی از افرادجامعه ،در خواب خوش وروپایی بسر می برند، چشمان تیز بین و بیدار دلی هستند که از سلامت وامنیت جامعه حفاظت می کنند وتمام زحمتها ومشقتها را به جان دل می خرند تا مردم راحت باشند .در واقع افتخار این عزیزان رفاه وآسایش وامنیت جامعه است .حال توجه به چند نکته در این امر حائز اهمیت است :

۱- شکوه وعظمت کار سربازان گمنام امام زمان (عج) (وزارت اطلاعات) که هر انسان عاقل ومنصفی را به تحسین وا می دارد .واین مسئله باعث جلب اعتماد واطمینان افراد جامعه می شود که این عمل ،پروژه ی اعتماد سازی واطمینان سازی بین نظام اجتماعی ونظام سیاسی را کامل می کند.

۲-نوع تفکر واندیشه ی جدیدی که در عملکرد وفعالیت وزارت اطلاعات در نمایشگاه به معرض دید گذاشته شد ،تفکر عقلائی وعلمی ویا اصطلاحا آکادمیک و به دور از احساس ویا گزارشات واهی وبی اساس وهمچنین تصمیم گیریهای عجولانه قابل مشاهده است . که این یک حرکت مثبت ومفیدی می باشد.

۳-از عمده ترین غرفه هایی که هر بازدیدکننده را به وجد می آورد ومدت زمان بیشتری را توقف می کند، قسمت پژوهش وتحقیق وزارت اطلاعات است ،که نشان دهنده ی علمی وفرهنگی بودن بخش عظیمی از عملکرد این وزارتخانه است. در این تحقیقات وپژوهشها به جزئیترین بخشهای جامعه اهمیت داده شده است که حتی ممکن است برای بعضی از ارگانها وسازمانها و یا افراد جامعه کم اهمیت باشد.

۴- در اینجا این سوال پیش می آید و یا به عقیده نگارنده مطلب ،انتقاد دوستانه وسازنده ای که وارد است این که با وجود این همه تلاش و زحمت و همچنین فراوانی مطالب پژوهشی وتحقیقاتی وآمار دقیق و علمی بودن آن چرا باید مطبوعات ، اهل قلم و روشنفکران جامعه در نگارش و تالیف وتکمیل مطالب خود که همانا به قصد سازندگی در جامعه است بی بهره باشند؟ وممکن است جهت تکمیل مقالات ومطالب خود به یک سری آمار و ارقام نادرست و غیر واقعی استناد کنند ومنابع رسمی ومستند نداشته باشند.

انباشتن این همه تحقیقات وپژوهشهای علمی که نتوان از آن جهت طرح وبرنامه ریزی های اجتماعی، فرهنگی،سیاسی ، اقتصادی جامعه استفاده کرد به چه کاری می آید ؟ آیا میتوان این همه تحقیق را نادیده گرفت وانباشته کرد ؟ ویا باید از آن استفاده نمود و جامعه راپویا و فعال کرد وبه سر منزل مقصود رساند و همچنین ازگزند دشمنان وفرصت طلبان در امان نگاه داشت .

در آخر ،ضمن تبریک بیستمین سالگرد تاسیس وزارت اطلاعات ،از حسن اعتماد این عزیزان و دعوت جهت بازدید از نمایشگاه ،تقدیر و تشکر به عمل می آید .و نیز این مطلب را اضافه می نمایم که به مردم اعتماد کنید تا مردم شمارا محرم راز خود بدانند و در مشکلات و تنگناها مطمئن شوندکه نهاد ویا ارگانی وجوددارد که سنگ صبور آنهاست وگوش شنوا دارد. امید است که این حرکتها ی فرهنگی وارتباط با اهل قلم ،جراید ،اقشار تحصیکرده وروشنفکر ومتعهد ادامه یابد وانشاء ا... جناب آقای یونسی وسایر همکاران در این را ه موفق باشند ، زیرا که عدم ارتباط با مردم واقشار مختلف جامعه وجلب نکردن اعتماد و اطمینان آنها در واقع ظلم به خود است وزحمات خودتان را هدر داده اید .

تفکر جدید و اندیشه ی باز و عقلایی از زمان تصدی وزارت اطلاعات، توسط حجه الاسلام یونسی شتاب بیشتر و منطقی تری به خود گرفته است .و آن دید پلیس مخفی و استخباراتی ومخوفی که از عزیزان زحمتکش و دلسوز وزارت اطلاعات، در جامعه القاء می شد تا حدود زیادی حذف شده است.

به امید دیدار در نمایشگاهی پر بارتر در سال آینده ...

محسن ساکی